

هوالحق

جزوه مختصر کاربردی حقوق تجارت ویژه آزمون وکالت

معین شرقی

خدایا به توکل نام اعظمت خدایا به توکل نام اعظمت

عرض سلام و احترام خدمت دانش آموختگان فرهیخته رشته حقوق؛

بی شک یکی از مهمترین دغدغه‌های فارغ التحصیلان رشته حقوق به خلاف اغلب رشته‌های درسی قبولی در آزمون‌های خاص شغلی و نیل به تصدی کسوت‌های حقوقی می‌باشد.

این حقیر با اندک تجربه تدریس در حوزه حقوق خصوصی به منظور استفاده دانش آموختگان محترم رشته حقوق جزوه مختصر درس «حقوق تجارت» را با تکیه بر مباحث مهم و با توسل به شیوه‌های استنباط مبتنی بر قواعد و مقررات کاربردی گردآوری و تنظیم نمودم.

به نظر می‌رسد مطالعه جزوه حاضر به همراه متن قوانین مرتبط تا حدود زیادی راهگشای موفقیت در آزمون‌های مشاغل حقوقی می‌باشد.

با تقدیم احترام

معین شرقی، مدرس حقوق مدنی و تجارت @moenlaw

حقوق تجارت:

در کل، در حقوق تجارت دو مورد ضابطه داریم:

۱- ضابطه موضوعی یا نوعی: در ابتدای امر، اعمال تجاری را تعریف می‌کنیم. در ضابطه موضوعی، ابتدا اعمال تجاری تعریف شده و سپس فاعل آن اعمال را تاجر می‌دانیم.

۲- ضابطه شخصی: در ضابطه شخصی، ابتدا شخص تاجر را تعریف می‌کنیم. در ضابطه شخصی، شخص تاجر محوریّت دارد. در ضابطه شخصی ابتدا تاجر را تعریف می‌کنیم و سپس اعمال او را تجاری می‌دانیم.

در حقوق تجارت قوانین کشور ایران، از ضابطه مختلط تبعیت شده است. البته، با غلبه ضابطه موضوعی یعنی مواد ۱ و ۲ ق.ت (قانون تجارت) از ضابطه موضوعی تبعیت کرده و ماده ۳ از ضابطه شخصی تبعیت کرده است.

ماده یک در تعریف تاجر می‌گوید: کسی که شغل معمولی او معاملات تجاری باشد (ماده دو اعمال تجاری ذاتی).

تاجر می‌تواند شخصی حقیقی باشد یا شخصی حقوقی باشد که اگر شخص حقوقی باشد شرکت تجاری می‌شود.

در تکمیل تعریف باید گفت که شغل معمولی یعنی محل اصلی و متعارف کسب در آمد شخص باشد.

نتیجه می‌گیریم که یک بار انجام اعمال تجاری شخصی را تاجر نمی‌کند مثلاً من می‌بینم سکه در حال گران شدن است این مال منقول را یک بار می‌خرم تاگران تر که شد آن را بفروشم. این عمل، عملی تجاری است اما من را تاجر نمی‌کند. هرچند که آن عمل عمل تجاری باشد.

بنابراین، اگر کارمندی مبادرت به اعمال تجاری نماید به شرطی که آن عمل، محل اصلی کسب درآمد باشد تاجر است. اگر هرروز عمل نجاری انجام دهیم ولی محل اصلی کسب درآمد، از کار در اداره پول بیشتری دربیاریم مثلاً ۱۰ میلیون باشد ولی از اعمال تجاری ۲ میلیون دربیاریم حتی اگر هر ماه انجام دهیم محل اصلی کسب در آمد همان است که مقدارش بیشتر است.

ممنوعیت اشتغال به اعمال تجاری

۱- مطلق: برخی اشخاص از هرگونه عمل تجاری ممنوعند مثل: قضات، سردفتران اسناد رسمی

۲- نسبی: برخی از اشخاص از برخی از اعمال تجاری ممنوعند مثل: کارمندان دولت از حق العمل کاری در امور گمرکی ممنوعند.

سؤال: اگر شخصی که انجام اعمال تجاری توسط او ممنوع است مبادرت به اعمال تجاری نماید و این اعمال تجاری، شغل معمولی او باشد در این صورت:

- ۱- عمل تجاری و شخص تاجر است
 - ۲- عمل تجاری است ولی شخص تاجر نیست.
 - ۳- عمل تجاری نیست و شخص تاجر نیست.
 - ۴- عمل تجاری نیست ولی محدودیت‌های تجار شامل آن می‌شود.
- * گزینه ۱ صحیح است. عمل تجاری است و شخص هم تاجر است ولی مثلاً اگر قاضی باشد باید برود دادگاه انتظامی قضات و تخلف است.
- * تنها ملاک و معیار ما برای تاجر دانستن شخص، آن است که شغل معمولی او اعمال تجاری باشد. حتی اگر وی در انجام اعمال تجاری مرتکب تخلف شده باشد.
- انجام برخی از معاملات نیاز به مجوز خاصی دارد مثل دلالی - کارگذاری بورس حق العمل در امور گمرکی. اگر کسی بدون مجوز این کار را انجام دهد همچنان عمل او تجاری است و اگر شغل معمولی او باشد تاجر محسوب می‌شود.
- * مدیران شرکت‌های تجاری تاجر محسوب نمی‌شوند چون به نام دیگری عمل می‌کنند.
- * کارمند دولت که در خارج از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد تاجر محسوب می‌شود.
- * صغیر با اذن ولی خود می‌تواند در شرکت‌های تجاری سرمایه‌گذاری کند. ولی یا قیم نمی‌تواند به نمایندگی از طرف محجور تجارت کند.

ماده ۲ اعمال تجاری

- ذاتی: آنهایی که ذاتاً تجاری اند صرف نظر از فاعل ماده ۲
- تبعی: اعمالی که به اعتبار فاعل تجاری اند ماده ۳
- بند اول ماده ۲: تحصیل، به دست آوردن مال از طرق حقوقی کشاورزی و یا دامداری را دربر نمی‌گیرد. وارث را هم دربر نمی‌گیرد. صلح - معاوضه - اعمال موضوع ماده ۱۰ و ... در بر می‌گیرد.

به دست آوردن مال از طرف حقوقی:

- اجاره کردن مال برای اجاره دادن آن عمل تجاری است.
 - تحصیل یعنی به دست آوردن مال از طرق حقوقی که اراده ما در آن نقشی داشته باشد (ارث جدا می‌شود).
- مال منقول اموال منقول مادی قابل لمس
- قصد فروش یا اجاره دادن مال: باید در زمان خرید یا تحصیل آن مال برقرار باشد.

فروش اموال منقول عمل تجاری نیست بلکه خرید یا تحصیل مال منقول به قصد و انگیزه فروش و اجاره، عمل تجاری است.

تصرفات: اگر تصرفاتی که در مال منقول شده است به اندازه ای باشد که اکثر دریافتی شخص بابت این تصرفات باشد عمل تجاری نیست.

مثال، اگر بیشتر (اکثر پول) مال تصرفات و هنری باشد که مثلاً در یک چوب انجام می‌دهد باشد عمل تجاری نیست.

این تصرفات تا کجا عمل تجاری است؟ تا جایی که اکثر پولی که می‌گیرد در پول آن، کار و هنر و تصرفات آن نباشد.

سؤال: کدامیک عمل تجاری است؟

- ۱- فروش اموال منقول: گفتیم خرید مال منقول به قصد فروش عملی تجاری است.
- ۲- خرید اموال منقول اگر منتهی به فروش شود: خرید اموال منقول اگر قصد فروش داشته باشیم عمل تجاری است.
- ۳- استیجار اموال منقول اگر به قصد به ایجار شود. ایجار: اجاره دادن / استیجار اجاره کردن اجاره کردن اموال منقول اگر به قصد اجاره دادن باشد. استیجار: نوعی تحصیل
- ۴- همه موارد

خرید اموال منقول اگر با قصد فروش یک اجاره نباشد عمل تجاری نیست، حتی اگر نهایتاً منتهی به فروش شده باشد. پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه: عمل تجاری نیست.

سؤال: شخصی خودروبی را اجاره می‌کند تا آن را به دیگران اجاره دهد در این صورت:

- (۱) اجاره اول عمل تجاری است.
- (۲) اجاره دوم عمل تجاری است.
- (۳) هر دو عمل تجاری است.
- (۴) هیچکدام عمل تجاری نیست.

اگر همین سؤال به جای مال منقول، ملکی (غیر منقول) باشد گزینه ۴ می‌شود چون گفتیم خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول و ملک مال منقول نیست.

اجاره دادن عمل تجاری نیست. اجاره کردن عمل تجاری است. ایجاد عمل تجاری نیست استیجار عمل تجاری است.

سازنده وسایل موسیقی از چوب و فلز عمل تجاری انجام نمی دهد. (آقای دکتر ستوده گفته آهنگر با فلز چیزی می سازد پس تاجر است)

بند ۲ ماده ۲ متصدی به حمل و نقل

- زمینی (جاده های ریلی)
- هوایی
- دریایی

فرقی ندارد که حمل و نقل اشیا باشد یا اشخاص. عبارت تصدی: قانونگذار این عبارت را در ۴ مورد تکرار کرده و گفته تصدی

- حمل و نقل
- هر قسم تاسیساتی که برای انجام یعنی امور ایجاد می شود.
- تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی
- تصدی به عملیات حراجی

عبارت تصدی ۲ وصف را در خود دارد:

- تکرار و استمرار
- انجام عمل در قالب تشکیلاتی مانند بنگاه

** پس حمل و نقل عمل تجاری نیست بلکه تصدی به حمل و نقل، عمل تجاری است.

سؤال: شخصی به طور موردی اقدام به حمل و نقل اشیا می کند کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- اگر در ازای دریافت وجه باشد، عمل او تجاری و او تاجر است.
- ۲- اگر در ازای دریافت وجه باشد، عمل او تجاری ولی او تاجر نیست.
- ۳- عمل او تجاری ولی او تاجر نیست.
- ۴- عمل او تجاری نیست.

** چون حمل و نقل عمل تجاری نیست حتی حمل و نقل در برابر دریافت پول عمل تجاری نیست. تنها تصدی به حمل و نقل مثل شرکت مسافربری و منظور موسسه حمل و نقل یا شرکت هواپیمایی و منظور آن موسسه است ولی خلبان عملش تجاری نیست.

در پی سؤال قبل: برای مثال موسسات باربری یا شرکت‌های هواپیمایی عمل تجاری انجام می‌دهند و تاجر هستند زیرا عمل آنها هم استمرار دارد و هم در قالب تشکیلات است اما رانندگانی که در این موسسات هستند تاجر محسوب نمی‌شوند و عمل آنها تجاری نیست چون این راننده که صاحب آن بنگاه نیست بلکه ممکن است رابطه او یا آن موسسه باربری در قالب عقد اجاره باشد.

شرکت هواپیمایی: متصدی حمل و نقل نه کارکنان آن

بند سوم ماده ۲

- دلالی
- حق العمل کاری
- عاملی
- تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای انجام یعنی امور انجام می‌شود از قبیل: تسهیل معاملات ملکی

دلالی: واسطه‌گری برای پیدا کردن طرف معامله

حق العمل کاری: انجام معامله به نام خود و به حساب دیگری

عاملی: انجام معامله به نام دیگری و به حساب دیگری (به عبارت دیگر نمایندگی) مانند نمایندگی‌های ایران خودرو

تصدی به هر نوع از موارد از قبیل معاملات ملکی، معاملات بورسی، آژانس املاک (بنگاه)

آیا عامل وکیل تاجر محسوب می‌شود؟

چون قانون تجارت مقررات خاصی را برای عامل مقرر نکرده است باید رابطه عامل و آمد او را تابع مقررات ق.م (قانون مدنی) راجع به وکالت بدانیم، وکیل تاجر یا تجارت خانه یا نماینده او و تاجری که با عامل قرارداد دارد می‌تواند او را عزل کند ولی باید در صورت غیر موجه بودن عزل به عامل خسارت بپردازد و تشخیص غیر موجه بودن با دادگاه است.

تست کانون* دلالی و حق العمل کاری در معاملات غیر منقول، تجاری محسوب می‌شود که البته رابطه بین این‌ها در سؤال آمد.

بند چهارم ماده ۲:

تاسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع نیازهای شخصی نباشد. کارخانه و تاسیسات را برای شخص دیگری تاسیس کند و کارش این است که برود برای دیگران کارخانه راه اندازی کند. شخصی کارش این است که می رود برای دیگران کارخانه راه اندازی می کند و تاسیسات نصب می کند مثل: اشخاصی که ماشین آلات صنعتی را برای کارخانه می سازند.

مثل کارخانه ماشین سازی صنعتی

- کارخانه ممکن است متعلق به شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی

بند پنجم ماده ۲: از ماده تصدی به عملیات حراجی

تصدی تکرار و استمرار تشکیلات

تعریف تصدی به عملیات حراجی: شخص دارای یک تشکیلات است که سایرین کالاهای خود را برای فروش به او عرضه می کنند پس به بیشترین قیمت فروخته می شود.

بند ششم از ماده ۲: تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی

تعریف نمایشگاه عمومی به معنای فضایی است که شخصی فراهم می کند تا دیگران بتوانند محصولات خود را در آن فضا عرضه کنند و صاحب نمایشگاه در ازای عرضه این محصولات مبلغی را از فروش آن محصولات دریافت می کند.

اجاره دادن اموال غیر منقول عمل تجاری محسوب نمی شود.

بند هفتم از ماده ۲: هر قسم عملیات صرافی و بانکی: هر عملیاتی که اختصاص به بانکها دارد مثل افتتاح حساب

پرداخت تسهیلات، صدور ضمانت نامه بانکی صدور اعتبارات اسنادی (LC)

بند هشتم از ماده ۲: معاملات براتی:

صدور ظهر نویس - ضمانت - قبول یا تنزیل برات (تنزیل برات، سررسید براتی برای ۹۸/۱ است که برات را به مبلغ کمتری به شما بفروشم).

معاملات راجع به برات: نص قانون می‌گوید که عمل تجاری است. در معاملات راجع به سفته، قانون ساکت است پس عمل تجاری نیست زیرا قانون ۲ تجارت حصری نیست و فقط مربوط به همان چیز هابیست که ذکر شده است. در معاملات راجع به چک قانون صراحتاً گفته عمل تجاری نیست. اگرچه، سفته و چک سند تجاری است اما صدور سفته یا چک عمل تجاری نیست.

بند نهم از ماده ۲: عملیات بیمه:

هر بیمه ای بیمه آتش سوزی، بیمه عمر، بیمه خودرو نسبت به بیمه گذار و بیمه گر عمل تجاری است.

بند دهم از ماده ۲: کشتی سازی، کشتی رانی، معاملات راجع به کشتی.

کشتی تنها مال منقولی است که فروش آن هم عمل تجاری است.

* بسیار مهم * خرید کشتی مطلقاً عمل تجاری است اما خرید سایر اموال منقول به صورت مقید، به قصد فروش یا اجاره عمل تجاری است.

تست قانون: حق العمل با یک بار انجام دادن عمل تجارتي محسوب می‌شود (چون تصدی نیست).

سؤال: کدام گزینه صحیح است؟

نکته: بنابر قانون دریایی، کشتی باید ثبت شود. اگر یک کشتی ثبت نشده باشد باز هم خرید و فروش آن یا انجام کشتیرانی نسبت به آن عمل تجاری است (در ماده با اعمال تجاری ذاتی آشنا شدیم).

بند ۱۱ از ماده ۵ قانون تملک آپارتمان ها:

شرکت هایی که به منظور ساخت خانه، آپارتمان یا مغازه تشکیل می‌شوند از انجام سایر اعمال تجاری ممنوع اند. در نتیجه ساخت آپارتمان یا مغازه یا خانه عمل تجارتي ذاتی است. اعمال تجارتي ذاتی حصری هستند یعنی با قیاس قابل گسترش نیستند (یعنی هرکسی که مبادرت به ساخت خانه یا آپارتمان و مغازه ای نماید تاجر است؟ و عمل او تجارت است؟).

با توجه به عدم تصریح ماده اشخاصی که این اعمال را انجام می‌دهند همچنان غیر تاجر محسوب می‌شوند.

ماده ۳ اعمال تجاری تبعی (اعتباری)

اعمالی هستند که به خاطر یا به اعتبار تاجر بودن طرفین یا یکی از طرفین آنها تجاری محسوب می‌شوند.

بند اول: کلیه معاملات بین تاجر، کسبه، صرافان و بانک‌ها به عبارتی معاملات بین تاجر با یکدیگر در خصوص بند اول است. این بند طبق نص قانون مطلق و منوط به به آن نیست که برای رفع حوائج تجاری باشد.

بند دوم: معاملات تاجر با غیر تاجر مشروط به اینکه برای رفع حوائج تجاری تاجر باشد.

بند سوم: معاملات خدمه، کارمندان و شاگرد تاجر اگر برای امور تجاری ارباب خود باشند. خدمه، کارکنان و شاگرد تاجر، تاجر محسوب نمی‌شود. به صرف شاگرد تاجر بودن، تاجر محسوب نمی‌شود. اعمال این الفاظ تجاری است نه خود این اشخاص.

بند چهارم: کلیه معاملات شرکت‌های تجاری کلیه معاملات شرکت‌های تجاری به استثنای معاملات غیر منقول.

سؤال: تاجری چکی صادر و آن را در اختیار تاجر دیگر قرار می‌دهد صدور این چک:

- ۱- اگر برای حوائج تجاری باشد عمل تجاری است.
 - ۲- اگر برای حوائج شخصی صادر کننده چک باشد عمل تجاری است.
 - ۳- عمل تجاری نیست.
 - ۴- عمل تجاری است (بند اول ماده مطلق است).
- صدور چک ذاتا عمل تجاری نیست ولی اگر بین دو تاجر باشد عمل تجاری تبعی است.
 - دادن و ستاندن چک نوعی قرارداد است (رای وحدت رویه آ.د.م).
 - از نظر غیر تاجر معامله ای که انجام می‌شود چه برای رفع حوائج تجاری تاجر باشد چه نه، تجارت نیست. فقط از نظر تاجر این معاملات تجاری است.
 - کلیه اعمال شرکت‌های تجاری جنبه تجاری دارد به جز اعمالی که ذاتا غیر تجاری است مثل معاملات غیر منقول. اگر اعمال شرکت‌های تجاری از اعمال ذاتا تجاری ماده ۲ باشد تبعی نیست و ذاتی است.
 - معامله بین دو تاجر در هر حال تجاری خواهد بود به استثنا اموال غیر منقول.
 - اثبات این امر که معامله انجام شده بین تاجر و غیر تاجر برای حوائج غیر تجاری بوده است، بر عهده خود تاجر است.

ماده ۴ (فرض قانونی غیر تجاری بودن معاملات غیر منقول)

معاملات اموال غیر منقول تجاری نیست. فرض قانونی چیزی که خلاف آن قابل اثبات نیست وگرنه اماره قانونی است. برای مثال، اگر دو تاجر معامله ای غیر منقول انجام دهند عمل ایشان حتی عمل تجاری تبعی هم نیست اما موارد ذیل عمل تجاری است:

- ۱- بیمه اموال غیر منقول
- ۲- دلالتی معاملات غیر منقول
- ۳- تصدی به تسهیل معاملات ملکی
- ۴- ساخت خانه آپارتمان یا مغازه
- ۵- حق العمل کاری معاملات غیر منقول یعنی رابطه آمد با حق العمل کار یا دلال عمل تجاری است. برای فروش، تجاری نیست.

اینها تخصیص است. هر چند از جنس بقیه تخصیصها نیست.

*در حقوق ایران خرید زمین یا ساختمان موجود برای ایجاد ساختمان جدید عمل تجاری است ولی خرید ساختمان موجود چنین نیست.

*حق العمل کاری معاملات غیر منقول یا دلالتی معاملات غیر منقول یعنی رابطه فیما بین آمر با حق العمل کار یا دلال عمل تجاری است اما معامله ای که حق العمل کار منعقد می کند یا معامله ای که به واسطه ی سعی دلال منعقد می شود عمل تجاری نیست.

ماده ۵ اماره قانونی تجاری بودن معاملات تجار

اماره قانونی، یعنی خلاف آن قابل اثبات است. معاملات تجار را تجاری تلقی می کنیم مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. کلیه معاملات تجار، تجاری است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. اثبات خلاف آن برعهده کسی که اظهارات او خلاف اماره است.

ماده ۶ تا ماده ۱۰

یکی از وظایف تجار تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری است. در کل ۴ نوع دفتر موجود است.

- دفتر روزنامه
- دفتر کل

- دفتر دارایی
- دفتر کپیه

دفتر تجاری: سند عادی / چک: سند عادی

دفتر روزنامه: دفتری که تاجر معاملات خود را به صورت روزمره در آن درج می کند.

دفتر کل: دفتری که تاجر معاملات را از دفتر روزنامه استخراج و حداقل هفته ای یک بار در دفتر کل درج می کند.

دفتر دارایی: دفتر دارایی را تاجر به صورت سالیانه نهایتاً تا ۱۵ فروردین سال آینده تنظیم می کند. از دفتر کل و روزنامه در آن استخراج می کند.

دفتر دارایی متضمن: مطالبات دیون لیست اموال و دارایی ها

دفتر کپیه: دفتر مرسولات و مکاتبات تاجر، فقط این دفتر نیازی به امضای نماینده ثبت ندارد.

نکته: دفتر دارایی باید به امضای تاجر تنظیم کننده برسد اما سایر دفاتر تجاری نیاز به امضای تاجر ندارد.

نکته: غیر از دفتر کپیه، سایر دفاتر تجاری قبل از آنکه مطلبی در آن نوشته شده باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء شود، دفتر کپیه نیاز به امضای نماینده ثبت ندارد.

تاجر باید تمام دفاتر را از پس از ختم هر سال، لااقل تا ۱۰ سال نگه دارد.

نکته: کسبه جزء مکلف به نگهداری دفاتر تجاری نیستند ولی جزو تجارند. کسبه جزء وقف نظام نامه رئیس قوه قضائیه مشخص می شوند.

تعریف کسبه جزء: کسانی که اگر کار وی ارائه کالا است و فروش سالانه اش تا ۱۰۰ میلیون ریال (نگفته سود فروش) و اگر کار او ارائه خدمات است دریافتی سالانه اش تا ۵۰ میلیون ریال باشد.

*کسبه جزء صرفاً ممکن است شخص حقیقی باشند. اشخاص حقوقی کسبه جزء تلقی نمی شوند.

بخشی در مواد قانون مدنی و آ.د.م و بخشی در ماده ۱۳ تجارت، استناد به دفاتر تجاری مطابق مقررات ماده ۱۳ و ماده ۱۴ بین تجار در امور تجاری سندیت دارد.

استناد به دفاتر تجاری:

- علیه تاجر تنظیم کننده امکان پذیر است و نوعی اقرار کتبی است (تاجر در دفترش چیزی نوشته که می توان علیه او استفاده کرد).

- که تاجر تنظیم کننده مادر دفتری نوشته باشیم که از کسی طلبکاری و به آن استناد کنیم ولی یک شرط دارد باید طرف مقابل هم تاجر باشد تا بتواند به دفاتر خودش استفاده کند.

پس این استناد در صورتی امکان پذیر است که سه شرط زیر جمع باشند:

- ۱- طرف مقابل هم تاجر باشد.
- ۲- دعوا ناشی از معاملات تجاری باشد.
- ۳- دفاتر وفق قانون تنظیم شده باشد.

اگر این سه شرط را نداشت فقط بر علیه تاجر تنظیم کننده معتبر است.

در صورت فقدان هریک از این شروط دفاتر تجاری، می تواند که تاجر تنظیم کننده در شمار امارات قضائی باشند. می تواند از امارات قاضی باشد و بستگی به نظر قاضی دارد. این دفاتر علیه تاجر تنظیم کننده همیشه قابل استفاده است و اقرار کتبی است.

اگر شخصی به دفاتر تجاری تاجر علیه او استناد کند نمی تواند تجزیه کند و فقط به قسمت هایی استناد کند که به نفع اوست بلکه باید هم به قسمت هایی که به نفع او و هم به ضرر اوست استناد کند. مگر آنکه بی اعتباری و بطلان آن بخش هایی را که به ضرر اوست اثبات کند.

اگر بیمه گذار تاجر نباشد با توجه به بند ۸ ماده می گوید معاملات براتی اعم از اینکه بین تاجر و غیر تاجر باشد آیا تاجر نیستند؟

دفتر ثبت تجاری ماده ۱۶ (این قوانین متروک است ۱۶ تا ۱۹)

با اداره ثبت شرکتها فرق دارد فقط مخصوص شرکتها است. در مناطقی که وزارت دادگستری لازم بداند هر تاجر حقیقی و حقوقی چه ایرانی و چه خارجی به جز کسبه جزء باید در این دفتر ثبت تجاری کنند.

اقسام شرکتهای تجاری ماده ۲۰

۷ مورد در قانون اجرای سیاستهای اصل ۴۴ وجود دارد (ابتدا این ماده خوانده شود) سپس:

۸- تعاونی سهامی عام

۹- تعاونی فراگیر ملی

اگر در تستی آمد اقسام شرکت‌ها برحسب قانون تجارت؟ ۷ مورد در ماده ۲۰ است ولی اگر گفت در حقوق ایران یا به صورت مطلق گفت اقسام شرکت‌های تجاری کدام است؟ گزینه ۹ مورد را می‌زنیم.

شرکت‌های تعاونی سهامی عام که قسمی از شرکت‌های سهامی عام است.

شرکت تعاونی فراگیر ملی: نوعی از شرکت‌های تعاونی است.

لایحه اصلاحی قانون تجارت:

ماده یک: گفته شرکت سهامی شرکتی که سرمایه آن به قطعات مساوی به نام سهام، تقسیم و مسئولیت هر سهامدار محدود به مبلغ اسمی سهام اوست.

۱- تقسیم سرمایه به قطعات مساوی به نام سهام

- شرکت‌های سهامی عام و خاص
- شرکت‌های تعاونی
- بخشی از سرمایه در شرکت مختلط سهامی: پیوندی است بین شرکای شرکت تضامنی و شرکای شرکت سهامی

۲- مسئولیت هر سهامدار می‌رود به مبلغ اسمی سهام اوست: مسئولیت هر سهامدار بابت دیون شرکت محدود به مبلغ اسمی سهام اوست.

مبلغ اسمی: بهای یک سهم

مبلغ اسمی

مبلغ بورسی (بازاری)

بهای اسمی یا مبلغ اسمی هر سهم: بهای یک سهم که در اساسنامه درج می‌شود و مبلغ اسمی ثابت است مگر اینکه اساسنامه عوض شود وگرنه مبلغ اسمی ثابت است و کم و زیاد نمی‌شود مگر به موجب تصویب مجمع فوق العاده.

بهای اسمی ضربدر تعداد سهام مساوی با سرمایه شرکت

سرمایه شرکت = تعداد سهام * بهای اسمی

سرمایه شرکت با دارایی شرکت متفاوت است. شرکت ممکن است یه عالمه دارایی داشته باشد ولی مثلا سرمایه همان یک میلیون باشد. سرمایه شرکت در اساسنامه درج می‌شود.

بهای بورسیا بازاری یا دادو سند: اون مبلغی که یک سهم بدان مبلغ فروخته می‌شود. بهای بورس سیال است ثابت نیست و این مبلغ در نوسان است.

مقایسه مولفه دوم ماده یک در شرکت‌ها

مسئولیت شرکای شرکت‌های تجاری بابت دیون شرکت:

۱- در شرکت سهامی، مسئولیت هر سهامدار بابت دیون شرکت محدود به مبلغ اسمی آورده اوست. اگر من ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰ تومانی خریدم و پول آن را داده باشم دیگر مسئولیتی ندارم ولی اگر مقداری را پرداخت نکرده باشیم به همان میزان مسئولیم.

در شرکت‌هایی که سرمایه به قطعات مساوی به نام سهام تقسیم می‌شود می‌توان به شرکا سهامدار گفت. اگر بخشی از مبلغ اسمی سهامش را پرداخت نکرده باشد به میزان همان مبلغ طلبکاران می‌توانند به او مراجعه کنند. در این شرکت‌ها سهامدار مسئول نیست مگر اینکه مبلغ سهام خود را پرداخت نکرده باشد.

۲- در شرکت تعاونی: مسئولیت هر سهامدار محدود به مبلغ سهامی اوست (مثل شرکت سهامی) همان توضیحات بالا عینا مانند شرکت سهامی است.

۳- در شرکت با مسئولیت محدود: مسئولیت هر شرکت بابت دیون شرکت محدود به آورده اوست مثل دو مورد بالایی (مثلا آورده ممکن است زمین باشد)

به عبارت دیگر، شریک غیر از آورده ای که در بدو تاسیس شرکت می‌پردازد هیچ مسئولیت دیگری بابت دیون شرکت ندارند.

۴- در شرکت تضامنی: هریک از شرکا بابت کلیه دیون شرکت با سایر شرکاء و با شرکت، مسئولیت تضامنی ندارد. به عبارت دیگر، طلبکار می‌تواند به هریک از شرکا یا همه‌ی آنها یا برخی از ایشان مراجعه نماید. البته قاعده ای که گفتیم برای بعد از انحلال است.

در شرکت‌های تضامنی دو مقطع داریم:

- قبل از انحلال: طلبکاران فقط می‌توانند به شرکت مراجعه کنند قبل از انحلال فقط ماو شرکت هستیم.
- بعد از انحلال: طلبکاران ابتدا به شرکت مراجعه می‌کنند. در صورت عدم وصول طلب به شرکا مراجعه می‌کنند. همه شرکا مسئولند به هریک از شرکا یا همه ایشان یا برخی از آنها می‌تواند مراجعه کنند (در قانون گفته مسئولیت تضامنی است و در قانون گفته تضامنی ولی مثل وثیقه ای است که ابتدا به شرکت دیون اصلی مراجعه کنند بعد صحیحش این است که مسئولیت تضامنی است).

در شرکت تضامنی

- مسئولیت خارجی: شرکا تضامنی است با طلبکاران و شرط خلاف آن باطل است.
- مسئولیت داخلی: شرکا نسبی است یعنی بعد از آنکه هر شرکت دیون شرکت را پرداخت کرد به نسبت آورده سایر شرکا از کل سرمایه شرکت به ایشان مراجعه می‌کند و به همان نسبت بخشی از مبلغ پرداخت شده را از سایر شرکا وصول می‌کند. مثلا من ۱۰ میلیون یکی ۴۰ میلیون و شرط

خلاف آن در اساسنامه یا هر جای دیگر صحیح است زیرا که امر داخلی است و به خودشان مربوط است.

۴- شرکت نسبی: مسئولیت هر شریک بابت دیون شرکت به نسبت آورده نه به میزان او از کل سرمایه شرکت است. پس شبیه روابط داخلی شرکای شرکت تضامنی است. مثال، فرض کنیم یک شرکت داریم سرمایه شرکت یک میلیون تومان است و آورده آقای الف ۱۰۰ هزار تومان است و دیون شرکت ۵۰ میلیون تومان. اگر این شرکت که اوصاف آن را گفتیم در مثال

شرکت با مسئولیت محدود همان ۱۰۰ هزار تومان را مسئول است.

شرکت تضامنی باشد، ۵۰ میلیون تومان مسئول است (بابت کلیه دیون شرکت مسئولند).

اگر شرکت نسبی باشد، ۱۰ درصد ۱۰۰ هزار تومان که می‌شود ۵ میلیون تومان پس از همان ابتدا به نسبت مسئولند.

چند نکته راجع به شرکت نسبی:

۱- در شرکت نسبی مسئولیت شرکا بابت دیون شرکت بعد از انحلال شرکت است.

۲- در شرکت تضامنی مسئولیت شرکا نامحدود است. در شرکت نسبی نیز مسئولیت شرکا نامحدود است پس در هر دو نامحدود است زیرا در این شرکت مسئولیت شرکا هیچ سقفی ندارد.

مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی: معمولاً از شرکت‌های مختلط سؤال نمی‌کنند. همین نکته کافی است:

شرکت مختلط سهامی پیوندی است از شریک یا شرکای ضامن + عده ای شرکای سهامی.

شرکت مختلط غیر سهامی پیوندی است از شریک یا شرکای ضامن + شریک یا شرکای با مسئولیت‌های محدود.

این موارد بابت همه دیون شرکت مثل شرکت تضامنی + مسئولیت محدود به آورده آنهاست.

سؤال کدام گزینه صحیح است؟

۱- شرکت سهامی قالب مناسبی برای معامله و قالب پرریسکی برای سرمایه گذاری است. (کم ریسک - پر خطر و پر ریسک)

۲- شرکت تضامنی قالب کم خطر ی برای سرمایه گذاری و قالب پرخطری برای معامله است. (کم خطر - پر خطر)

۳- در شرکت تضامنی جابه جایی شرکا موجب می‌شود که شریک جدید به نسبت دیون سابق مسئول باشد.

۴- در شرکت نسبی در صورت خروج یکی از شرکا از شرکت مسئولیت با قیمت از بین می‌رود.

* در شرکت‌های تضامنی و نسبی در صورت خروج یکی از شرکا از شرکت وی دیگر مسئولیتی ندارد و شریک جدیدی که وارد شرکت می‌شود بابت کلیه دیون شرکت مسئول است چه دیون قبل از ورودش چه دیون بعد از ورودش.

ماده ۲- موضوع شرکت‌های تجاری

شرکت‌های تجاری دارای موضوع هستند که در اساسنامه درج می‌شود.

شرکت‌های تجاری تاجرند پس موضوع شرکت باید در شمار اعمال تجاری باشد جز ۲ شرکت که موضوع آن می‌تواند عمل تجاری نباشد یعنی:

۱- سهامی (عام و خاص)

۲- تعاونی

به عبارتی به این دو شرکت (سهامی و تعاونی) می‌گویند به اعتبار قالب یعنی ساختارشان تجارند پس از لحاظ شکلی تجارند چه محتوا و موضوع آن تجاری باشد چه نباشد.

یک شرکت سهامی یا تعاونی ممکن است برای موضوعاتی تشکیل شود که آن موضوعات تجاری نیستند. پس از تشکیل آن، اقدامات شرکت بنابر بند ۴ ماده ۳ قانون تجارت عمل تجاری تبعی تلقی می‌شوند. مثل شرکت تجاری سازمان سنجش که شرکت تجاری است با موضوع آموزشی.

ماده ۴- اقسام شرکت‌های سهامی

۱- سهامی خاص: تمام سرمایه توسط موسسین تعهد می‌گردد و پذیره نویسی نداریم.

۲- سهامی عام: بخشی از سرمایه توسط موسسین متعهد شده است و بخشی دیگر توسط پذیره نویسی عمومی تامین می‌شود.

در شرکت سهامی عام سهامداران بر دو قسم هستند:

الف) موسسین

ب) پذیره نویسان

نکات سهامی عام:

- تنها شرکتی است که در آن پذیره نویسی عمومی امکانپذیر است.
- تنها شرکتی است که سهام آن در بورس قابل عرضه است.

- تنها شرکتی است که در آن اوراق قرضه امکانپذیر است. (الان اوراق قرضه ابطال شده و جای آن اوراق مشارکتی است که فقط مخصوص شرکت سهامی نیست).
- بانک‌های دولتی باید در قالب سهامی عام تاسیس شوند.
- بانک‌های خصوصی باید در قالب سهامی عام یا تعاونی سهامی عام تاسیس شوند.

ماده ۳: حداقل تعداد شرکا در شرکت‌های تجاری: حداکثر ندارد هرچه قدر می‌تواند بالا می‌رود.

- در شرکت‌های سهامی خاص: حداقل سه شخص ممکن است حتی سه شخص حقوقی باهم بروند سند شرکت بزنند پس اعم از شخص حقیقی و حقوقی می‌باشد.
- در شرکت سهامی عام: حداقل پنج شخص و در تعاونی حداقل هفت شخص. البته، وزارت تعاون می‌تواند در رشته‌های مختلف حداقل بیشتری مقرر کند.
- در شرکت تضامنی / نسبی / با مسئولیت محدود / مختلط غیر سهامی، حداقل دو شخص و در مختلط غیر سهامی که پیوند بود یک شریک از یکی و دیگری از پیوند دیگر لازم است.
- در شرکت مختلط سهامی حداقل سه شخص. زیرا این شرکت از شریک با شرکای ضامن و عده ای شرکای سهامی تشکیل شده است. حداقل شرکای سهامی باید دو نفر باشند که با یک شریک ضامن جمعاً سه نفر می‌شوند.

شرکت‌های مختلط غیر سهامی: از یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند شریک با مسئولیت محدود تشکیل شده یعنی به نوعی یکی از این طرفو یکی از آن طرف که میشود دو عدد.

- آیا شرکت با یک شریک قابل تصور است یا خیر؟؟ تاسیس شرکت با یک شریک علی‌الاصول در حقوق ما پذیرفته نیست جز در خصوص شرکت‌های دولتی که ممکن است و می‌تواند صرفاً دارای یک شریک باشند. ممکن است بیشتر هم باشند ولی نمی‌توانند یک شخص باشند.
- شرکت‌های دولتی: شرکتی است که دو مشخصه توأمان دارد:
 - ۱- به موجب قانون تشکیل شده یا به موجب رای دادگاه سهام آن صادره و دولتی شده است.
 - ۲- بیش از نصف سرمایه متعلق به دولت یا یک شرکت دولتی دیگر باشد.

تبصره ماده ۴ در خصوص نام شرکت‌های تجاری:

- در اسم یک شرکت تجاری باید قالب آن شرکت تجاری درج شود (نوع شرکت که تضامنی است یا....)
- اگر قالب یا نوع شرکت تجاری در نام شرکت درج نشود این امر هیچ ضمانت اجرایی ندارد، جز در شرکت با مسئولیت محدود که آن شرکت در برابر ثالث تضامنی تلقی می‌گردد.

- پس نام شرکت‌ها باید قید شود ولی ضمانت اجرا ندارد.
- در شرکت‌های تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن درج شود، عدم درج نام ایشان ضمانت اجرا ندارد.
- در شرکت با مسئولیت محدود اگر نام شریک در نام شرکت درج شود آن شریک، شریک ضامن تلقی می‌گردد.

ماده ۵ سرمایه شرکت‌های تجاری: (میزان سرمایه)

در سهامی خاص: حداقل یک میلیون ریال

در سهامی عام: حداقل پنج میلیون ریال

در سایر شرکت‌ها میزان حداقل خاصی ندارد.

ماده ۶ تا ۱۹ فرایند تاسیس شرکت سهامی عام:

- ۱- عده ای به نام موسسین، بخشی از سرمایه شرکت مد نظر خود را در حسابی به نام حساب شرکت در شُرف تاسیس می‌سپارند.
- ۲- به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه و موارد ذیل را تحویل می‌دهند:
 - ✓ اظهارنامه: یعنی درخواست برای تاسیس شرکت
 - ✓ طرح اساسنامه: طرح یعنی پیش نویس به این علت از عبارت طرح استفاده کردیم که هنوز تصویب نشده و یک پیش نویس است (تصویب در مجمع عمومی موسس).
 - ✓ طرح اعلامیه پذیره نویسی: این هم به این علت طرح است که پیش نویس و اداره ثبت شرکت‌ها باید آن را تایید کنند.
- ۳- تاسیس شرکت سهامی عام، نیازمند تجویز اجازه سازمان بورس است.
- ۴- اداره ثبت شرکت‌ها اعلامیه پذیره نویسی را تایید می‌کند (اداره ثبت شرکت‌ها- سازمان بورس اوراق بهادار).
- ۵- این اعلامیه توسط موسسین در شعب بانک محل پذیره نویسی درج می‌شود.
- ۶- اشخاص متقاضی پذیره نویسی، در مهلت مقرر در اعلامیه پذیره نویسی به بانک مراجعه کرده و مبلغ مقرر در اعلامیه پذیره نویسی را پرداخت می‌کنند و ورقه تعهد سهم را پر می‌کنند.
- ۷- مهلت مقرر در اعلامیه پذیره نویسی یک بار قابل تمدید توسط موسسین است.

۸- پذیره نویس با امضای ورقه تعهد سهم، اساسنامه آتی (اینده) شرکت و تصمیمات آتی شرکت را پذیرفته است و اگر بعداً با اساسنامه و تصمیمات مجامع مخالف باشد نمی‌تواند از شرکت خارج شود.

۹- پس از اتمام مدت پذیره نویسی، موسسین باید بررسی کنند آیا تمام سرمایه شرکت تعهد شده است یا خیر و آیا مبالغ نقدی تأدیه شده با خیر که یا پاسخ منفی است یا مثبت. اگر پاسخ این سؤال منفی باشد شرکت تشکیل نمی‌شود و اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد موسسین مجمع عمومی موسس را دعوت می‌کنند.

۱۰- مجمع عمومی موسس از دو دسته اشخاص تشکیل می‌شود:

✓ موسسین

✓ پذیره نویسان

در مجمع عمومی و موسسین هر سهم یک حق رای دارد و هر شخص به تعداد سهامش حق رای دارد.

۱۱- وظایف مجمع عمومی موسس

✓ احراز پذیره نویسی تمام سرمایه شرکت و تأدیه مبالغ نقدی لازمه

✓ تصویب آورده غیر نقد موسسین. آورده غیر نقد فقط مخصوص موسسین

✓ تصویب امتیازات در خواستی موسسین. مثلاً بگویند سهام من ممتاز شود یعنی سهم اینها به جای یک حق رای سه حق رای داشته باشد.

✓ تصویب اساسنامه. طرح اساسنامه را به شور می‌گذارند. وقتی تصویب شد تصویب اساسنامه یعنی تهیه طرح اساسنامه بر عهده موسسین و تصویب اساسنامه بر عهده مجمع عمومی موسس است.

✓ انتخاب اولین مدیران و بازرسان و انتخاب اولین روزنامه کثیرالانتشار شرکت

۱۲- اولین مدیران و بازرسان کتبا قبول سمت می‌کنند و زیر صورت جلسه مجمع عمومی موسس را امضا می‌کنند که از این تاریخ شرکت تشکیل می‌شود. قبل از آن، شرکت در شرف تاسیس بودند. در اینجا شرکت تشکیل می‌شود. در حالیکه، هنوز ثبت نشده است.

۱۳- مدیران باید در صورت جلسه، مجمع عمومی موسس را در اداره ثبت شرکت ثبت کنند. ثبت شرکت بر عهده موسسین نیست بر عهده مدیران است. ثبت تاسیس شرکت بر عهده مدیران است.

۱۴- تمام فرآیند فوق یعنی از روز ثبت اظهارنامه توسط موسسین در اداره ثبت شرکت‌ها تا روز ثبت تاسیس شرکت توسط مدیران باید نهایتاً ظرف ۶ ماه انجام شود. در غیر این صورت اداره ثبت شرکت‌ها به تقاضای هر ذینفع گواهی عدم ثبت خطاب به بانک صادر می‌کند تا اشخاص وجوهی را که به بانک سپرده اند باز پس گیرند (شرکت‌های دولتی فقط می‌توانند یک شریک باشند).

بخشی ماده ۶ بخشی ماده ۱۶ قواعد سرمایه گذاری در شرکت سهامی عام:

- ۱- موسسین باید حداقل ۲۰ درصد سهام شرکت را خود تعهد کنند. البته، ممکن است بیشتر را هم تعهد کنند.
- ۲- موسسین باید حداقل ۳۵ درصد آنچه را که تعهد کرده اند نقدا بپردازند یا بسپارند. از آن مقداری که تعهد کرده اند هم مقداری که باشد که حداقل ۲۰ درصد بود ۳۵ درصد را باید بسپارند.
- ۳- به هر میزان که توسط موسسین تعهد نشده باشد باید توسط پذیره نویسان تعهد گردد. حداقل کف آن ۸۰ درصد است، چون حداقل ۲۰ درصد را که خودشان باید تعهد کنند.
- ۴- پرداخت نقدی پذیره نویسان + پرداخت نقدی موسسین باید بشود حداقل ۳۵ درصد کل سرمایه شرکت. یعنی جمع پرداخت نقدی سهامداران اعم از موسسین یا پذیره نویسان باید حداقل ۳۵٪ کل سرمایه شرکت شود.

حال سؤالی طرح کنیم؟؟

یک شرکت سهامی عام با سرمایه ۱۰ میلیون تومان تاسیس می شود. موسسین ۳ میلیون تومان را خود تعهد می کنند. موسسین یک میلیون و پانصد تومان را نقدا می پردازند. پذیره نویسان باید چه میزان را تعهد کنند و باید چه میزان را نقدا بپردازند؟

حداقل ۳۵٪ از سرمایه شرکت = پرداخت نقدی موسسین + پرداخت نقدی پذیره نویسان

$$X + 1/500 = 3/500 \text{ میلیون}$$

$$X = 3/500 + 1/500$$

تشکیل شرکت سهامی خاص (ماده ۲۰ تا ۵۰)

- مقام سهامداران موسس می باشند: چیزی به نام پذیره نویس نداریم.
- نیاز به تشکیل مجمع عمومی و موسس نیست و الزامی هم نیست اما می تواند تشکیل شود.

شرکت سهامی خاص

سؤال: کدامیک از موارد صحیح است؟

- (۱) مجمع عمومی و موسس الزامی است.
- (۲) مجمع عمومی و موسس اختیاری است.
- (۳) مجمع عمومی و موسس تشکیل نمی شود.

۴) هیچکدام صحیح نیست.

پاسخ: گزینه دو صحیح است. در شرکت سهامی خاص مجمع عمومی و موسس الزامی نیست اما می‌تواند تشکیل شود.

• برای تشکیل شرکت سهامی خاص، باید مدارک و صورتجلسه‌های مذکور در ماده ۲۰ لایحه ۳ اصلاحی به اداره ثبت شرکت‌ها داده شود. در این خصوص باید اظهارنامه، اساسنامه و صورتجلسه انتخاب مدیران به امضای همه سهامداران برسد (برخلاف سهامی عام).

تست: در شرکت سهامی عام، اساسنامه باید به تصویب ----- برسد و در شرکت سهامی خاص، اساسنامه باید به تصویب ----- برسد.

۱- همه موسسین - همه سهامداران

۲- اکثریت موسسین - همه سهامداران

۳- اکثریت آراء مجمع عمومی موسس - همه سهامداران

۴- اکثریت آراء مجمع عمومی موسس - اکثریت سهامداران

پاسخ: گزینه سوم صحیح است.

آن چیزی که در شرکت سهامی عام به تصویب همه موسسین می‌رسد طرح اساسنامه است اما درباره خود اساسنامه موضوع متفاوت است و درباره خود اساسنامه اکثریت آراء مجمع موسس کافی است.

قواعد سرمایه در شرکت سهامی خاص

تمامی سرمایه باید توسط موسسین (سهامداران) تعهد شود. سرمایه ای که می‌خواهد توسط استارت شرکت را بزنند حداقل یک میلیون ریال است که باید تمام آن تعهد شود توسط موسسین و باید حداقل ۳۵٪ آن نیز پرداخت شود.

آورده نقد: که مشخص است.

آورده غیر نقد: در سهامی خاص حتی می‌توان سرمایه شرکت آورده غیر نقد باشد اما در سهامی عام خیر و امکان پذیر نیست.

آورده غیر نقد در شرکت‌های تجاری (یعنی آورده غیر پولی) ماده ۷۶ است. آورده ای که قابل تقویم و قابل انتقال به شرکت قابل تسلیم باشد (قابل تسلیم فیزیکی) مثل زمین، خودرو، ماشین آلات و حق اختراع

یک مخترع می‌تواند حق اختراع خود را به شرکتی صلح کند انتقال دهد و بگوید آورده من حق اختراع من است. آورده غیر نقد در همه شرکتها راه دارد اما در سهامی عام فقط موسسین مد نظر است.

در شرکت‌های تجاری هر شریکی بخواهد می‌تواند آورده غیر نقد داشته باشد اما در شرکت سهامی عام فقط موسسین می‌توانند آورده غیر نقد داشته باشند. از پذیره نویسان در سهامی عام فقط پول پذیرفته می‌شود.

در شرکت‌های سهامی (عام یا خاص) آورده غیر نقد باید توسط کارشناس رسمی ارزیابی شود و مجمع عمومی و موسس نمیتواند آن را به قیمتی بیش از نظر کارشناس قبول کند. یا همان قسمت یا کمتر از آن مورد پذیرش است.

در سایر شرکت‌های تجاری، ارزیابی آورده غیر نقد نیاز به کارشناسی ندارد و بسته به نظر شرکا است.

در شرکت با مسئولیت محدود، اگرچه آورده غیر نقد نیاز به کارشناسی ندارد اما اگر معلوم شود که شرکا آورده غیر نقد را به مبلغی بیش از قیمت واقعی تقویم کرده اند نسبت به آن مبلغ مسئولیت تضامنی دارند (به عبارت بهتر نسبت به ما به تفاوت مسئولیت تضامنی ندارند).

یک میلیون قیمت اصلی، $1/700$ قیمتی که شرکت زده، نسبت به 700 تومان مسئولیت دارند.

تقویم آورده غیر نقد در شرکت‌های تضامنی نسبی و مختلط (سهامی و غیر سهامی) چه به صورت واقعی انجام شود و چه بیش از قیمت واقعی انجام شود تاثیری در حقوق طلبکاران ندارد چون در هر صورت شریک یا شرکایی هستند که عهده دار تمام دیون شرکتند. اگر تضامنی باشد همه شرکا ضامنند و اگر مختلط باشد شرکا ی ضامن مسئولیت تضامنی دارند.

زمان تشکیل شرکت تجاری

- در شرکت سهامی عام و سهامی خاص: قبول کتبی سمت توسط اولین مدیران و بازرسان صورت می‌پذیرد.
 - در شرکت‌های تعاونی: زمانیکه آورده غیر نقد تقویم و تسلیم حداقل $1/3$ سرمایه شرکت تایید شده باشد (قیمت آنرا بزینم مثلا آورده یک موبایل است تقویم آن یعنی قیمت آن را بزینم مثلا یک میلیون).
 - زمان تشکیل در سایر شرکت‌ها (تضامنی- نسبی- مسئولیت محدود- مختلط) زمانی که آورده غیر نقد، تسلیم و تمام آورده نقد تأدیه شده باشد.
 - در شرکت‌های سهامی تعاونی تعهد به پرداخت راه دارد یعنی سهامدار می‌تواند بخشی از آورده را ابتدا تسلیم کند و بقیه را در طول حیات شرکت بپردازد اما در سایر شرکت‌ها تعهد به پرداخت راه ندارد.
- نکته کلی: تشکیل شرکت تجاری منوط به ثبت آن نیست. ماده 17 و 18، انتهای ماده 17 قبل از ورود به تبصره ذکر شده است.

- شرکت تجاری تا زمانی که ثبت نشده شخصیت حقوقی ندارد. از زمان ثبت شخصیت حقوقی دارد.

زمان ایجاد شخصیت حقوقی در اشخاص حقوقی

در اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی به محض تاسیس و بدون نیاز به ثبت، شخصیت حقوقی دارد. در موسسات غیر تجاری: در زمان ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.

مواد ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۷

در شرکت‌های تجاری، در زمان ثبت آن دارای شخصیت حقوقی هستند یا خیر که قانون ساکت است. زمان ثبت یک شرکت را از زمان ایجاد شخصیت حقوقی برای آن شرکت می‌دانیم. تست: زمان ایجاد شخصیت حقوقی در شرکت‌های تجاری در چه زمانی است؟

۱- در زمان ثبت

۲- قانون در این خصوص ساکت است.

۳- در زمان تشکیل و قبل از ثبت

۴- هیچکدام صحیح نیست.

اینجا گزینه دوم را انتخاب می‌کنیم. گزینه اول درست است ولی در قانون نیست. نظر بهتر است اما نسبت به قانون و بدلیل سکوت آن، گزینه دوم را باید بزنیم.

با توجه به آنکه گزینه دو عیناً بیانگر قانون می‌باشد بنابراین، این گزینه صحیح است. اگر گزینه دو وجود نداشت آنگاه گزینه یک را می‌زدیم.

سهام

ماده ۴۰

- با نام: سهامی که نام دارنده آن شخص است (در رویش نوشته شده). نام دارنده آن در دفتر ثبت سهام شرکت نیز مندرج است. نقل و انتقال آن به موجب درج در دفتر ثبت سهام شرکت انجام می‌شود. اگر انتقال این سهام در دفتر سهام شرکت درج نشود این انتقال در رابطه طرفین صحیح است اما به نسبت شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست. شرکت و اشخاص ثالث همچنان من را (کسی را که درج

شده) صاحب این سهام می‌داند ولی در مقابل من و شما که انتقال دادیم درست است در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

- بی نام: نام دارنده آن شخص نیست. انتقال آن به موجب قبض و اقباض (مثلا کسی که در خیابان آن را پیدا کند طبق قانون کسی که متصرف آن مال است مالک آن است).

تست: انتقال سهام با نام یک عمل حقوقی ----- و انتقال سهام بی نام یک عمل حقوقی ----- است.

۱- تشریفات - رضایی

۲- رضایی - رضایی

۳- تشریفات - مطالعاتی

۴- رضایی - مطالعاتی

گزینه دو صحیح است.

ما اصلا عقدی نداریم که بگوییم فقط باید مطالعاتی باشد می‌گوییم می‌تواند معاملاتی هم باشد.

درست است که انتقال سهام با نام، نیاز به درج در دفتر ثبت سهام دارد اما در صورت عدم درج این انتقال باطل نیست بلکه نسبت به اشخاص ثالث غیر قابل استناد است. بنابراین، یک عمل تشریفات نمی‌باشد. صحیح در مقابل شرکت و اشخاص غیر قابل استناد است.

انتقال سهام بی نام نیز تشریفات ندارد پس رضایی است. البته، می‌تواند به صورت مطالعاتی باشد یا غیر مطالعاتی (در حقوق مدنی اصلا عقدی وجود ندارد که بگوییم باید مطالعاتی باشد).

تقسیم بندی دیگر سهام

سهام

- عادی: سهام هیچ امتیازی نسبت به سایر سهام ندارد.
- ممتاز نسبت به سایر سهام شرکت امتیاز یا امتیازاتی دارد مثلا حق رای بیشتر یا حق سود بیشتر

ایجاد سهام ممتاز

- بنابر تصویب مجمع عمومی موسس (تصویب امتیازات در خواستی موسسین در بدو تاسیس شرکت) یا سهام ممتازی که مجمع عمومی موسس تصویب می‌کند و فقط می‌تواند برای موسسین باشد.

- بنابر تصویب مجمع فوق العاده این اتفاق در طول حیات شرکت می افتد.
- ۱* تغییر در حقوق سهام ممتاز ۴۲ لایحه اصلی قانون تجارت
- ۲* تغییر در حقوق نوع مخصوص از سهام شرکت ۹۳ ل.ا.ق.ت
- سهامی که در اساسنامه واجد احکام خاصی است بدون آنکه ممتاز باشد.
- ۱- تغییر در حقوق سهام ممتاز نیاز به تصویب مجمع عمومی فوق العاده دارد.
- ۲- جلب موافقت دارندگان نصف + یک سهام ممتاز یعنی دارندگان بیش از نصف سهام ممتاز. بیش از نصف اکثریت مطلق
- ۲- تغییر در نوع بخصوصی از سهام شرکت نیاز به:
- تصویب مجمع عمومی (منظور مجمع عمومی عادی است مگر آنکه این تغییرات منتهی به تغییر اساسنامه شود که در این صورت تصویب مجمع فوق العاده لازم است).
- دارندگان اینگونه سهام قبلا در جلسه خاصی این تغییرات را تصویب کنند. در آن جلسه خاص، باید دارندگان لااقل نصف سهام مخصوص حاضر باشند و اگر در جلسه اول این تعداد حاضر نشدند در جلسه بعد باید دارندگان لااقل ۱/۳ این سهام حاضر باشند و تصمیمات با دو ثلث یا ۲/۳ آرای حاضر در جلسه گرفته می شود.

گواهینامه موقت سهم

- ۱- تا زمانیکه اوراق سهام آماده نشده به سهامداران گواهینامه موقت سهم می دهیم.
- ۲- گواهینامه موقت سهم (با نام - بی نام).
- ۳- هم اوراق سهام و هم گواهینامه موقت سهم، باید توسط دو نفر امضا شود که این دو نفر در اساسنامه مشخص شده اند (مثلا در اساسنامه نوشته دو نفر از اعضای هیئت مدیره).

زمان صدور گواهینامه موقت سهم و اوراق سهام

- قبل از ثبت شرکت، صدور اوراق سهام و گواهینامه موقت سهم ممنوع است (فعلا تعهد سهم در اختیار سهام داران است).
- قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام یعنی شرکت ثبت شده اما تمام مبلغ اسمی ها پرداخت نشده است. سهام یا گواهینامه بی نام ممنوع است اما سهام یا گواهینامه با نام مجاز است.

- بعد از پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام، شرکت باید ظرف یک سال اوراق سهام را به سهام داران بدهد (یعنی به عبارتی دیگر گواهینامه‌های موقت را با اوراق سهام تعویض کند).

تست: کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- تغییر در حقوق صاحبان سهام ممتاز نیاز به جلب موافقت بیش از نصف سهامداران ممتاز دارد (دارندگان).
- ۲- قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام صدور اوراق سهام ممنوع و بعد از آن صدور اوراق سهام ظرف یک سال الزامی است.
- ۳- قبل از ثبت شرکت، گواهینامه موقت سهم جایگزین اوراق سهام است.
- ۴- هیچکدام

گزینه ۴ صحیح است.

گزینه ۱: این گزینه از اکثریت عددی (نفراتی) سخن می‌گوید. در حالیکه، اکثریت سرمایه لازم است یعنی دارندگان بیش از نصف سهام ممتاز، باید رضایت دهند چه اکثریت عددی را داشته باشند یا خیر. مثلاً بیش از نصف سهام ممتاز دو نفر دارند.

گزینه ۲: صدور اوراق بی نام ممنوع است نه اوراق سهام.

گزینه ۳: قبل از ثبت، گواهینامه موقت سهام نداریم.

نقل و انتقال سرمایه در شرکت های تجاری ماده ۴۴۱ ل.ا.ق.ت

یعنی می‌خواهیم جایی را به شخص دیگری بدهیم و از شرکت خارج شود: نقل و انتقال سرمایه

در سهامی عام: آزاد است و شرط خلاف آن امکان پذیر نیست. نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی باشد.

در سهامی خاص: آزاد است ولی می‌توان شرط خلاف کرد یعنی می‌توان در اساسنامه انتقال سهام را منوط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی یا شرایط خاصی نمود.

در شرکت تعاونی: آزاد است و درباره شروط خلاف قانون ساکت است اما برخی می‌گویند می‌توان شرط خلاف کرد. شبیه سهامی خاص یعنی می‌توان در اساسنامه انتقال سهام را منوط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی یا شرایط خاص نمود.

در شرکت تضامنی، نسبی و مختلط غیر سهامی: انتقال سهم الشرکه منوط است به موافقت تمام شرکا یعنی اتفاق آراء شرکا.

در شرکت مختلط سهامی: انتقال سرمایه شرکای ضامن منوط است به اتفاق آراء شرکا و انتقال سرمایه شرکای سهامی چون سهامی هستند انتقال سرمایه شان آزاد است ولی می توان شرط خلاف کرد.

شرکت با مسئولیت محدود: انتقال سهم الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود و جلب موافقت بیش از نصف شرکا که دارای حداقل ۳/۴ سرمایه شرکت باشند + تنظیم سند رسمی

- بیش از نصف یعنی اکثریت عددی یا نفراتی
- ۳/۴ سرمایه: اکثریت سرمایه
- انتقال سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود، هم نیاز به اکثریت عددی و هم نیاز به اکثریت سرمایه دارد و همچنین، یک عمل حقوقی تشریفاتی است.

ماده ۱۰۲ قانون تجارت

اگر یکی از شرکای شرکت با مسئولیت محدود بخواهد سرمایه اش را به شخصی خارج از شرکت منتقل کند نیاز به رضایت اکثریت های فوق است و اگر بخواهد سرمایه اش را به یکی از شرکای همان شرکت منقل کند نیاز به رضایت سایرین نیست.

تست: کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- انتقال سهم الشرکه شرکا با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی منوط به موافقت بیش از نصف شرکا است که دارای حداقل ۳/۴ سرمایه باشند.
- ۲- انتقال سهام شرکای سهامی در شرکت مختلط سهامی منوط به تصویب شرکای ضامن است.
- ۳- انتقال سرمایه شرکا با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی منوط است به رضایت شرکای ضامن و شرکای با مسئولیت محدود.
- ۴- انتقال سهم الشرکه در شرکت تضامنی منوط است به اتفاق آراء حاضر در جلسه شرکا.

(در شرکت تضامنی رضایت همگان لازم است چه در جلسه باشند و چه نباشند).

جواب: گزینه سه صحیح است.

مطالبه بقیه مبلغ اسمی سهام شرکت

حق سود و حق رای معلق اگر در طی روند نیاید نشر آگهی یک بار در روزنامه کثیر الانتشار شرکت می‌شود و از سهامداران می‌خواهیم که بقیه مبلغ اسمی را بپردازند.

- به سهامداران مهلت معقول و متعارفی می‌دهیم.
- بعد از انقضای این مهلت، برای سهامدارانی که پرداخت نکرده اند اختاریه با پست سفارشی به آدرس آنها ارسال می‌کنیم، آدرس به این علت که سهام با نام است. قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی، کلا سهام بی نام ممنوع است.
- یک ماه به ایشان مهلت می‌دهیم. اگر ظرف یک ماه نیز پرداخت نکند شرکت سهام قبلی را باطل تلقی کرده و معادل آن سهام جدیدی صادر می‌کند. سپس، این سهام جدید از طریق بورس و مزایده فروخته می‌شود. از حاصل فروش، طلب شرکت و خسارت تأخیر تأدیه که از تاریخ انقضای مهلت مندرج در آگهی محاسبه می‌شود و ۴ درصد جریمه قانونی دیرکرد و هزینه‌های فروش کسر شده و بقیه را به سهامدار قبلی می‌دهیم.

مثال: سهام فردی بوده ۱۰۰۰ تومان، سهامدار ۴۰۰ تومان آنرا داده و ۶۰۰ تومان آن باقی مانده است. طلب این شرکت ۶۰۰ تومان است. از این ۶۰۰ تومان که طلب شرکت است (نه ولی از ۱۰۰۰ تومان)

۱- طلب شرکت: ۶۰۰ تومان

۲- خسارت تأخیر تأدیه: تورم که از تاریخ انقضای مهلت در گواهی محاسبه می‌شود.

۳- ۴ درصد در سال جریمه قانونی دیر کرد منظور می‌گردد.

۴- هزینه‌های فروش مدنظر است.

باقی مانده را به سهامدار قبلی می‌دهیم.

تبدیل سهام بی نام به سهام با نام: ماده ۴۴ فقط حق رای معلق اگر در نهایت نیامد.

به موجب اساسنامه یا تصویب مجمع عمومی فوق العاده، شرکت ممکن است چنین تبدیلی را تصویب کند. چون، دارندگان سهام بی نام را نمی‌شناسیم ۳ بار در روزنامه کثیر الانتشار شرکت هر یک به فاصله ۵ روز نشر آگهی می‌کنیم. برای اینکه احتمال خواندن آن بیشتر شود ۳ بار نشر آگهی می‌کنیم و حداقل ۶ ماه مهلت از اولین آگهی می‌دهیم. بعد از انقضای این مهلت، شرکت آن سهام بی نام را باطل تلقی کرده و معادل آن سهام با نام صادر می‌کند و از طریق بورس یا مزایده می‌فروشد. از حاصل فروش هزینه‌های فروش برداشت می‌شود و بقیه در حساب دارای سود برای سهامدار سابق نگهداری می‌شود. اگر تا ۱۰ سال رجوع نکند آن پول در حکم مال مجهول المالک بوده و با اطلاع دادستان به خزانه دولت واریز می‌شود.

تبدیل سهام با نام به سهام بی نام

شرکت ممکن است به موجب اساسنامه یا تصویب مجمع عمومی فوق العاده چنین اقدامی انجام دهد. یک بار در روزنامه کثیر الانتشار شرکت نشر آگهی می شود و حداقل دو ماه مهلت می دهد. بعد از انقضای این مهلت، بابت اشخاصی که مراجعه نکرده اند سهام بی نام صادر شده و در شرکت نگهداری می شوند تا هر زمان که مراجعه کنند. این سهام بی نام به آنها داده شود.

تبدیل گواهینامه موقت سهم به اوراق سهام

در روزنامه کثیر الانتشار شرکت فقط یک بار نشر آگهی می شود و حداقل دو ماه مهلت می دهیم. اگر ظرف این مهلت برای این تبدیل مراجعه نکنند به تعداد اشخاصی که رجوع نکرده اند اوراق سهام صادر شده و در شرکت نگهداری می شود تا هر زمانی که مراجعه کردند به ایشان داده شود.

تعلیق سهام یا معلق شدن سهم

در مطالبه بقیه اسمی سهام شرکت: اگر سهامدار ظرف مهلت مقرر اقدام نکند حق رای او و حق سود او معلق می شود (حق رای در مجامع عمومی) (حق سود یعنی به سهام او سودی تعلق نمی گیرد) (حق سود و حق رای).
تبدیل سهام با نام و بی نام و تبدیل گواهینامه موقت: اگر سهامدار ظرف مهلت مقرر اقدام نکند فقط حق رای او معلق می شود و حق سود او معلق نمی شود (حق رای).

ماده ۲۰ تا پایان ماده ۵۰

مراجع تصمیم گیرنده در شرکت سهامی

• مجامع عمومی

- ✓ مجمع عمومی موسس
- ✓ مجمع عمومی فوق العاده
- ✓ مجمع عمومی عادی

- هیات مدیره
- مدیر عامل

مجمع عمومی موسس

وظایف مجمع عمومی موسس. وظایف این مجمع از قرار زیر می باشد:

- ۱- احراز پذیره نویسی تمام سرمایه و تأدیه مبالغ لازم (یعنی تمام سرمایه شرکت به عهده گرفته می شود).
- ۲- تصویب آورده غیر نقد موسسین
- ۳- تصویب امتیازات در خواستی موسسین (سهام ممتاز)
- ۴- تصویب اساسنامه (قبل از این طرح بود ولی وقتی تصویب گردد اساسنامه می شود).
- ۵- انتخاب اولین مدیران و بازرسان
- ۶- انتخاب اولین روزنامه کثیرالانتشار

توضیح بند ۲ و ۳ صفحه قبل

در خصوص تصویب آورده غیر نقد موسسین و تصویب امتیازات درخواستی ایشان. اگر مجمع عمومی موسس این موارد را تصویب نکند جلسه مجمع مجددا ظرف یک ماه (حداکثر تا یک ماه آینده) برگزار می شود. در جلسه بعدی باید بیش از نصف پذیره نویسان حاضر باشند (اکثریت عددی). اگر موسس در فاصله این دو مجمع از امتیازات مزبور صرف نظر کرد یا آنکه آورده خود را به نقدی تبدیل کرد (آورده غیر نقدی که تصویب نشده را به نقدی تبدیل کرد) در این صورت در شرکت باقی می ماند. در غیر این صورت، از شرکت خارج شده و سایر سهامداران باید سهام او را تعهد کنند در غیر این صورت شرکت تشکیل نمی شود.

حد نصاب تشکیل مجمع موسس

- برای جلسه اول پذیره نویسانی که حداقل ۱/۲ سرمایه شرکت را تعهد کرده اند.
- اگر این تعداد حاضر نشد برای جلسه دوم: صاحبان حداقل ۱/۳ سرمایه
- اگر این تعداد حاضر نشد برای جلسه سوم، صاحبان حداقل ۱/۳ سرمایه
- اگر در جلسه سوم نیز این تعداد حاضر نشوند اصلا شرکت تشکیل نمی شود.

حد نصاب تصمیم گیری در مجمع عمومی موسس

اکثریت ۲/۳ آراء حاضرین که فرقی ندارد جلسه اول یا دوم یا سوم است.

مجمع عمومی فوق العاده

وظایف مجمع عمومی فوق العاده (مواردی که تبدیل و تغییر دارند بیشتر با این مرجع است).

- ۱- تغییر اساسنامه (مثلا تغییر موضوع شرکت، تغییر اساسنامه، تغییر خیلی موارد را شامل می شود) (تغییر مدت تمدید شرکت).
- ۲- تغییر سرمایه شرکت (کاهش یا افزایش)
- ۳- تبدیل سهام با نام به سهام بی نام و بالعکس ممکن است به تصویب مجمع عمومی فوق العاده باشد یا تجویز اساسنامه
- ۴- تبدیل قالب شرکت (نوع شرکت) شرکت نوع خود را از سهامی عام مثلا سهامی خاص کند.
- ۵- تصمیم گیری برای صدور اوراق قرضه جایگزین اوراق قرضه و در حال حاضر صدور اوراق مشارکت.
- ۶- ایجاد یا تغییر در حقوق سهام ممتاز. ایجاد سهام ممتاز ممکن است توسط مجمع عمومی موسس یا مجمع عمومی فوق العاده صورت گیرد اما تغییر در آن با مجمع عمومی فوق العاده است.
- ۷- انحلال شرکت.

حد نصاب تشکیل مجمع عمومی فوق العاده

حداقل در جلسه اول حضور دارندگان بیش از نصف (بیش از ۱/۲) (اکثریت سرمایه برعکس مجمع عمومی موسس که می گفت حداقل ۱/۲) سهامی که حق رای دارند.

اگر در جلسه اول این تعداد حاضر نشد این جلسه دوباره تشکیل می شود. در جلسه دوم (دارندگان) بیش از ۱/۳ سهامی که حق رای دارند نیاز است. اگر در جلسه دوم این تعداد حاضر نشد آن مجمع فوق العاده تشکیل نمی گردد و تصمیمی که در پی آن بودیم اتخاذ نمی شود.

حد نصاب تصمیم گیری در مجمع عمومی فوق العاده

اکثریت ۲/۳ یا دو ثلث آرای حاضرین

حق رای در مجامع عمومی

قاعده اول: فقط در مجمع عمومی و موسس هر سهم یک حق رای دارد. در مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی، علی الاصول هر سهم یک حق رای دارد (چون در این دو مجمع سهام ممتاز داریم). زیرا ممکن است:

- ۱- سهام ممتاز داشته باشیم که بیش از یک حق رای دارد.
- ۲- ممکن است سهام معلق داشته باشیم که حق رای ندارد.
- ۳- ممکن است در اساسنامه حق رای برخی از سهامداران (برای مثال اشخاصی که تعداد سهام آنها کمتر از ۱۰۰ عدد است) سلب شده باشد.

وظایف مجمع عمومی عادی

- ۱- انتخاب مدیران و بازرسان البته غیر از اولین گروه (منظور از عبارت مدیران هیئت مدیره است).
 - ۲- انتخاب روزنامه کثیر الانتشار البته غیر از اولین گروه
 - ۳- عزل یا قبول استعفای اعضای هیئت مدیره یا بازرسان
 - ۴- تعیین حق الزحمه مدیران و بازرسان
 - ۵- تصویب تراز نامه و حساب‌های مالی شرکت
 - ۶- تصمیم‌گیری درباره معاملات مدیران و مدیر عامل با شرکت.
- هر آنچه که اختصاص به مجمع موسس و مجمع فوق العاده نداشته باشد جز اختیارات مجمع عمومی عادی است.
 - مدیر عامل توسط هیئت مدیره مشخص می‌شود. مجمع عمومی عادی هم اختیار دارد در آن دخالت کند ولی جز تکالیف آن نیست.

حد نصاب تشکیل مجمع عمومی عادی

- در جلسه اول، حضور دارندگان بیش از نصف سرمایه اقلاً اینجا اضافه است. به عبارت دیگر منظورش بیش از ۱/۲ سرمایه است. اقلاً نباید ما رابه شک بیندازد (بیش از ۱/۲ سهامی حق رای دارند).
- اگر در جلسه اول، این تعداد حاضر نشوند با حضور هر تعداد از سهامداران، جلسه بعد تشکیل می‌شود.
- حد نصاب تصمیم‌گیری در مجمع عمومی عادی. تصمیمات با بیش از نصف آراء حاضرین اکثریت مطلق = بیش از نصف

خلاصه حد نصاب تشکیل مجامع عمومی

موسس	فوق العاده	عادی
حداقل ۱/۲	بیش از ۱/۲	بیش از ۱/۲
حداقل ۱/۳	بیش از ۱/۳	هر تعداد
حداقل ۱/۳	ندارد	ندارد

اقسام مجامع عمومی عادی

- عادی سالیانه: به صورت سالی یک بار، در موعد مقرر در اساسنامه برگزار می شود.
- عادی به طور فوق العاده: اگر بخواهیم راجع به یکی از موضوعاتی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی است تصمیم گیری کنیم اما هنوز موعد مجمع عمومی عادی نرسیده باشد مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده برگزار می شود.

سؤال: مجمع عادی سالیانه تا چند ماه از موعد مقرر در اساسنامه می تواند به تعویق بیافتد؟

پاسخ اول- اگر تا ۱۰ ماه از موعد مقرر در اساسنامه تشکیل نشود هر ذی نفع می تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را کند (شرکت قابل انحلال است).

پاسخ دوم- اگر تا ۶ ماه از موعد مقرر در اساسنامه تشکیل نشود برای مدیران جنبه کمتری دارد.

پاسخ سوم- تا ۴ ماه از موعد مقرر در اساسنامه باید تشکیل شود زیرا شرکت باید ظرف ۴ ماه از سال مالی اش، تراز نامه را در اختیار اداره دارایی قرار دهد (که گزینه صحیح در سؤال کانون بود).
بنابراین مجمع سالیانه باید ظرف ۴ ماه از موعد مقرر در اساسنامه برگزار شود.

شیوه تشکیل و اداره جلسات مجامع عمومی

- دعوت از مجامع عمومی به موجب نشر آگهی در روزنامه کثیر الانتشار شرکت.
- فاصله نشر آگهی تا روز جلسه: حداقل ۱۰ حداکثر ۴۰ روز اما در مجمع موسس ۲۰ روز قبل از تشکیل مجمع انعقاد آگهی شود (فقط جلسه دوم مجدداً موسس ۲۰ روز)
- اگر نشر آگهی نشود اما همه سهامداران در جلسه مجمع حاضر باشند آن جلسه قانونی است.
- در آگهی سه چیز درج می شود:

✓ زمان مجمع

✓ مکان مجمع

✓ دستور جلسه (موضوع جلسه)

- دعوت از مجمع برعهده هیئت مدیره است (این امر باید توسط رئیس هیئت مدیره انجام شود)
- اگر هیئت مدیره اقدام نکرد برعهده بازرس است. بازرس راسا اقدام می کند.
- سهامدارانی که حداقل ۱/۵ سهام را دارا باشند می توانند دعوت از مجمع را از مدیران درخواست کنند مدیران ۲۰ روز فرصت دارند تا این درخواست را اجابت کنند. در غیر اینصورت، این سهامداران می توانند از بازرس تقاضا کنند. بازرس ۱۰ روز فرصت اجابت این درخواست را دارد. در غیر اینصورت، این سهامداران راسا مجمع عمومی را دعوت می کنند. این مجمع حسب مورد و با توجه به موضوع آن می تواند عادی باشد یا فوق العاده
- اداره جلسات مجمع: برعهده یک هیئت رئیسه است. هیئت رئیسه یک رئیس، دو عضو ناظر و یک منشی دارد. رئیس و عضو ناظر باید سهامدار شرکت باشند. منشی می تواند سهامدار باشد یا نباشد.
- رئیس جلسه مجمع عمومی همان رئیس هیئت مدیره است به جز:
 - مورد اول: در مجمع موسس زیرا هنوز هیئت مدیره ای تشکیل نشده است.
 - مورد دوم: اگر دستور جلسه نصب و عزل برخی یا همه مدیران باشد.
 - مورد سوم: اگر مجمع توسط دارندگان حداقل ۱/۵ سرمایه دعوت شده باشد.
 - در سه حالت فوق رئیس جلسه در ابتدای جلسه با رای اعضا انتخاب می گردد.
- شرکت در جلسات مجمع قائم به شخص نیست و می توان نماینده فرستاد.
- تنفس در جلسات مجمع عمومی:

اگر در جلسات مجمع با کسر زمان مواجه شویم اعلام تنفس صورت می گیرد. در خصوص جلسه بعدی (جلسه بعد از تنفس) باید توجه داشت: اولاً این جلسه نیاز به نشر آگهی ندارد- ثانياً این جلسه حداکثر ظرف دو هفته آینده تشکیل می شود. ثالثاً حد نصاب این جلسه تابع جلسه قبل است یعنی همان جلسه قبل از تنفس.

شیوه انتخاب مدیران و بازرسان در مجمع عمومی

انتخاب مدیران و بازرسان برخلاف سایر تصمیمات با اکثریت مطلق نیست. بلکه با اکثریت نسبی است بدین نحو که عزل اکثریت مطلق و انتخاب با اکثریت نسبی می باشد.

تعداد حق رای هر سهامدار * تعداد مدیران = حاصلضرب حق رای آن سهامدار برای مقوله انتخاب مدیران است.

- سهامداران می‌توانند این حق رای خود را به هر نسبتی که بخواهند بین اشخاص مورد نظر تقسیم کنند. سپس آراء جمع می‌شوند حائزین بیشترین رای به عنوان مدیر انتخاب می‌شوند.

کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- برای تشکیل مجمع عمومی عادی در شرکت سهامی حداقل ۳ سهامدار باید حاضر باشند.
- ۲- اگر در اساسنامه شرکت سهامی برای دعوت از مجامع ترتیبی غیر از نشر آگهی مقرر شود به همان ترتیب عمل می‌شود.
- ۳- اگر هیئت مدیره اقدام به دعوت از مجمع نکند بازرس به تقاضای هر ذینفع مجمع را دعوت می‌کند.
- ۴- برای تشکیل اولین جلسه مجمع عمومی فوق العاده، حضور دارندگان بیش از نصف دارندگان سهامی که حق رای دارند الزامی است.

جواب: گزینه یک است.

گزینه ۱- زیرا جلسات مجامع در شرکت‌های سهامی توسط هیئت رئیسه اداره می‌شود که ۱ رئیس و ۲ عضو ناظر آن باید (الزامیست) سهامدار شرکت باشند.

گزینه ۲- علاوه بر نشر آگهی رعایت آن ترتیب نیز لازم است (نشر آگهی آمده است).

گزینه ۳- بازرس راسا اقدام می‌کند نه به تقاضای ذینفع.

گزینه ۴- دارندگان بیش از نصف اکثریت سرمایه است.

هیات مدیره شرکت سهامی

- انتخاب هیات مدیره شرکت سهامی توسط مجمع عمومی موسس یا مجمع عمومی عادی می‌باشد.
- عزل و قبول و استعفا: توسط مجمع عمومی و عادی. انتخاب با اکثریت نسبی بود. عزل با اکثریت مطلق بود همه چیز با اکثریت مطلق بود جز انتخاب مدیران.

سؤالی مطرح می‌شود که مدیران شرکت‌های تجاری باید از بین شرکا باشند یا خیر؟

در شرکت سهامی: مدیران باید از بین سهامداران باشند.

در شرکت تعاونی: مدیران باید از بین سهامداران باشند.

در سایر شرکت‌ها (مسئولیت محدود - نسبی - مختلط سهامی و غیر سهامی) مدیران می‌توانند از بین شرکا باشند یا نباشند.

تعداد اعضای هیئت مدیره (مدیران) در شرکت‌های تجاری چند نفر است؟

در شرکت‌های سهامی خاص حداقل ۳ نفر - سهامی عام حداقل ۵ نفر

در شرکت تعاونی ۳ یا ۵ یا ۷ نفر (حداقل ۳ حداکثر ۷ ولی باید عدد نفر، فرد باشد)

در سایر شرکت‌ها، تعداد مدیران دارای مقرره خاصی نیست و می‌توانند واحد یا تعداد باشند.

مدت مدیریت مدیران در شرکت‌های تجاری

در شرکت سهامی به صورت نامحدود برای دوره‌های حداکثر ۲ ساله قابل تمدید است.

در شرکت تعاونی برای دوره‌های حداکثر ۳ ساله برای ۲ دوره متوالی قابل تمدید است. بیش از ۲ دوره متوالی در صورتی قابل تمدید است که حداقل ۲/۳ آراء حاضر در مجمع به این امر رضایت دهند.

در سایر شرکت‌ها مدت مدیریت مدیران می‌تواند محدود یا نامحدود باشد.

سؤال: آیا در شرکت‌های تجاری تعیین مدیر علی‌البدل الزامیست یا خیر؟

خیر در تنها شرکتی که مدیر البدل الزامیست شرکت تعاونی می‌باشد و در بقیه شرکت‌ها اختیاری است.

سهام وثیقه

مدیر شرکت سهامی ممکن است در مدت مدیریت خود خساراتی به شرکت وارد کند به این منظور باید تعداد سهامی به عنوان سهام وثیقه داشته باشد تا خسارت وارده به شرکت از محل آن سهام جبران گردد.

- تعداد سهام وثیقه در اساسنامه درج می‌شود این سهام سهام با نام است و غیر قابل انتقال است. تا زمان تصویب مفصاحساب، مدت مدیریت مدیران در وثیقه شرکت است. یعنی تصویب تراز نامه مدت مدیریت مدیران
- اگر مدیری سهام وثیقه کافی نداشته باشد یک ماه از تاریخ انتخاب مهلت دارد تا سهام مزبور را تامین کند. (برود از این و آن بخرد) در غیر اینصورت مستعفی محسوب می‌شود.

انتخاب با عضویت اشخاص حقوقی در هیئت مدیره

اشخاص حقوقی می‌توانند عضو هیئت مدیره باشند. در این صورت شخص حقوقی برای انجام وظایف هیئت مدیره نماینده حقیقی معرفی می‌کند. شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می‌تواند هر زمان که بخواهد با معرفی نماینده جدید، قبلی را تغییر دهد.

اگر این نماینده حقیقی موجب خسارتی گردد از حیث مسئولیت مدنی آن نماینده حقیقی و شخص حقوقی عضو هیئت مدیره مسئولیت تضامنی دارند اما مسئولیت کیفری فقط بر عهده نماینده حقیقی است.

در خصوص اداره جلسات هیات مدیره

- هیات مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضا، یک رئیس و یک نایب رئیس انتخاب می‌کند.
- رئیس و نایب رئیس باید شخص حقیقی باشند. شخص حقوقی عضو هیات مدیره نمی‌تواند رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره شود اما نماینده حقیقی آن می‌تواند.
- در این صورت اگر آن شخص حقوقی عضو هیات مدیره، نماینده خود را تغییر دهد نماینده جدید رئیس هیات مدیره تلقی نمی‌گردد بلکه باید مجدداً هیات مدیره رئیس انتخاب کند (مثال تقوی و حسینی).
- اداره جلسات هیئت مدیره با رئیس هیات مدیره و در غیاب او با نایب رئیس است.
- حضور و تصمیم‌گیری در هیات مدیره به شخص است و نماینده پذیرفته نیست (برخلاف مجمع عمومی که نماینده پذیرفته بود).
- در هیات مدیره، هر مدیر دارای یک حق رای است و شرط خلاف امکان پذیر نیست.
- اگر از آخرین جلسه هیات مدیره یک ماه گذشته باشد و رئیس هیات مدیره، هیات مدیره را دعوت نکند اشخاصی که حداقل ۱/۳ مدیران می‌باشند می‌توانند خود جلسه هیات مدیره را دعوت نمایند.
- برای رسمیت جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف مدیران لازم است و تصمیمات نیز توسط بیش از نصف حاضرین اتخاذ می‌شود مگر آنکه اساسنامه اکثریت‌های بیشتری مقرر کند (بیش از نصف).

سؤال: در یک شرکت سهامی عام که دارای ۵ مدیر می‌باشد آیا می‌توان تصمیمی با رضایت ۲ مدیر اخذ کرد؟

با توجه به آنکه با حضور بیش از نصف اعضا جلسه تشکیل می‌شود پس با حضور ۳ نفر جلسه تشکیل می‌شود و با توجه به آنکه با رای بیش از نصف حاضرین تصمیم‌گیری امکان‌پذیر است بنابراین، با رای دو نفر از حاضرین می‌توان تصمیم‌گیری کرد.

مدیر عامل در شرکت سهامی

نصب، عزل، قبول استعفا و تعیین دستمزد مدیر عامل: وظیفه هیات مدیره است (در شمار اختیارات مجمع عمومی هم می‌باشد).

مدیر عامل باید لزوماً شخصی حقیقی باشد (برخلاف هیات مدیره).

ممکن است واحد یا متغیر باشد اگر متعدد بود اسم گذاری می‌کنیم (هیات عامل).

- در حالت تعدد (هیات عامل) نظر اکثریت اعضای هیات، عامل به عنوان نظر مدیریت عامل تلقی می‌گردد.
- مدیر عامل می‌تواند برخلاف هیات مدیره سهامدار باشد یا نباشد.
- در خصوص مدیر عامل، سهام وثیقه لازم نیست.
- تعیین حدود اختیارات مدیر عامل با هیات مدیره است. مدیر عامل در حدود اختیاراتی که هیات مدیره به او تفویض می‌کند نماینده شرکت است.
- مدیر عامل به خودی خود هیچ اختیاری ندارد مگر آنچه که هیئت مدیره به او تفویض می‌کند یا آنکه مجمع عمومی تفویض می‌کند.

محدودیت‌های تعدد مدیریت

عضو هیات مدیره یک شرکت می‌تواند عضو هیات مدیره یک شرکت دیگر نیز باشد اما مدیر عامل یک شرکت نمی‌تواند مدیر عامل شرکت دیگری نیز باشد. هیچ کس (به عبارت دیگر قانونگذار گفته هیچ کس) نمی‌تواند در آن واحد مدیر عامل بیش از ۲ شرکت باشد.

- مدیر عامل می‌تواند عضو هیات مدیره شرکت دیگر یا حتی رئیس هیات مدیره شرکت دیگر باشد.
- مدیر عامل می‌تواند عضو هیات مدیره همان شرکت باشد.
- (محدودیت) مدیر عامل در صورت موافقت ۳/۴ آراء حاضر در مجمع عمومی می‌تواند رئیس هیات مدیره همان شرکت نیز باشد.
- این مجمع عمومی مجمع عمومی علی‌الاصول عادیست و نسبت به اولین مدیران موسس.

معاملات مدیران شرکت سهامی با شرکت

اگر مدیران شرکت سهامی یا مدیر عامل شرکت سهامی یا موسسات یا شرکت هایی که ایشان در آن موسسات یا شرکت ها عضویت هیات مدیره یا شرکت هستند بخواهند با شرکت سهامی معامله کنند شرایط زیر لازم است: ماده ۲۹

۱- تصویب هیات مدیره

۲- اعلان نظر بازرسان و گزارش بازرسان به مجمع عادی

۳- تایید مجمع عمومی عادی

وضعیت حقوقی معاملات مدیران شرکت سهامی با شرکت سهامی

حالت اول: هیات مدیره تصویب کند مجمع عمومی نیز تایید کند (معامله صحیح است)

حالت دوم: هیات مدیره تصویب نکند ولی مجمع عمومی تایید کند (معامله صحیح است)

حالت سوم: هیات مدیره تصویب کند ولی مجمع عمومی تایید نکند (معامله صحیح ولی ضمان آور است منظور این است که ایجاد موسسات مدنی که مدیر معامله کننده و مدیران تصویب کننده متضامنا مسئول جبران خسارات وارده شرکت می باشند).

حالت چهارم: هیات مدیره تصویب نکند و مجمع عمومی نیز تایید نکند (در حالت چهارم معامله قابل ابطال است). نسبت به این معامله می توان ظرف ۳ سال از تاریخ انعقاد معامله یا اگر معامله به صورت مخفیانه منعقد شده باشد ظرف سه سال از تاریخ کشف آن، دادخواست بطلان معامله را تقدیم کرد در غیر این صورت آن معامله به قوت خود باقی می ماند.

ماده ۱۳۲ دریافت وام توسط مدیران از شرکت سهامی

اعضا هیات مدیره و مدیر عامل شرکت سهامی و همسر- پدر- مادر- اولاد- اولاد اولاد- اجداد- خواهر و برادر مدیران مزبور نمی توانند ۳ کار را صورت دهند:

۱- از شرکت سهامی وام دریافت کنند (وام- قرض).

۲- از شرکت سهامی تحصیل اعتبار کنند.

۳- شرکت سهامی نمیتواند از ایشان ضمانت کند.

جز در دو استثناء:

حالت اول: نسبت به شخص حقوقی عضو هیات مدیره این ممنوعیت جاری نیست (اما نسبت به نماینده حقیقی عضو حقوقی این ممنوعیت جاری است).

حالت دوم: اگر شرکت سهامی یک بانک و با شرکت مالی و اعتباری باشد این ممنوعیت جاری نیست.

سؤال: شرکتی می‌خواهد از بانک وام بگیرد آیا مدیران شرکت می‌توانند ضمانت شرکت را به عهده بگیرند یا خیر؟ شرکت نمی‌تواند ضامن مدیر شود اما مدیر می‌تواند.

۱- اگر آن مدیر شخص حقوقی باشد این امر مجاز است.

۲- اگر آن شرکت یک بانک یا شرکت مالی و اعتباری باشد این امر مجاز است.

۳- این امر در دو صورت مجاز است (شرکت نمی‌تواند ضامن مدیر شود اما مدیر می‌تواند ضمانت شرکت را به عهده بگیرد).

۴- این امر در صورت وجود هریک از شروط مذکور در گزینه‌های ۱ و ۲ مجاز است.

تحصیل اعتبار: شبیه ضمانت است با این تفاوت که در تحصیل اعتبار هنوز ممکن است سبب دین ایجاد نشده باشد، ضمانت از دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده صحیح است.

مسئولیت مدنی مدیران در برابر شرکت

- اگر یک مدیر مرتکب تقصیر شود، همان مدیر مسئول جبران خسارات است.
 - اگر چند مدیر مرتکب تقصیر شوند
- ✓ اگر شرکت ورشکسته شده یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت کافی نیست، قانونگذار گفته این مدیران اینجا متضامنا مسئولند.
- ✓ سایر موارد، مدیران مشترکا مسئولند در این حالت باید به تک تک مدیران مراجعه کرد یعنی به هریک از مدیران بابت بخشی از خسارت می‌توان مراجعه کرد.

موارد مسئولیت تضامنی در شرکت سهامی

- ۱- کلیه موسسین نسبت به اقداماتی که برای تاسیس و ثبت شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند. ماده ۲۳
- ۲- اگر یکی از اعضای هیات مدیره شخصی حقوقی باشد آن شخص حقوقی با نماینده حقیقی مسئولیت تضامنی دارد. ماده ۱۱۰

- ۳- اگر معامله مدیر با شرکت توسط هیات مدیره تصویب شود ولی توسط مجمع عمومی تایید نشود مدیر معامله کننده و مدیران تصویب کننده متضامنا در برابر شرکت مسئولند. ماده ۱۳۰
- ۴- چند مدیر مرتکب تقصیر شوند و در نتیجه شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارای شرکت کافی نیست.

موارد مسئولیت تضامنی در شرکت با مسئولیت محدود

- ۱- اگر در نام شرکت عبارت با مسئولیت محدود درج نشود آن شرکت در برابر ثالث شرکت تضامنی است (فقط از هیئت مسئولیت شرکا بابت دیون شرکت).
- ۲- اگر در نام شرکت اسم یکی از شرکا باشد فقط همان شریک، شریک ضامن محسوب می شود.
- ۳- همه شرکا بابت تقویم آورده غیره نقد مسئولیت تضامنی دارند.
- ۴- اگر شرکت با مسئولیت محدود باطل باشد شرکایی که بطلان منتسب به آن هاست و مدیران و هیئت نظارت که بلافاصله بعد از این بطلان سرکار بوده اند ولی انجام وظیفه نکرده و بطلان شرکت را اعلام نکرده اند در برابر شرکا و اشخاص ثالث متضامنا مسئولند.

ممنوعیت های ناشی از رقابت در شرکت های تجاری

ماده ۱۳۳ ل. ۱. قانون تجارت می گوید در شرکت سهامی مدیران نمی توانند تجارتي از نوع تجارت شرکت نمایند که متضمن رقابت با شرکت باشد در غیر اینصورت آن معاملاتی که مدیران منعقد کرده اند باطل نیست اما ایشان ملزم به جبران خسارتند.

ماده ۱۳۴ قانون تجارت در شرکت های تضامنی، نسبی و مختلط سهامی: هیچ شریکی نمی تواند تجارتي از نوع تجارت شرکت نماید یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکتی که همان تجارت را می کند وارد شود. این مقرر ضمانت اجرای قانونی ندارد اما با توجه به نفی قانون گذار باید چنین معامله را باطل بدانیم.

بازرس

- ✓ سهامی
- ✓ تعاونی

در دو شرکت هیات نظارت داریم:

- ✓ در شرکت با مسئولیت محدودی که تعداد شرکا بیش از ۱۲ نفر (۱۳ به بالا) باشند.
- ✓ در شرکت مختلط سهامی

اوصاف بازرس:

- نصب او توسط مجمع عمومی موسس یا عادی است (شبه هیئت مدیره)
- عزل و قبول استعفای بازرس با مجمع عمومی عادی است (شبه هیات مدیره)
- بازرس می تواند واحد یا متعدد باشد (برخلاف هیئت مدیره)
- بازرس می تواند شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی (شبه هیئت مدیره). البته، در شرکت های سهامی عام بازرس باید از بین موسسات عضو جامعه حسابرسان رسمی باشد و بنابراین در شرکت های سهامی عام، بازرس همیشه یک شخص حقوقی است.
- بازرس می تواند سهامدار شرکت باشد یا نباشد (برخلاف هیات مدیره)
- نصب یک بازرس علی البدل الزامیست (برخلاف هیات مدیره)
- نصب بازرس با اکثریت نسبی است (شبه هیات مدیره)
- عزل بازرس با اکثریت مطلق است (شبه هیات مدیره)
- در خصوص دستمزد بازرس، تعیین حق الزحمه بازرس طبق نص قانون برعهده مجمع عمومی عادی است. اما در واقع برعهده مجمع عمومی موسس یا عادی است که او را انتخاب کرده است (شبه هیات مدیره).

معاملات بازرس با شرکت

این معاملات ممنوع است (به عبارت دیگر بازرس نمیتواند در معامله با شرکت به طور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود). این مقرر در قانون، دارای ضمانت اجرا نیست اما به دلیل این نمی باید چنین معاملاتی را باطل دانست. در شرکت سهامی، معاملات مدیران با شرکت ----- و معاملات بازرس با شرکت ----- می باشد.

- ۱- علی الاصول باطل - باطل
- ۲- علی الاصول صحیح - باطل
- ۳- صحیح - غیر قابل استناد
- ۴- علی الاصول باطل - علی الاصول باطل

گزینه دو صحیح است.

معاملات مدیران با شرکت همانطور که مشاهده شد ۴ حالت داشت که ۳ حالت از آن صحیح و یک حالت قابل ابطال بود که پاسخ علی الاصول صحیح می شود.

سؤال: کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- بازرسی و مدیریت قائم به شخص است.
- ۲- بازرسی و مدیریت به نحو ارادی قابل انتقال نیست اما به نحو قهری قابل انتقال است.
- ۳- بازرسی و شرکت در جلسات مجامع عمومی قائم به شخص نیست.
- ۴- گزینه ۱ و ۲

بازرس می تواند برای انجام تحقیقات، کارشناس بگیرد البته باید کارشناس را به شرکت معرفی نماید اما نمیتواند بازرسی را به طور کامل به دیگران واگذار کند مانند مدیران که می توانند برای انجام اقدامات خود وکیل بگیرند اما نمی توانند مدیریت را واگذار کنند.

تغییر تابعیت در شرکت های تجاری

در شرکت با مسئولیت محدود قانون می گوید تغییر تابعیت منوط به اتفاق آرای شرکا است. در شرکت سهامی، قانون گفته هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت را تغییر دهد. تغییر تابعیت ممنوع است. در سایر شرکت های تجاری قانون ساکت است اما نظر قوی این است که تغییر (تابعیت ممنوع است) تابعیت یک شخص با دولت است.

تغییر نوع در شرکت های تجاری

- ۱- تغییر قالب شرکت از سهامی خاص به سهامی عام: منوط است به شرایط ذیل
این شرایط باید مجتمعا برقرار باشند.
شرط اول: ۲ سال از ثبت شرکت گذشته باشد.
شرط دوم: حداقل دو تراز نامه شرکت تصویب شده باشد.
شرط سوم: تصویب مجمع عمومی فوق العاده
شرط چهارم: افزایش سرمایه تا میزان حداقل لازم برای شرکت سهامی عام (۵ میلیون ریال)

شرط پنجم: تغییر اساسنامه

تغییر قالب از تضامنی به سهامی

- منوط است به اتفاق آرای شرکا (البته بدیهی است که اساسنامه نیز تغییر کرده و سرمایه به حداقل مقرر قانونی می‌رسد)
- تغییر قالب از شرکت سهامی به سایر شرکت‌ها: اگر سرمایه شرکت سهامی از حداقل مقرر قانونی کمتر شود سهامداران یک سال فرصت دارند که این کاهش سرمایه را جبران کنند یا قالب شرکت را تغییر دهند. در غیر این صورت هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را نماید.
- در خصوص سایر تغییر قالب‌ها مانند تبدیل شرکت با مسئولیت محدود به سهامی خاص یا تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت با مسئولیت محدود با منع قانونی مواجه نیستیم بنابراین مجاز است.

تغییر در سرمایه شرکت سهامی

- افزایش سرمایه
- کاهش سرمایه

شرایط افزایش سرمایه:

- ۱- تصویب مجمع عمومی فوق العاده (اساسنامه نمی‌تواند مجوز این امر را به هیئت مدیره بدهد).
- ۲- سرمایه قبلی شرکت پرداخت شده باشد.
- ۳- هیئت مدیره باید نهایتاً ظرف ۵ سال از تصویب مجمع فوق العاده افزایش سرمایه را عملی کند.

روش‌های افزایش سرمایه:

- ۱- افزایش مبلغ اسمی سهام شرکت
 - ۲- افزایش تعداد سهام
- مبلغ اسمی سهام * تعداد سهام = سرمایه شرکت.

روش افزایش سرمایه از طریق افزایش مبلغ اسمی سهام شرکت:

نکته اول: تعداد سهام ثابت می ماند.

نکته دوم: تمام سهام شرکت به صورت مساوی مشمول افزایش مبلغ اسمی می شوند.

در افزایش سرمایه از طریق افزایش مبلغ اسمی سهام شرکت، با دو حالت ذیل مواجه هستیم:

- مبلغ مازاد از سهامداران دریافت می کنیم (این افزایش سرمایه موجب افزایش تعهدات سهامداران است). در این حالت نیاز به رضایت همه سهامداران می باشد.
- مبلغ مازاد از سهامداران دریافت نمی کنیم (در این حالت افزایش سرمایه موجب افزایش تعهدات سهامداران نیست). در این حالت باز با حکم خاصی مواجه نیستیم و همان اکثریت مقرر در مجمع فوق العاده کفایت (۲/۳ آراء حاضرین).

۲- روش افزایش سرمایه از طریق افزایش تعداد سهام: یک سری سهام جدید چاپ می کنیم.

- قیمت اسمی سهام جدید مساوی با قیمت اسمی سهام قبلی شرکت است.
- در این حالت (این روش افزایش) با ۶ روش مواجهیم:

روش اول: فروش سهام جدید یا به مبلغ اسمی آن یا بیش از مبلغ اسمی

- شرکت می تواند سهام جدید را به همام مبلغ اسمی یا به مبلغی بیش از آن بفروشد. (به مبلغ مازاد عواید حاصله از اضافه ارزش، سهام جدید گفته می شود).
- در فروش سهام جدید در شرکت سهامی خاص آورده غیر نقدی پذیرفته است اما در سهامی عام پذیرفته نیست.
- حق تقدم برای سهامداران فعلی شرکت در خرید سهام جدید به نسبت سهامشان حق اولویتی به نام حق تقدم ایجاد می شود. مهلت حق تقدم حداقل ۶۰ روز است.
- حق تقدم یک حق مالی است بنابراین قابل انتقال و قابل اسقاط است و مجمع عمومی فوق العاده می تواند آن را از سهامداران سلب کند.

روش دوم: تبدیل مطالبات حال شده اشخاص از شرکت به سهام

- طلبی که سایرین از شرکت دارند به سرمایه شرکت تبدیل شده و اوراق سهام به آن طلبکاران داده می شود این امر چون نوعی تبدیل تعهد است به رضایت طلبکاران مزبور است.

روش سوم: تبدیل سود به اوراق سهام و دادن آنها به سهامداران

- به جای آنکه سود بین سهامداران تقسیم شود در حساب شرکت باقی می ماند و معادل آن اوراق سهام صادر می شود و این اوراق سهام بین سهامداران تقسیم می شود.

روش چهارم: تبدیل اندوخته اختیاری به اوراق سهام و دادن آن به سهامداران

- اندوخته قانونی قابل تقسیم بین سهامداران نیست اما اندوخته اختیاری قابل تقسیم هست.
- اندوخته قانونی قابل تبدیل به سرمایه نیست اما اندوخته اختیاری قابل تبدیل به سرمایه هست.
- در روش چهارم اندوخته اختیاری را در حساب شرکت نگاه می داریم و معادل آن اوراق سهام صادر می کنیم و آنرا به سهامداران فعلی شرکت می دهیم.

روش پنجم: تبدیل عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت: از روش اول یک سهم ۱۰۰ تومانی صادر کردیم و ۱۰۰۰ تومان فروختیم آن ۹۰۰ تومان که عواید سود است می توانیم این ۹۰۰ تومان را بین سهامداران تقسیم کنیم یا آنرا در حساب شرکت نگاه داریم و ۹ سهم ۱۰۰ تومانی داشته باشیم.

- در روش اول که سهام جدید را می فروشیم می توانیم این سهام جدید را به مبلغی بیش از قیمت اسمی بفروشیم و ما به تفاوت قسمت اسمی و مبلغ فروش عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید باشد. این عواید نوعی سود است که می توان آن را بین سهامداران تقسیم کرد یا معادل آن اوراق سهام صادر کرد و اوراق سهام را بین سهامداران تقسیم کنیم.

روش ششم: تبدیل اوراق قرضه به سهام (در حال حاضر تبدیل اوراق مشارکت به سهام) مجمع عمومی فوق العاده به هیئت مدیره اجازه می دهد که سررسید اوراق مشارکت به اندازه مبلغی که اوراق مشارکت برای تبدیل به سهام به شرکت عرضه شده افزایش سرمایه دهد، اوراق مشارکت را از دارندگان آن اوراق دریافت کنند و به جای آن سهام به ایشان ارائه کنند.

کاهش سرمایه: برای کاهش سرمایه باید یکی از اینها را کم کنیم

مبلغ اسمی * تعداد سهام = سرمایه شرکت سهامی

روش های کاهش سرمایه

- کاهش تعداد سهام
- کاهش مبلغ اسمی سهام شرکت

روش ۱ مبلغ اسمی سهام شرکت ثابت می ماند و تعداد سهام شرکت کم می شود.

روش ۲ تعداد سهام ثابت می ماند و مبلغ اسمی سهام شرکت به صورت یکسان کم می شود.

انواع کاهش سرمایه:

- کاهش سرمایه اجباری
- کاهش سرمایه اختیاری

کاهش سرمایه اجباری: اگر حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود هیات مدیره مکلف است ماده ۱۴۱ مجمع فوق العاده را برای کاهش سرمایه یا انحلال دعوت کند. اگر چنین نکند هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را نماید.

در غیر اینصورت:

هیئت مدیره را دعوت نکنند.

دعوت کنند ولی مجمع به حد نصاب نرسد.

در سایر موارد کاهش سرمایه اختیاری: در سایر موارد که مجمع فوق العاده کاهش سرمایه دهد.

سؤال؟ در هریک از اقسام کاهش سرمایه کدام روش کاهش سرمایه قابل اعمال است؟

کاهش سرمایه اجباری

- روش کاهش تعداد سهام
- روش کاهش مبلغ اسمی هر سهم
- کاهش اختیاری سرمایه فقط از طریق کاهش مبلغ اسمی سهام است.

اعتراض به کاهش سرمایه

- فقط کاهش اختیاری سرمایه قابل اعتراض است کاهش اجباری قابل اعتراض نیست.
- هیات مدیره باید کاهش سرمایه را در روزنامه رسمی نشر آگهی کند. اشخاصی که از شرکت طلبکار هستند و منشاء طلب آن‌ها برای قبل از آخرین آگهی می‌باشد می‌توانند به این کاهش سرمایه اعتراض کنند.
- مهلت این اعتراض دو ماه است از تاریخ آخرین آگهی و مرجع آن دادگاه مرکز اصلی شرکت است.

- اگر دادگاه این اعتراض را وارد بداند و شرکت تامین مناسب برای پرداخت این طلب سررسید دهند هر آن دین حال می شود و دادگاه حکم به پرداخت فوری آن دین می دهد.
- ظرف دو ماه فوق الذکر کاهش سرمایه اجرا و اعمال نمی شود و اگر اعتراض به کاهش سرمایه صورت گرفته باشد فعلا تا تعیین نتیجه و اجرای حکم دادگاه کاهش سرمایه اجرا و اعمال نمیشود.

قواعد کلی کاهش سرمایه

- ۱- در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده
- ۲- قانونگذار در کاهش اجباری سرمایه مقرر نکرده باشد سرمایه شرکت از حداقل مقرر قانونی کمتر شود. در کاهش اختیاری سرمایه به طریق اولی این قاعده باید رعایت شود.

مقایسه ۳ ماده:

ماده ۵ ل.ا.ق.ت

ماده ۳۳ ل.ا.ق.ت

ماده ۱۴۱ ل.ا.ق.ت

ماده ۵ اگر سرمایه شرکت از حداقل قانونی کمتر شود، شرکت یک سال فرصت دارد تا آن را جبران کند یا به نوع دیگری تبدیل شود، در غیر اینصورت هر ذینفع می تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را نماید.

ماده ۳۳ اگر سهامداران در موعد مقرر در اساسنامه بقیه مبلغ اسمی را نپردازند و شرکت کاهش سرمایه ندهد هر ذینفع می تواند از دادگاه صدور حکم بر کاهش سرمایه را بخواهد (کاهش سرمایه حکم دادگاه).

ماده ۱۴۱ اگر حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود هیئت مدیره مکلف است مجمع فوق العاده را برای کاهش اجباری سرمایه یا انحلال دعوت کند در غیر اینصورت هر ذینفع می تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را نماید.

- اولین جمله در توضیح هر سه ماده است اگر در سؤال آمد با توجه به همان جواب می دهیم.

تصفیه در شرکت های سهامی

مفهوم تصفیه: وصول مطالبات، پرداخت دیون، فروش اموال و تقسیم حاصل فروش بین سهامداران و خاتمه دادن به کارهای جاری شرکت

در دوجا با بحث تصفیه شرکتها مواجهیم:

بطلان شرکت سهامی

- بطلان شرکت (شرکت در صورتی باطل است که به صورت قانونی تشکیل نشده باشد).
- انحلال شرکت.

بطلان شرکت سهامی

- اگر در تشکیل شرکت مقررات قانونی رعایت نشده باشد.
- بطلان شرکت علیه اشخاص ثالث قابل استناد نیست. به عبارت دیگر شرکت، مدیران و سهامداران نمی توانند در برابر اشخاص ثالث به بهانه بطلان شرکت از تعهدات معاف شوند. بحث بطلان در شرکت های سهامی یک مفهوم نسبی دارد.
- در خواست اعلام بطلان شرکت از دادگاه مرکز اصلی شرکت به عمل می آید.
- دادگاه می تواند (مکلف نیست) به درخواست خوانده مهلت حداکثر ۶ ماه ای برای رفع موجبات بطلان بدهد. در شرکت های سهامی، بطلان شرکت مفهوم قابل جبران یا قابل تدارک نیست اگر تا قبل از صدور رای موجبات بطلان برطرف شود دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر می کند (به عبارت دیگر موجبات بطلان نه تنها در زمان تقدیم دادخواست باید وجود داشته باشد که در زمان صدور رای نیز باید برقرار باشد).

موارد انحلال شرکت سهامی

- ۱- منتفی شدن یا اتمام موضوع شرکت
 - ۲- انقضای مدت شرکت: شرکت های تجاری ممکن است برای مدت محدود یا نامحدود تاسیس شوند. مدت شرکت اگر محدود باشد قابل تمدید است و اگر تمدید نشود با اتمام مدت شرکت منحل می شود.
 - ۳- ورشکستگی شرکت
 - ۴- تصمیم مجمع عمومی فوق العاده
 - ۵- حکم دادگاه
- ۳ مورد اول در تمام شرکت های تجاری مشترک است.

- در ۲ حالت اول شرکت خود به خود منحل نمی‌شود بلکه مجمع فوق العاده باید اعلام انحلال کند و اگر نکند هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور حکم بر انحلال شرکت را نماید.

موارد انحلال شرکت سهامی به حکم دادگاه

- ۱- اگر شرکت تا یک سال از تاریخ ثبت هیچ فعالیتی در موضوع شرکت نکند یا شرکت بیش از یک سال را کد بماند در طول فعالیتش.
 - ۲- اگر مجمع عمومی عادی تا ۱۰ ماه از موعد مقرر در اساسنامه برگزار نشود.
 - ۳- اگر سمت تمام یا برخی از مدیران یا مدیر عامل بیش از ۶ ماه بلامتصدی بماند.
 - ۴- اگر موضوع شرکت منتفی شود یا مدت شرکت منقضی شود و مجمع فوق العاده اعلام انحلال نکند.
 - ۵- ماده ۵ اگر سرمایه شرکت از حداقل قانونی کمتر شود و شرکت ظرف یک سال نه آن را جبران کند نه تغییر قالب دهد.
 - ۶- اگر حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود و مجمع فوق العاده اقدام به کاهش سرمایه نکند.
- در سه مورد اول دادگاه باشد مهلت حداکثر ۶ ماهه ای برای رفع موجبات انحلال بدهد. در بحث بطلان می‌گفتیم نباید دعوای انحلال شرکت در دادگاه مرکز اصلی طرح می‌شود و اگر تا قبل از صدور رای موجبات انحلال برطرف شود دادگاه قرار سقوط دعوا صادر می‌کند.
- سؤال؟ در صورت بطلان یا انحلال شرکت سهامی امر تصفیه برعهده کیست؟

اول بررسی بطلان

مدیر تصفیه توسط همان دادگاهی که حکم بطلان را صادر می‌کند انتخاب می‌شود. اگر آن مدیر تصفیه قبول سمت نکند امر تصفیه برعهده اداره تصفیه و امور ورشکستگی ارجاع می‌شود و اگر آن شهر اداره تصفیه نداشته باشد ناچاریم که مدیر تصفیه دیگری برگزینیم.

دوم بررسی انحلال

- ۱- ورشکستگی: در این حالت بحث تصفیه تابع قواعد ورشکستگی است.
- ۲- به موجب مصوبه مجمع فوق العاده

- ۳- به موجب رای دادگاه همان دادگاه مدیر تصفیه را بر میگزینند و اگر آن مدیر تصفیه قبول سمت نکند امر تصفیه برعهده اداره تصفیه امور ورشکستگی خواهد بود. پس
- ۱- ورشکستگی: حسب مورد تصفیه با اداره تصفیه یا مدیر تصفیه منتخب دادگاه است.
- ۲- به موجب مصوبه مجمع فوق العاده: همان مجمع مدیر تصفیه را نیز برمیگزینند. اگر مدیر تصفیه را انتخاب نکنند یا مدیر تصفیه منتخب مجمع انجام وظیفه نکند هر ذینفع می تواند از دادگاه تقاضای نصب مدیر تصفیه بنماید.
- در هر مورد که دادگاه مدیر تصفیه را برمیگزیند اگر آن مدیر تصفیه قبول سمت نکند امر تصفیه به اداره تصفیه امور ورشکستگی ارجاع می شود و اگر اداره تصفیه نباشد مدیر تصفیه دیگری به ناچار برمیگزینیم.

فوت - حجر - ورشکستگی مدیر تصفیه

- ✓ مدیر تصفیه توسط دادگاه انتخاب شده است یا
 - مدیر تصفیه واحد است در اینجا هر ذینفع می تواند از دادگاه نصب جایگزین را بخواهد. یا
 - متعدد است در این حالت سایر مدیران باید از دادگاه نصب جایگزین را بخواهند.
- ✓ مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی انتخاب شده است. یا
 - واحد است هر ذینفع می تواند از ثبت شرکتها بخواهد که مجمعها را برای نصب جایگزین دعوت کند.
 - متعدد است بقیه مدیران باید (مکلفند) مجمع عمومی را برای نصب جایگزین دعوت کنند. ضمانت اجرا ندارد.

مدیر تصفیه

- ۱- مدیر تصفیه می تواند واحد باشد یا متعدد (هیات تصفیه).
- ۲- مدیر تصفیه می تواند سهامدار باشد یا نباشد.
- ۳- مدت مدیریت مدیر تصفیه حداکثر دو سال است.
- ۴- در صورت اتمام این مدت و عدم خاتمه امر تصفیه مدیر تصفیه تقاضای تمدید مهلت می کند.
- ۵- تمدید مدت ماموریت او با همان مرجعی است که او را انتخاب کرده است که می تواند حسب مورد دادگاه یا مجمع عمومی عادی باشد. توجه داشته باشید که اگرچه این مدیر توسط مجمع عمومی و فوق العاده انتخاب شده که رای به انحلال داده است اما تمدید ماموریت او با مجمع عمومی عادی است.

- ۶- عزل با قبول استعفای مدیر تصفیه با همان مرجعی است که او را انتخاب کرده است.
- ۷- تعیین دستمزد مدیر تصفیه هم با همان مرجعی است که او را انتخاب کرده است.
- ۸- در شرکت‌های تجاری، شخصیت حقوقی شرکت با انحلال خاتمه نمی‌یابد بلکه تا زمان ختم تصفیه باقی است.
- ۹- مدیر تصفیه شرکت‌های سهامی هرگونه اختیاری در راستای تصفیه دارد و اختیارات او محدودیت پذیر نیست.

محدود کردن اختیارات مدیران در شرکت سهامی

- ❖ اگر مدیر در حدود موضوع شرکت معامله کند محدودیت اختیارات او در برابر ثالث باطل است و فقط فی مابین مدیر و شرکت صحیح است. به عبارت دیگر غیرقابل استناد است، به این بطلان می‌گوییم بطلان نسبی
- ❖ محدودیت اختیارات مدیر تصفیه به کلی و مطلق باطل است یعنی هم در برابر شخص ثالث باطل است و هم در رابطه مدیر و شرکت باطل است، بطلان مطلق است.

ناظر در دوره تصفیه

در مدت تصفیه ممکن است یک یا چند ناظر بر مدیران تصفیه بگماریم. وجود ناظر الزامی نیست. بعد از انحلال شرکت، مدیر تصفیه باید مجمع سالیانه شرکا را دعوت کند و اگر چنین نکند ناظر مکلف به این امر است.

معاملات مدیر تصفیه شرکت سهامی با آن شرکت ماده ۲۱۳

معاملات مدیر تصفیه شرکت سهامی با آن شرکت یا بستگان تا درجه چهارم از طبقه اول و دوم ممنوع و باطل است.

سؤال؟ معاملات شرکت سهامی با مدیران و با مدیر تصفیه ----- است.

- ۱- قابل ابطال، باطل
- ۲- باطل، باطل
- ۳- علی الاصول صحیح، قابل ابطال
- ۴- علی الاصول صحیح، باطل

گزینه ۴: صحیح است.

سؤال؟ کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱- اگر دادگاه حکم انحلال شرکت سهامی را صادر کنند و مدیر تصفیه منتخب دادگاه قبول سمت نکند امر تصفیه تابع قواعد ورشکستگی است. امر تصفیه صرفاً برعهده اداره تصفیه قرار می‌گیرد و تابع قواعد ورشکستگی نمی‌شود.
 - ۲- مدیر تصفیه در صورتی حق انعقاد قراردادهای جدید را دارد که برای خاتمه تعهدات جاری شرکت باشد. گرچه سهامداران نمی‌توانند اختیارت مدیر تصفیه را محدود کنند اما مدیر تصفیه صرفاً در راستای امر تصفیه حق اقدام دارد.
 - ۳- بعد از انحلال شرکت سهامی تا قبل از ختم تصفیه می‌توان حکم ورشکستگی شرکت را صادر کرد.
 - ۴- مدیر تصفیه در هر صورت حق سازش دعاوی راجع به شرکت سهامی را دارد.
- گزینه ۳: در شرکت‌های تجاری تا قبل از ختم تصفیه شرکت می‌توان حکم ورشکستگی شرکت را صادر کرد.

سازش دعاوی شرکت در حال تصفیه یا ارجاع دعاوی شرکت در حال تصفیه داوری

سازش و داوری

در شرکت سهامی: انجام این امر توسط مدیر تصفیه مجاز است.

در شرکت با مسئولیت محدود و تعاونی: انجام این امر توسط مدیر تصفیه منوط به تجویز اساسنامه یا مجمع عمومی شرکا است.

در شرکت تضامنی - نسبی - مختلط سهامی - مختلط غیر سهامی: انجام این امر توسط مدیر تصفیه منوط به تجویز شریک یا شرکای ضامن است.

حساب‌های مالی شرکت سهامی

تراز نامه - حساب سود و زیان - حساب دارایی و دیون - حساب دوره عملکرد مدیران

- ۱- توسط هیئت مدیره تنظیم می‌شود.
- ۲- بازرس درباره آنها اعلام نظر می‌کند (هیئت مدیره باید حداقل ۲۰ روز قبل از برگزاری مجمع این حساب‌ها را به بازرس یا بازرسان تحویل دهد و ایشان مکلفند حداقل ۱۰ روز قبل از جلسه مجمع نظر مشورتی خود را درباره آن حساب‌ها به شرکت تسلیم کند تا سهامداران بتوانند از آن مطلع شوند.

- ۳- حساب‌ها توسط مجمع عمومی عادی تصویب می‌شود.
- ۴- در تنظیم حساب‌های مالی شرکت باید از همان روش حسابرسی سنوات گذشته تبعیت شود و اگر بخواهیم آن را تغییر دهیم باید در سال اول حساب‌ها را به هر دو روش تنظیم کنیم اگر مجمع عمومی روش جدید را بپذیرد از این پس حساب‌ها با روش جدید تنظیم خواهد شد.
- ۵- قبل از تقسیم هر گونه سود باید هزینه‌های تاسیس شرکت مستهلک شود یعنی تا قبل از جبران هزینه‌های تاسیس شرکت سودی به سهامداران تعلق نمی‌گیرد.
- ۶- هزینه‌های افزایش سرمایه باید تا ۵ سال از افزایش سرمایه مستهلک شوند (از سرمایه شرکت برداشته شوند تا ۵ سال). ماده ۲۳۷ گفتیم.

انواع سود در شرکت سهامی

در شرکت سهامی سه سود داریم:

- ۱- سود خالص (سود ویژه سالیانه)
 - ۲- سود قابل تقسیم
 - ۳- سود مورد تقسیم
- ۱- سود خالص: منظور از سود خالص درآمد یک سال منهای هزینه‌ها و استهلاک‌ها و ذخیره‌های همان سال (ضررهای احتمالی) است. برای محاسبه سود خالص و سود ویژه سالیانه، سود خالص، درآمد یک سال منهای هزینه‌ها و استهلاک‌ها و ماشین‌آلات و ذخیره‌های همان سال می‌باشد.
- ۲- سود قابل تقسیم: سود خالص منهای زیان‌های سال‌های قبل و منهای اندوخته‌های قانونی و اختیاری به علاوه سود تقسیم نشده سال‌های قبل. سود مورد تقسیم، بخشی از سود قابل تقسیم است که مجمع عمومی عادی مقرر می‌کند که بین سهامداران تقسیم شود. سود مورد تقسیم کوچکتر یا مساوی است با سود قابل تقسیم. می‌توان تمام سود قابل تقسیم یا بخشی از آن را بین سهامداران تقسیم نمود.
- ❖ اگرچه میزان سود مورد تقسیم به تشخیص مجمع عمومی عادی می‌باشد اما اگر شرکت سود کافی داشته باشد باید حداقل ۱۰ درصد از سود ویژه سالیانه (سود خالص) بین سهامداران تقسیم شود.

اندوخته قانونی، از سود خالص ضرر سال‌های قبل را کسر می‌کنیم. سپس ۱/۲۰ آن را به عنوان پس انداز اجباری در حساب شرکت نگاه می‌داریم تا زمانی که جمع این مبالغ به ۱/۱۰ کل سرمایه شرکت برسد. این امر از وظایف هیئت مدیره است.

ذخیره اجباری در ۳ نوع شرکت سهامی، تعاونی و با مسئولیت محدود پیش بینی شده است. اندوخته اختیاری هر مبلغی که بیش از اندوخته قانونی در حساب شرکت نگهداری شود. سؤال؟ کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- در محاسبه اندوخته قانونی، سرمایه اولیه شرکت ملاک عمل قرار می‌گیرد.
 - ۲- اندوخته‌های شرکت سهامی قابل تبدیل به سرمایه نیست.
 - ۳- لحاظ کردن اندوخته اختیاری از وظایف هیئت مدیره است.
 - ۴- هیچیک از سود خالص و سود قابل تقسیم بخشی از دیگری محسوب نمی‌شود.
- گزینه ۱- غلط است، در محاسبه اندوخته قانونی باید سرمایه ثبت شده فعلی شرکت ملاک قرار گیرد نه سرمایه اولیه زیرا ممکن است شرکت دچار افزایش یا کاهش سرمایه شده باشد.
- گزینه ۲- فقط اندوخته قانونی قابل تبدیل به سرمایه نیست.
- گزینه ۳- غلط است زیرا اندوخته اختیاری جنبه الزامی ندارد پس وظیفه نیست.
- گزینه ۴- چون سود خالص مبالغی کسر می‌شود تا به سود قابل تقسیم برسیم. سپس، تمام سود خالص در دل سود قابل تقسیم نمی‌گنجد. چون مبالغی باید به آن اضافه شود و تا به سود قابل تقسیم برسیم و پس تمام سود قابل تقسیم نیز در درون سود خالص نمی‌گنجد.

فقط ۲۷۰ تا ۲۸۳

مواد ۲۴۳ تا ۲۶۹ مقررات جزایی شرکت‌های سهامی، این مواد قابلیت حفظ کردن در موارد نقدی ندارد چون ناچیز است و این جریمه‌ها به روز رسانی نشده و قابل اجرا نیست.

سود ماده ۲۷۰ به بعد بخشی قابل سؤال دادن نیست. بخشی راجع به بطلان است که قبلاً گفتیم. بخش دیگر راجع به تبدیل شرکت‌های سهامی خاص به عام است. از ماده ۲۴۸ ت- ۲۹۹ ت قابلیت طرح سؤال ندارد.

شرکت دولتی ماده ۳۰۰

- ۱- به حکم قانون تشکیل شده یا به موجب رای دادگاه سهام آن دولتی شده باشد (مثل ایران خودرو).
- ۲- بیش از نصف سرمایه متعلق به دولت یا یک شرکت دولتی دیگر باشد.

- تنها مصداق تشکیل شرکت فقط شرکت دولتی است پس شرکت‌ها علی‌الاصول نمی‌توانند دارای یک عضو باشند.
- شرکت‌های دولتی می‌توانند دارای یک عضو باشند (یعنی ۱۰۰٪ سرمایه متعلق به دولت).

شیوه اداره شرکت‌های دولتی

۱- تابع قانون خاص و اساسنامه هستند (مثلاً قانونی این شرکت دولتی را تشکیل داده می‌رویم سراغ قانونی که مجلس تصویب کرده برای آن و اساسنامه که یا مجلس و یا هیئت دولت یا هیئت وزیران آن را تصویب کرده است). حال اگر قانون خاص راجع به اداره آن حرفی نزنده باشد اساسنامه هم حرفی نزنده باشد (در موارد سکوت) تابع لایحه اصلاحی قانون تجارت هستند یعنی قانون برای شرکت‌های سهامی **(پایان لایحه اصلاحی)**.

ماده ۹۴ قانون تجارت: شرکت با مسئولیت محدود

مسئولیت شرکا در شرکت با مسئولیت محدود بابت دیون شرکت

مسئولیت شرکا محدود به آورده هر شریک است: اگر من شریک آورده ام ۱۰۰ هزار تومان بوده اگر من ۱۰۰ هزار تومان را به حساب شرکت ریخته ام دیگر من مسئولیتی ندارم و نمی‌توانند دوباره ۱۰۰ هزار تومان از من بگیرند یعنی غیر از آورده آن شریک که آن را نیز علی‌الاصول یا علی‌القاعده تحویل داده وجه دیگری بابت دیون شرکت از وی اخذ نمی‌شود.

موارد مسئولیت تضامنی در شرکت با مسئولیت محدود (۴ استثناء)

- ۱- اگر در نام شرکت عبارت با مسئولیت محدود درج نشود شرکت در برابر اشخاص ثالث، شرکت تضامنی محسوب می‌شود (نص قانون). مفهوم منظور این است که شرکا بابت دیون شرکت با یکدیگر مسئولیت تضامنی خواهند داشت.
- ۲- اگر در نام شرکت نام یکی از شرکای شرکت درج شود وی بابت دیون شرکت شریک ضامن تلقی می‌گردد.
- ۳- در شرکت‌هایی با مسئولیت محدود شرکاء نسبت به مبلغی که آورده غیر نقد را به آن مبلغ تقویم کرده اند در برابر اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند (نص قانون) یعنی اگر آورده غیر نقدی بیش از قیمت واقعی تقویم

گردد شرکا نسبت به مازاد، مسئولیت تضامنی دارند. این مسئولیت تضامنی تا ۱۰ سال از تشکیل شرکت معتبر است.

۴- اگر شرکت با مسئولیت محدود باطل باشد شرکایی که بطلان منتسب به آنهاست و مدیران و هیئت نظاری که بر سرکار بوده اند اما انجام وظیفه نکرده و بطلان شرکت را اعلام نکرده اند در برابر سایر شرکا و اشخاص ثالث بابت خسارات ناشی از این بطلان مسئولیت تضامنی دارند.

نکته: مدت این مسئولیت تضامنی تا ۱۰ سال می باشد.

سؤال؟ کدام گزینه صحیح است؟

۱) اگر در نام شرکت با مسئولیت محدود درج نشده باشد طلبکاران شرکت فقط پس از انحلال شرکت حق مراجعه به شرکا را دارند.

۲) اگر در نام شرکت با مسئولیت محدود نام یکی از شرکا درج شود آن شرکت به شرکت مختلط غیر سهامی تبدیل می شود. در این حالت فقط آن شریک، شریک ضامن تلقی می گردد. شرکت تغییر ماهیت نمی دهد.

۳) اگر آورده غیر نقدی یکی از شرکا بیش از قسمت واقعی تقویم گردد فقط شرکایی که با این شیوه تقویم موافق بوده اند نسبت به قیمت آورده غیر نقد مسئولند. در این صورت همه شرکا بابت آن مبلغ مسئولیت تضامنی دارند.

۴) در شرکت با مسئولیت محدود در صورت درج نام یکی از شرکا در نام شرکت با مسئولیت تضامنی همه شرکا مواجه می شویم.

گزینه ۱) اگر در نام شرکت عبارت با مسئولیت محدود درج نشود مسئولیت شرکا شبیه شرکت تضامنی می شود یعنی مانند شرکت تضامنی پس از انحلال شرکت می توان به آنها مراجعه کرد.

تصمیم گیری در شرکت های با مسئولیت محدود

- ۱- تغییر تابعیت شرکت با مسئولیت محدود: با اتفاق آرای شرکا
- ۲- تغییر اساسنامه: منوط است به رضایت بیش از نصف شرکا که دارای حداقل $3/4$ سرمایه شرکت باشند.
- ۳- انتقال سهم الشرکه به غیر: منوط است به رضایت بیش از نصف شرکا که دارای $3/4$ سرمایه باشند + سند رسمی

- در این شرکت‌ها البته انتقال سرمایه به غیر نیازمند چنین اکثریت‌هایی می‌باشد. انتقال سرمایه به یکی از شرکا آزاد است.
- ۴- انحلال شرکت: موافقت دارندگان بیش از نصف سرمایه
- ۵- سایر تصمیمات: در جلسه اول به اکثریت لاقبل نصف سرمایه (به عبارت دیگر دارندگان حداقل نصف سرمایه)
- اگر در جلسه اول این تعداد حاضر نشدند در جلسه بعد تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌گردد. هرچند که دارای نصف سرمایه نباشد.

موجبات انحلال شرکت با مسئولیت محدود

همان چیزهایی که در همه شرکت‌ها مشترک است:

- ۱- منقضی شدن موضوع شرکت
- ۲- منقضی شدن مدت
- ۳- ورشکستگی
- ۴- تصمیم دارندگان بیش از نصف سرمایه
- ۵- اگر حداقل نصف سرمایه شرکت از بین رفته باشد و یکی از شرکا از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را نماید این شروط باید جمع باشند. ثالثاً دادگاه دلایل او را موجه بدانند و سایر شرکا حاضر به پرداخت سهم و اخراج او از شرکت نباشند.
- ۶- فوت یکی از شرکا اگر در اساسنامه پیش بینی شده باشد.

تایید فوت یا حجر یکی از شرکا در انحلال شرکت

- تضامنی / نسبی: فوت یا حجر هریک از شرکا موجب انحلال شرکت است (می‌توانند خلاف آن تصمیم بگیرند).
- شرکت‌های مختلط غیر سهامی: فوت یا حجر هریک از شرکای ضامن موجب انحلال شرکت است.
- شرکت مختلط سهامی: فوت یا حجر هریک از شرکای ضامن اگر در اساسنامه پیش بینی شده باشد موجب انحلال شرکت است.
- شرکت با مسئولیت محدود: فوت یکی از شرکا اگر در اساسنامه پیش بینی شده باشد موجب انحلال شرکت است و از حجر حرفی زده نشده است.

مسئولیت شرکا در شرکت تضامنی

- تبدیل شرکت تضامنی به شرکت سهامی اثر قهقرایی ندارد (اثر نسبت به گذشته ندارد) یعنی مسئولیت شرکا بابت دیون قبلی شرکت همچنان یک مسئولیت تضامنی است.
- در شرکت تضامنی انتقال سهم الشرکه که اثر قهقرایی دارد (به عبارت دیگر شریک جدید بابت دیون قبل از ورودش در شرکت مسئول است شریک سابق دیگر مسئول نیست).

تهاتر در شرکت تضامنی

دو حالت ممکن است پیش بیاید:

- حالت اول: اگر شخصی از شرکت طلبکار باشد و به یکی از شرکا مدیون باشد (با فرض بعد از انحلال) پس از انحلال شرکت، دیون شرکت به شرکا سرایت پیدا می‌کند بنابراین ۲ دین در برابر هم قرار می‌گیرد و تهاتر رخ می‌دهد.
- حالت دوم: اگر شخصی از یکی شرکا طلبکار باشد و به شرکت مدیون باشد.
- با توجه به آنکه دیون شرکا به شرکت نمی‌رسند بنابراین تهاتر رخ نمی‌دهد.

ماده ۱۲۷ بعد از انحلال شرکت تضامنی نیز تا زمانی که دارایی شرکت تقسیم نشود می‌توان حکم ورشکستگی شرکت را صادر کرد چون شرکت تا قبل از ختم تصفیه دارای تخفیف حقوقی است. به عبارت دیگر، در شرکت‌های تجاری حتی پس از انحلال شرکت تا زمانیکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد می‌توان حکم ورشکستگی شرکت را صادر کرد.

ماده ۱۲۸ ورشکستگی شرکت ملازمه با ورشکستگی شرکا ندارد (ملازمه یعنی وقتی این اتفاق بیفتد خود به خود آن اتفاق هم بیفتد می‌گوییم فوت ملازمه با اثر بر می‌دارد) اما با جمع شرایطی می‌تواند به ورشکستگی شرکا منتهی شود.

بدین نحو که اگر آن شرکا تاجر باشند و پس از ورشکستگی شرکت به ایشان رجوع کنیم ولی ایشان نتوانند دیون مزبور را بپردازند موجب ورشکستگی آنها خواهد بود.

ورشکستگی شرکا نیز ملازمه با ورشکستگی شرکت ندارد اما با جمع شرایطی که بیان خواهد شد می‌تواند موجب انحلال شرکت تضامنی شود.

تصمیم‌گیری در شرکت تضامنی

برای تصمیم‌گیری در شرکت تضامنی در ۴ مورد عبارت اتفاق آراء وجود دارد:

- ۱- انتقال سهم الشرکه یکی از شرکا
 - ۲- تبدیل شرکت تضامنی به شرکت سهامی
 - ۳- انحلال شرکت تضامنی
 - ۴- اگر یکی از شرکا بخواهد تجارتي از نوع تجارت شرکت بنماید یا به عنوان شریک ضامن یا به عنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکتی که همان نوع تجارت را دارد وارد شود به اتفاق آرای شرکاست.
- در سایر تصمیمات به اساسنامه شرکت مراجعه می‌کنیم و اگر اساسنامه شرکت ساکت باشد به اکثریت آراء تصمیم گیری می‌شود توجه داشته باشید که در شرکت‌های تضامنی هر شخص یک حق رای دارد.

شرکت نسبی

احکام و قواعد نسبی همان احکام و قواعدی است که در شرکت تضامنی حکم فرماست و تفاوت آن در میزان مسئولیت شرکاست. به عبارت دیگر در شرکت نسبی هریک از شرکا به نسبت سهم الشرکه ای که از کل سرمایه شرکت دارد عهده دار دیون شرکت است.

شرکت مختلط غیر سهامی

ترکیبی از شریک یا شرکای ضامن + شریک یا شرکای با مسئولیت محدود
موجبات انحلال شرکت‌های تضامنی- نسبی- مختلط غیر سهامی

- ۱- منتفی شدن موضوع شرکت
- ۲- انتقضای مدت
- ۳- ورشکستگی
- ۴- اتفاق آراء شرکا: البته در شرکت مختلط

شرکت مختلط غیر سهامی

ترکیبی است از شریک یا شرکای ضامن + شریک یا شرکای با مسئولیت محدود
موجبات انحلال شرکت‌های تضامنی- نسبی- مختلط غیر سهامی

- ۱- منتفی شدن موضوع شرکت

- ۲- انقضای مدت
- ۳- ورشکستگی
- ۴- اتفاق آراء شرکا: البته در شرکت مختلط غیر سهامی، اتفاق آراء شرکای ضامن ملاک عمل است.
- ۵- اگر یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند و دادگاه دلایل او را موجه بداند (البته اگر این دلایل به همان شریک باشد و سایر شرکا حاضر شوند که سهم او را بپردازند دادگاه به جای انحلال حکم به اخراج آن شریک صادر می‌کند).
- ۶- فسخ شرکت توسط یکی از شرکا به شرط آنکه: این حق در اساسنامه سلب نشده باشد و اعمال آن ناشی از قصد اصرار نباشد و شریک حداقل ۶ ماه قبل قصد خود را مبنی بر فسخ کتبا به شرکا اعلام کند.
- ۷- ورشکستگی یکی از شرکا: در این صورت اداره تصفیه یا مدیر تصفیه می‌تواند کتبا قصد خود را مبنی بر انحلال شرکت به شرکا اعلام کند. شرکت ۶ ماه فرصت دارد تا وی را از این قصد منصرف کند در غیر این صورت دادگاه به دادخواست مدیر تصفیه یا اداره تصفیه حکم انحلال را صادر می‌کند.
- ۸- در صورت درخواست یکی از طلبکاران شخص هر یک از شرکا، در این حالت طلبکار مزبور باید به موجب اظهارنامه، قصد خود مبنی بر انحلال شرکت را به شرکا اعلام می‌کند. اگر ۶ ماه سپری شود و شرکت او را از این قصد منصرف نکند دادگاه به درخواست او حکم به انحلال شرکت صادر می‌کند مگر آنکه شرکای شرکت او را از این درخواست منصرف کنند.
- ۹- فوت یا محجوریت هر یک از شرکای ضامن: در این صورت بقای شرکت منوط به رضایت سایر شرکا و وراث متوفی یا قیم شخص محجور است. اگر وراث یا قیم تا یک ماه اراده خود مبنی بر انحلال شرکت اعلام نکنند این امر به منزله رضایت ایشان بر بقای شرکت است. اگر ایشان ظرف این یک ماه تقاضای انحلال شرکت را بنماید نسبت به منافع مدت سپری شده سهم اند (شریک اند) اما نسبت به زیان‌های این مدت سهم نیستند.
- سؤال؟) کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- طلبکاران شخصی یکی از شرکا در شرکت مختلط غیر سهامی نمی‌توانند تقاضای انحلال شرکت را به عمل آورند هم طلبکاران شرکای ضامن و هم طلبکاران شرکای با مسئولیت محدود می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا کنند.
- ۲- در صورت ورشکستگی یکی از شرکای با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی، موجبات انحلال شرکت فراهم می‌شود. چه در ورشکستگی شرکای ضامن و چه ورشکستگی شرکای با مسئولیت محدود، به مدیر تصفیه ایشان اجازه در خواست انحلال شرکت را می‌دهد.
- ۳- فوت یکی از شرکای ضامن در شرکت مختلط غیر سهامی در صورتی موجب انحلال شرکت است که این امر در اساسنامه پیش بینی شده باشد. در شرکت مختلط سهامی فوت یا محجوریت نیاز به پیش بینی در اساسنامه دارد.

۴- ورشکستگی یکی از شرکا در شرکت تضامنی از موجبات ورشکستگی (انحلال نه ورشکستگی) شرکت است.

شرکت مختلط سهامی

ترکیبی از یک یا چند شریک ضامن + عده ای شرکای سهامی

شرکت مختلط غیر سهامی: اداره شرکت با شریک یا شرکای ضامن است بدین معنا که مدیر را شرکای ضامن برمیگزینند. حال ممکن است ایشان خود مدیریت را عهده دار شوند یا آنکه شخص دیگری را به مدیریت انتخاب کنند.

در شرکت مختلط سهامی: مدیریت شرکت با شریک یا شرکای ضامن است (نص قانون) ولی منظور از این مدیریت هم اداره بوده است (ولی در تست همان نص قانون را می‌زنیم).

نظارت در شرکت‌های مختلط

- نظارت در شرکت مختلط غیر سهامی: شرکای با مسئولیت محدود حق در اداره شرکت ندارند ولی می‌توانند بر اعمال مدیران نظارت کنند (هر شریک منفرداً حق اعمال این نظارت را دارد).
- نظارت در شرکت مختلط سهامی: از بین شرکا هیئتی به نام هیئت نظار برای نظارت بر اعمال مدیران انتخاب می‌شود.

هیات نظار

- ۱- در ۲ شرکت هیئت نظار داریم
 - شرکت با مسئولیت محدود با تعداد شرکای بیش از ۱۲ نفر
 - شرکت مختلط سهامی
- ۲- هیئت نظار حداقل ۳ نفر هستند.
- ۳- اعضای هیئت نظار لزوماً باید از بین شرکا باشند.
- ۴- مدت مأموریت هیات نظار تابع اساسنامه می‌باشد اما اولین هیات نظار باید برای یک سال انتخاب شوند.
- ۵- هیات نظار باید مجمع عمومی سالیانه شرکا را دعوت کنند (در این دو شرکت مدیران عهده دار دعوت از مجمع نیستند).
- ۶- اولین هیات نظار باید بررسی کند که آیا شرکت طبق قانون تشکیل شده یا خیر؟
کدام گزینه صحیح است؟

- ۱- در شرکت تضامنی وجود هیات نظار اختیاری است. در آن دسته از شرکتهای تجاری که هیات نظر الزامی نیست شرکا مخیرند که هیات نظار را تشکیل دهند.
- ۲- در شرکت نسبی تشکیل هیات نظار امکان پذیر نیست (میشود در اساسنامه مقرر کرد).
- ۳- اگر در شرکت با مسئولیت محدود هیئت نظار نباشد دعوت از مجمع سالیانه برعهده مدیران است. در شرکت با مسئولیت محدود که هیات نظار داشته باشیم آن هیات باید مجمع سالیانه شرکا را دعوت کند و اگر نداشته باشیم مجمع سالیانه الزامی نیست.
- ۴- همه موارد.

موجبات انحلال شرکت مختلط سهامی

- ۱- منتفی شدن موضوع شرکت
- ۲- انقضای مدت شرکت
- ۳- ورشکستگی شرکت
- ۴- تصمیم مجمع عمومی شرکا اگر در اساسنامه این حق برای آن مجمع پیش بینی شده باشد.
- ۵- تصمیم مجمع عمومی شرکا + رضایت شرکای ضامن
(اگر در اساسنامه برای مجمع حق انحلال پیش بینی شده باشد نیاز به رضایت شرکای ضامن نیست ولی اگر چنین حقی پیش بینی نشده باشد انحلال شرکت منوط به رضایت شرکای ضامن است).
- ۶- اگر در اساسنامه برای مجمع حق انحلال پیش بینی نشده باشد و بین مجمع و شرکای ضامن راجع به انحلال اختلاف بیافتد یعنی شرکای ضامن با انحلال موافقت نکنند اگر دادگاه تقاضای طرفداران انحلال را موجه بداند حکم به انحلال صادر می کند.
- ۷- اگر یکی از شرکای ضامن از دادگاه تقاضای انحلال کند و دادگاه دلایل او را موجه بداند.
- ۸- فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن اگر در اساسنامه پیش بینی شده باشد.

شرکتهای شبه تضامنی (تضامنی عملی) ۲۲۰

چند شخص با مشارکت یکدیگر اعمال تجاری انجام می دهند بدون اینکه در قالب یکی از شرکتهای تجاری ثبت شده باشد، ایشان در برابر اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب می شوند (در قانون گفته) به عبارت دیگر مسئولیت ایشان بابت دیون شرکت یک مسئولیت تضامنی است.

دلالی

- ❖ واسطه‌گری برای پیدا کردن طرف معامله در ازای دریافت اجرت آژانس املاک (در بنگاه مشتری‌گیری ساده برای مشتری بایع)
- ❖ طرفین قرارداد دلالی عبارت است از: آمر و دلال
- ❖ دلالی در موارد سکوت قانون تابع احکام عقد وکالت است.
- ❖ دلالی، حق العمل کاری و قرار داد حمل و نقل، در موارد سکوت قانون تجارت تابع احکام عقد وکالت است.
- ❖ دلالی قراردادی معوض است (با اینکه وکالت میتونه معوض باشد میتواند غیر معوض ولی در اینجا دلالی معوض است) در اینجا قانون سکوت نکرده و گفته در ازای دریافت اجرت.
- ❖ دلالی عقدی جایز است (چون در اینجا قانون سکوت کرده) عقد جایز اذنی است.

تعهدات دلال ۳۳۹ ق.ت

- ❖ تعهد دلال برای حفظ اموال و اسنادی که به او سپرده شده است تعهد به نتیجه است. یعنی مسئول هرگونه تلف یا نقص آنها می‌باشد مگر آنکه ثابت کند این تلف یا نقص منتسب به او نیست یعنی ثابت کند که ناشی از قوه قاهره است. ید دلالی ید امانی است اما تعهدش تعهد به نتیجه است (امین بودنش بر خلاف قانون مدنی است).
- ❖ دلال می‌تواند در چند رشته دلالی کند.
- ❖ دلال می‌تواند برای چند آمر دلالی کند اما در این صورت باید این موضوع را به آمر اطلاع دهد.
- ❖ دلال مسئول اجرای تعهدات ناشی از معامله نیست مگر آنکه یکی از این ۲ اتفاق بیفتد.
 - ✓ ضمانت یکی از طرفین را به عمل آورد
 - ✓ در نفس معامله با آمر خود سهیم باشد که در این صورت به نحو تضامنی با آمر خود مسئول اجرای تعهدات ناشی از آن معامله خواهد بود.
- ❖ دلال مسئول اعتبار متعاملین نیست اما مسئول امضاهایی که توسط او از متعاملین اخذ می‌شود هست: توضیح این جمله که دلال مسئول اجرای تعهدات ناشی از معامله نیست (دلال ضامن طرف نیست) یعنی نمی‌شود که در آژانس املاک برویم به طرف بگوییم این چه مشتری بود برایم گیر آوردی مگر حالا شرط خلف شود.
- ❖ دلال مسئول
 - ✓ اعتبار متضامین نیست. فقط مسئول امضاهاست.

✓ اجرای تعهدات ناشی از معامله نیست.

❖ دلال مسئول اعتبار متعاملین نیست اما مسئول اصالت امضاهایی که توسط او از متعاملین اخذ می‌شود هست. یعنی مثلاً مستاجر و موجر را نمی‌بیند و بالعکس امضای هر دو نزد دلال انجام می‌شود و دلال مسئول صحت امضای دو طرف است مثلاً اگر فروشنده مالک نبوده و خود را به عنوان مالک در بنگاه معاملات معرفی کرده است.

اجرت دلال

- ❖ دلال وقتی مستحق دریافت اجرت است که معامله با وساطت او منعقد شود.
- ❖ اجرا یا عدم اجرای معامله تاثیری در اجرت دلال ندارد.
- ❖ انحلال قرارداد (انحلال ممکن است فسخ باشد یا اقاله یا انفساخ قهری) تاثیری در اجرت دلال ندارد و دلال همچنان مستحق اجرت است مگر آنکه انحلال این قرارداد منتسب به دلال باشد (مثلاً بیاید فرد را فریب دهد که خیار تولید ایجاد می‌کند) برای مثال ناشی از تبانی دلالی با یکی از طرفین و فریب دادن طرف مقابل باشد.
- ❖ در معاملات معلق: دلال در زمان حصول معلق علیه، مستحق اجرت است.
- ❖ در معاملات موجل: دلال در زمان انعقاد عقد مستحق اجرت است (چون در این معاملات فقط انجام معامله موجل است و آثار آن در زمان انعقاد عقد می‌آید).
- ❖ اگر مشروط شده باشد یا عرف تجارتهی محل حکم کند دلال مستحق اخذ مخارج است حتی اگر معامله سر نگیرد.
- ❖ با توجه به آنکه دلال در زمان پس از انعقاد عقد مستحق دریافت اجرت می‌شود بنابراین برای دریافت اجرت حق حبس ندارد.

حق العمل کاری

انجام معامله به نام خود و به حساب دیگری در ازای دریافت اجرت را گویند. در موارد سکوت قانون بایع احکام عقد وکالت است: حق العمل کار در مقابل امر (وکیل) در مقابل ثالث اصیل طرفین این قرارداد (خود قرار داد حق العمل کاری): آمد- حق العمل این قرار داد معوض است. این قرار داد جایز اذنی است.

تعهدات حق العمل کار

حق العمل کار حق فروش به نسیه را ندارد مگر آنکه صریحا به او اذن داده باشیم یا آنکه عرفا چنین اذنی موجود باشد (مثل خرید و فروش عمده که عرف براین است که پرداختها نقدی نیست و نسیه است).

اگر کالایی برای فروش به حق العمل کار سپرده شود و او به کمتر از قیمتی که امر تعیین کرده بفروشد این قرارداد صحیح است اما بابت مابه تفاوت مبلغ مسئول است مگر آنکه ثابت کند از ضرر بیشتری جلوگیری کرده است و تحصیل اجازه امر در موقع مقرر نبوده است.

اگر حق العمل کار کالایی را بیش از قیمت تعیینی آمد بفروشد ما به تفاوت مبلغ یا مازاد قیمت همچنان متعلق به امر است نه حق العمل کار.

اجرت حق العمل کار

۱- معامله منعقد و انجام شود (اجرا شود) در این حالت حق العمل کار مستحق اجرت المسمی است به نام کمیسیون (نام دیگرش حق العمل)

۲- عدم انجام معامله ناشی از فعل امر باشد در این حالت هم حق العمل کار مستحق اجرت المسمی است.

۳- عدم انجام معامله ناشی از سایر عوامل باشد (نه ناشی از فعل امر نه ناشی از عمل حق العمل کار مثلا ناشی از دیگر عوامل باشد در این حالت حق العمل کار مستحق اجرت المثل است).

۴- عدم انجام معامله ناشی از فعل حق العمل کار باشد مستحق چیزی نیست.

• حق العمل کار نسبت به انعقاد معامله حق حبس ندارد یعنی نمیتواند تا قبل از دریافت اجرت معامله از انعقاد معامله خودداری کند اما نسبت به تحویل اموال و جوه موضوع حق العمل کاری به امر حق حبس دارد یعنی می تواند تا قبل از دریافت اجرت از تحویل این اموال و جوه به امر خودداری کند.

معامله حق العمل کار با خود (ماده ۳۷۳)

مال موضوع حق العمل کاری و وظیفه بوری و بازاری دارد: در این حالت حق العمل کار می تواند خود طرف معامله قرار گیرد مگر اینکه به شرط خلاف شده باشد. زیرا به او اتهام نمیزنند که چون مال را برای خودش می خواسته است ارزان فروخته است چون قیمت آن مشخص است و وظیفه بوری و بازاری دارد.

یا مال موضوع حق العمل کاری مظنه بوری و بازاری ندارد. در اینجا حق العمل کار نمی تواند خود طرف معامله قرار گیرد مگر آنکه شرط خلاف شده باشد.

اگر حق العمل کار خود طرف معامله قرار گیرد تاثیری در اجرت او ندارد و همچنان مستحق دریافت اجرت است. اگر آمر از حق العمل کاری رجوع کند و حق العمل کار از این رجوع مطلع گردد در حالیکه هنوز خبر انعقاد هیچ معامله ای را برای آمر ارسال نکرده است دیگر نمی تواند خود به عنوان طرف معامله قرار گیرد ۲ حالت است: معامله برای دیگری بوده که دیگر ایجاد شده و منتفی نمیشود. معامله با خودش بوده که منفسخ می شود.

به عبارت دیگر اگر حق العمل کار با خود معامله کرده باشد و خبر معامله را برای آمر ارسال نکرده باشد و سپس آمر رجوع کند و حق العمل کار از این رجوع مطلع شود در این صورت معامله حق العمل کار با خود منفسخ می شود.

فرق رجوع با حق فسخ

در عقد قبل از انعقاد قرارداد (در مرحله ایجاب و قبول) رجوع داریم ولی بعد از عقد حق فسخ داریم (نه رجوع). در ایقاعات چه قبل از ایقاع و چه بعد از ایقاع رجوع داریم مثل: رجوع ابراء- رجوع از طلاق رجوع قائم به شخص و حق فسخ قائم به شخص نیست.

رجوع به ارث نمی رسد حق فسخ به ارث می رسد.

رجوع آمر از قرارداد حق العمل کاری چه تاثیری در قراردادی دارد که حق العمل کار منعقد کرده است؟

۱- موجب انفساخ آن می شود.

۲- علی الصول موجب انفساخ آن می شود.

۳- علی الاصول موجب بطلان آن می شود.

۴- در مواردی موجب انفساخ آن می شود.

جواب = گزینه ۴ رجوع آمر از حق العمل کاری هیچ تاثیر در قراردادی که حق العمل کار قبل از این رجوع منعقد کرده ندارد مگر آنکه حق العمل کار با خود معامله کرده و خبر معامله را برای آمر ارسال نکرده باشد که در این صورت معامله منفسخ خواهد شد که این حالت یک استثناء است و گزینه علی الاصول ناظر به موارد بیشتر است.

کدام گزینه صحیح است؟

۱- اگر معامله به واسطه عوامل خارجی منعقد نشود دلال مستحق اجرت المثل است. استحقاق دلال برای اجرت منوط به انعقاد قرارداد است. اگر در این گزینه به جای دلال می گفت حق العمل کار درست بود.

- ۲- دلال و حق العمل کار برای دریافت اجرت حق حبس ندارد. حق العمل کار حق حبس دارد.
- ۳- صرف انعقاد در معامله دلال و حق العمل کار را مستحق دریافت می‌کند برای آنکه حق العمل کار مستحق اجرت شود باید معامله انجام شود.
- ۴- ید دلال و حق العمل کار نسبت به اموالی که به آنها سپرده شد امانی است.

گزینه ۴ صحیح است.

قرارداد حمل و نقل

- حمل اشیاء در ازای اجرت (در ازای دریافت اجرت)
- قرارداد حمل و نقل یک قرارداد معوض است و موضوع آن حمل اشیاء است (به عبارت دیگر موضوع مقررات این فصل در خصوص حمل اشیاء است) (تصدی به حمل و نقل بنا بر بند ۲ ماده ۲ ق.ت. عمل تجاریست چه موضوع آن اموال باشد چه اشخاص)
- در موارد سکوت قانون تابع احکام عقد وکالت است.
- یک قرارداد جایز است.
- حمل و نقل در حقوق تجارت تابع عقد وکالت است و در حقوق مدنی تابع اجاره شخص است.
- مسئولیت خسارات ناشی از عیوب عدل بندی (یا بسته بندی)

بسته بندی کالا برعهده ارسال کننده است بنابراین خسارت ناشی از عیوب عدل بندی نیز برعهده ارسال کننده کالا است. مگر در موارد ذیل که این خسارت برعهده متصدی حمل خواهد بود (مثلا کالا شیشه ای بوده و درست بسته بندی نشده و شکسته است) مگر:

- ۱- اگر شرط خلاف شده باشد.
- ۲- اگر عدل بندی توسط خود متصدی حمل انجام شود.
- ۳- اگر عدل بندی، عیوب ظاهر داشته باشد و متصدی حمل بدون مشروط عدم مسئولیت آن را بپذیرد (عیوب آشکار داشته است).

خسارات ناشی از حمل و نقل (غیر از خسارات ناشی از عیوب عدل بندی)

خساراتی که در جریان حمل به کالا وارد می‌شود برعهده متصدی حمل است مگر آنکه این خسارت منتسب به او نباشد
یعنی ماده ۳۸۶

- ۱- ناشی از جنس مال التجاره
 - ۲- تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه
 - ۳- تعلیمات و دستورات ایشان (ارسال کننده)
 - ۴- عواملی باشد که هیچ متصدی مواظبی نتواند جلوگیری کند (قوه قاهره)
- تعهد متصدی حمل برای حفاظت از کالا تعهد به نتیجه می باشد.

مسئولیت متصدی حمل و نقل در خصوص خسارات وارده به کالا

در حقوق تجارت (۳۸۸-۳۸۶)

مسئول است مگر آنکه ثابت کند خسارت منتسب به او نیست.

در حقوق مدنی (۵۱۶)

مسئول نیست مگر آنکه بتوانیم تعدی یا تفریط او را ثابت کنیم.

قانون تجارت ناظر به حالتی است که تصدی به حمل صدق می کند یعنی اینکه عمل شخص دارای تکرار و استمرار است و در قالب تشکیلاتی مانند بنگاه انجام می شود. اما قانون مدنی ناظر به مواردی است که شخص اقدام به حمل و نقل می کند بدون آنکه تصدی به معنای تجاری کلمه رخ داده باشد.

شخصی کالایی را برای حمل به یک شرکت حمل و نقل می سپارد اگر خسارتی به این کالا وارد شود چه کسی مسئول است؟

مالک کالا فقط می تواند به شرکت مراجعه کند و نیاز به اثبات تقصیر شرکت نیست.

علاوه بر رجوع به شرکت، مالک کالا می تواند با اثبات تقصیر راننده به او نیز مراجعه کند.

مالک کالا فقط می تواند به راننده مراجعه کند و نیاز به اثبات تقصیر او نیست.

مالک کالا می تواند در صورت اثبات تقصیر شرکت یا راننده به هر یک از ایشان که بخواهد رجوع کند.

شرکت متصدی حمل است و مسئولیت او تابع قانون تجارت می باشد. بنابراین، بدون نیاز به اثبات تقصیر می توان به شرکت مراجعه کرد اما مسئولیت راننده تابع قانون مدنی است.

مرور زمان در دعاوی راجع به حمل و نقل:

- اگر کاملاً بدون هیچ قید و شرطی از متصدی حمل قبول شود و کرایه (دستمزد) آن نیز پرداخت شود دیگر علیه متصدی حمل هیچ دعوایی پذیرفته نیست مگر در خصوص تدلیس یا تقصیر عمده‌ی با آواری (خسارت ناشی از حمل) غیر ظاهر (یعنی آشکار نبوده)
- آواری غیر ظاهر باید ظرف مهلت متعارف یا نهایتاً ظرف ۸ روز به متصدی حمل اطلاع داده شود.
- مدت مرور زمان طرح دعوا خسارت علیه متصدی حمل یک سال می‌باشد. اگر کالا را تحویل نداده باشد این یک سال از تاریخی که برای تحویل مقرر بوده آغاز می‌شود و اگر کالا را به صورت آسیب دیده تحویل داده باشد یک سال از تاریخی آغاز می‌شود که کالا را تحویل داده است.

سؤال؟ متصدی حمل در انجام تعهدات خود تأخیر می‌کند. مرور زمان طرح دعوی خسارت بابت این تأخیر به چه میزان است؟

- ۱- یک سال از تاریخی که برای تحویل کالا مقرر بوده است.
- ۲- یک سال از تاریخ تحویل کالا
- ۳- ۸ روز از تاریخ تحویل کالا
- ۴- مرور زمان ندارد.

گزینه ۴- مرور زمان یک ساله فقط در خصوص دعوی خسارت ناشی از حمل و نقل جاریست و در خصوص سایر دعاوی حمل و نقل مرور زمان نداریم.

قرارداد حمل یک قرارداد جایز است (قابل فسخ).

فسخ قرارداد از جانب ارسال کننده بدین نحو است که وی می‌تواند با پرداخت مخارجی که متصدی حمل هزینه کرده و خسارت او (ماده ۳۸۲) از قرارداد حمل رجوع کند غیر از موارد زیر که در این موارد ارسال کننده حق رجوع ندارد:

- ۱- اگر ما التجاره به مرسل الیه تسلیم شده باشد.
- ۲- اگر کالا به مقصد رسیده و متصدی حمل از مرسل الیه در خواست کرده باشد که کالا را تحویل بگیرد.
- ۳- اگر کالا به مقصد رسیده و مرسل الیه از متصدی حمل در خواست کرده باشد که کالا را تحویل دهد.
- ۴- اگر ارسال کننده برنامه صادر کرده و توسط متصدی حمل این برنامه به مرسل الیه تسلیم شده باشد.
- ۵- اگر متصدی حمل به ارسال کننده رسیدی داده باشد و او نتواند این رسید را بازپس دهد.

سؤال؟ کدام گزینه در خصوص فسخ قرارداد حمل صحیح است؟

- ۱- هر یک از ارسال کننده و مرسل الیه حق فسخ این قرارداد را دارند.
- ۲- هر یک از ارسال کننده مرسل الیه و متصدی حمل حق فسخ آن را دارند.

- ۳- فسخ آن از جانب ارسال کننده یک عمل حقوقی تشریفاتی است.
- ۴- ارسال کننده علی الاصول حق فسخ آن را ندارد اما متصدی حمل، حق فسخ آن را دارد. ارسال کننده جز در موارد استثنایی حق رجوع از قرارداد حمل دارد.

بنابر ماده ۳۸۲ رجوع از قرارداد حمل توسط ارسال کننده منوط به پرداخت مخارج و خسارات است. بنابراین یک عمل حقوقی تشریفاتی است.

سؤال؟ کدام گزینه در خصوص دعوی خسارت علیه متصدی حمل صحیح است؟

- ۱- باید ظرف ۸ روز خسارت را به او اطلاع دهیم و ظرف ۱ سال از انقضای این ۸ روز طرح دعوا کند.
- ۲- باید فوراً پس از مشاهده و نهایتاً ظرف ۸ روز خسارت را به او اطلاع دهیم و ظرف یک سال از انقضای این ۸ روز طرح دعوا کنیم.
- ۳- باید فوراً و نهایتاً ظرف ۸ روز خسارات را به او اطلاع دهیم و ظرف یک سال از تاریخ تحویل کالا علیه او طرح دعوا کنیم.
- ۴- باید نهایتاً ظرف ۸ روز خسارت را به او اطلاع دهیم و ظرف یک سال از تاریخی که برای تحویل مقرر بوده علیه او طرح دعوا کنیم.
- تحویل گیرنده کالا باید ظرف مهلت متعارف پس از مشاهده خسارات فوراً آن را اطلاع دهد و این اطلاع نهایتاً باید ظرف ۸ روز صورت بگیرد.

قائم مقامی تجاری ۳۹۵ تا ۴۰۱

- یعنی اینکه یک تاجر (حقیقی یا حقوقی) شخص دیگری را برای انجام تمام امور تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب (نماینده) خود کند.
- ممکن است ناظر به تجارتخانه یا یکی از شعب آن باشد.
- اختیارات قائم مقام عام است و محدود کردن اختیارات او در برابر اشخاصی که از آن مطلع نبوده اند قابل استناد نیست. (ماده ۳۹۶)
- قائم مقام ممکن است کتبا یا عملاً داده شود.
- قائم مقام نیاز به ثبت رسمی ندارد اما اگر ثبت شده و اعلان شده باشد عزل قائم مقام نیز باید ثبت و اعلان شود. در غیر اینصورت، در برابر اشخاصی که از آن مطلع نبوده اند قابل استناد نیست.

• قائم مقام حق تفویض قائم مقامی ندارد مگر شرط خلاف شده باشد اما می‌تواند برای انجام وظایف خود وکیل بگیرد مگر شرط مباشرت شده باشد (گفتیم تفویض و توکیل باهم متفاوتند).

• قائم مقام حق

✓ تفویض ندارد مگر شرط خلاف

✓ توکیل دارد مگر شرط مباشرت

در صورت تعدد قائم مقام تجاری ممکن است تصریح به استقلال یا اجتماع شود. در صورت اطلاق اصل بر استقلال به عبارت دیگر در قائم مقام تجاری اصل بر استقلال است مگر آنکه شرط اجتماع به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

موجبات زوال قائم مقامی (قائم مقام جایز است)

۱- عزل قائم مقام

۲- استعفای قائم مقام

۳- فوت یا حجر قائم مقام (قائم مقامی به ارث نمی‌رسد قائم به شخص است) اما فوت یا حجر رئیس تجارتخانه موجب زوال قائم مقامی نیست.

۴- ورشکستگی رئیس تجارتخانه

۵- انحلال یک شرکت تجاری (شخص حقوقی) که قائم مقامی داده است.

ضمانت

شخص دیون دیگری را بر عهده بگیرد.

نقل ذمه به ذمه: دین از عهده مدیون (مضمون عنه) برداشته شده و بر عهده ضامن قرار می‌گیرد.

ضم ذمه به ذمه: دین از عهده مدیون اصلی برداشته نمی‌شود بلکه ضامن نیز در کنار مضمون عنه متعهد می‌گردد (وثیقه شخصی)

عرضی (تضامنی) طلبکار می‌تواند به هریک از ضامن یا مضمون عنه یا هر دو ایشان رجوع کند.

طولی (وثیقه ای) طلبکار باید ابتدا به مضمون عنه رجوع کند و در صورت عدم پرداخت به ضامن مراجعه نماید.

در حقوق تجارت منظور ما از ضمانت، ضمانت تضامنی است.

قواعد ضمانت در حقوق تجارت

- پس از ضمانت وثیقه‌های قبلی به قوت خود باقی می‌ماند زیرا در اینجا ضمانت، ضمانت تضامنی است (در حقوق مدنی وثیقه‌های طلب از بین می‌روند).
- حال یا موجب بودن ضمانت تابع مفاد تراضی طرفین است اما ضمانت مطلق از دین محمول بر حال است و ضمانت مطلق از دین موجب محمول بر موجب است.
- اگر ضمانت موجب باشد ولی دین اصلی به دلیلی مانند فوت یا ورشکستگی مدیون اصلی حال شود در این صورت ضمانت حال نمی‌شود اما ضامن می‌تواند دین خود را به مضمون له پرداخت کند و مضمون له نمی‌تواند به بهانه موجب بودن ضمانت از قبول آن طلب خودداری کند.
- اگر ضامن در سررسید یا در صورت حال شدن دین بخواهد وجه دین را به مضمون له بپردازد و او قبول نکند ضامن خود به خود بری می‌شود (یعنی بدو نیاز به رجوع به حاکم)
- پس از پرداخت دین به طلبکار توسط ضامن اگر آن دارای وثیقه باشد این وثیقه‌ها از این پس در اختیار ضامن قرار می‌گیرند تا بتواند طلبی را که از مضمون عنه دارد از آن وثیقه‌ها وصول کند.
- اگر وثیقه‌های مندرج در بند فوق غیر منقول باشند آن وثیقه‌ها از این پس در رهن ضامن خواهد بود و شخصی که وثیقه‌ها متعلق به اوست (علی الاصول مضمون عنه چون ممکن است شخص ثالث رهن گذاشته باشد) مکلف است سند رهنی به نام ضامن تنظیم کند.

ماده ۲ ق صدور چک

سؤال؟ چک ----- است. (تست ارشد)

- ۱- سند رسمی
- ۲- سند عادی غیر تجاری
- ۳- در حکم سند رسمی
- ۴- سند نیست

گزینه ۳ صحیح است.

اگر در امتحان در گزینه گفتند سند از اسناد عادی در حکم لازم الاجرا است همین درسته اگر این گزینه نبود در امتحان ارشد حتی در کانون هم همین را می‌زنید که در حکم سند رسمی است.

سؤال؟ چک سندی ----- است؟ تست کانون (ماده ۲ ق صدور چک)

- ۱- در حکم سند عادی غیر لازم الاجرا

- ۲- در حکم سند رسمی
- ۳- سند عادی در حکم سند رسمی
- ۴- در حکم اسناد لازم الاجرا

سند تجاری

مزیت نسبت به سایر اسناد

۱- مسئولیت تضامنی دارد ۲۴۹ ق.ت

مسئولیت:

۱- فردی - منفردا - انفرادی

۲- حجمی

• مشترک (نسبی - بالسویه)

• تضامنی (طولی - عرضی)

بررسی مواد ۴۰۲ - ۴۰۳ بحث فوق العاده مهم ضمانت

ماده ۴۰۳ در حقوق تجارت ایران: اصل بر نقل ذمه است.

مسئولیت تضامنی، استثناء است. استثناء نیاز به تصریح قانون یا قرارداد دارد.

ماده ۴۰۳ (اگر مسئولیت تضامنی شد اصل بر عرضی بودنش است- مسئولیت طولی نیاز به تصریح دارد).

۲- صدور قرار تامین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی: بند ج ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م ماده ۲۹۲ ق.ت

- سند تجاری اگر واخواست شده باشد دارنده آن می تواند بدون تودیع خسارت احتمالی اموال بدهکار را توقیف کند (واخواست = ببرد مثلا برگشت بزند).
- و اگر واخواست نشده باشد باید خسارت احتمالی دهد.
- ماده ۲۹۲، اعتراض = واخواست
- آ.د.م گفته مکلف به قبول در خواست است.

اصل استقلال امضات

یعنی اینکه هرکسی در سند تجاری امضائی بکند امضای او مستقل از دیگران اعتبار دارد و اگر امضای او معتبر نباشد سایرین که سند تجاری را امضا کرده اند نمیتوانند به این اعتبار که شخص فاقد اهلیت، سند تجاری را امضا کرده از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند.

در سند تجاری هر مسئولی امضا کننده است ولی هر امضا کننده ای مسئول نیست.

در اسناد تجاری هرکسی که امضای سالم نکند علی الاصول مسئول است.

هر امضا کننده ای مسئول نیست مثلا شخص امضا کرده ولی مثلا ورشکسته بوده یا مثلا فرد امضا کرده ولی شاهد بوده است.

هر مسئولی امضا کننده است. استثناء دارد چک در وجه حامل وقتی امضا نکردی مسئول نیستی (ماده ۱۹ ق صدور چک)

مهمترین ماده قانون صدور چک ماده ۱۹

حقیقی (نماینده) این امضا کند صاحب حساب هم مسئول است.

حقوقی (صاحب حساب) شرکت که امضا نکرده ولی اسمش در ماده ۱۹ به عنوان مسئولین آمده است.

- نماینده معمولا مدیر عامل است اما اگر کس دیگری امضا نکند باز هم نماینده مدیر عامل - صاحب حساب (شرکت) مسئولند.
- مسئولین (امضا کننده-صاحب حساب (شرکت) - نماینده (مدیر عامل))

اوصاف اسناد تجاری

وصف تجریدی بودن (بسیار مهم)

یعنی اینکه وقتی یک سند تجاری بابت معامله ای صادر می شود. تعهد سند تجاری به مجرد صدور از تعهد پایه جدا می شود و یک تعهد مستقل است. وصف تجریدی بودن ۲ اثر مهم دارد:

- اصل عدم توجه به ایرادات (غیر قابل استناد بودن ایرادات)
- اصل استقلال امضات

اصل عدم توجه به ایرادات نسبت به دارنده:

ایراد یعنی هر چیزی که مسئول سند تجاری اعم از صادر کننده، ظهر نویس و ضامن به آن متوسل شده که وجه سند تجاری را نپردازد مثل اینکه شخص می گوید معامله پایه باطل بوده است یا معامله پایه فسخ شده است یا معامله پایه نامشروع بوده است یا معامله پایه اقاله شده است یا می گویند من اصلاً بدهکار نیستم.

ادعا چیست؟ ادعا یعنی اینکه مسئول سند تجاری مدعی مالکیت سند تجاری است. به طور مثال؛ چکی به صورت حامل صادر شده و در تصرف حسین است. ظهر سند، امضای ۲ نفر به عنوان ظهر نویس وجود دارد اگر دارنده سند نزدیکی از ظهر نویسان برد و ظهر نویس مدعی مالکیت نسبت به سند گردد به این می گویند ادعا.

اصل: غیر قابل استناد بودن ایرادات و ادعاهاست.

اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات در مقابل دارنده بود.

دارنده بر دو نوع است:

- دارنده با حسن نیت: دارنده ای است که زمان تحصیل سند از وجود ایراد مطلع نباشد و اینکه بعداً متوجه شود. به طور مثال اگر چکی بابت معامله نامشروع صادر شده باشد و این چک ظهر نویسی گردد دارنده آن دو حالت دارد:

یا زمان تحصیل سندی دارند که معامله نامشروع بوده (دارنده با سوء نیت) مثلاً قماربازی بوده است

یا نمیداند معامله نامشروع بوده که می شود دارنده با حسن نیت. این اصل برای حمایت از دارنده با حسن نیت است.

- دارنده با سوء نیت

اصل بر آن است که دارنده با حسن نیت بوده است. اصل عدم علم است. ماده ۳۰۵ ق.م.ا.ج.م. اصل را بر جاهل بودن گذاشته است.

اسناد تجاری

۲۲۳ تا ۳۳۴ + قانون صدور چک + قوانین متفرقه

سند

- رسمی

✓ لازم الاجرا هست. سند نکاح

✓ لازم الاجرا نیست. شناسنامه- گواهینامه

• عادی

✓ لازم الاجرا است. یک سند عادی که در حکم اسناد لازم الاجرا است. فقط چک ماده ۲ ق صدور

چک

✓ لازم الاجرا نیست.

سند لازم الاجرا: سندی که ثبت یک طلب است، ثبت یک تعهد است. حق دینی به وجود می آورد.

سند نکاح: سند رسمی لازم الاجرا است. ثبت طلب زوجه از زوج است.

۱۲۸۴ سند را تعریف کرده: سند عبارت است از نوشته ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد.

انواع سند:

✓ رسمی

• ثبت اسناد و املاک در این دفاتر فقط سند در خصوص اموال منقول و یا غیر منقول صادر می شود.

• دفاتر اسناد رسمی

• سایر مامورین رسمی در حدود صلاحیت و طبق قانون سند تنظیم کردند.

✓ عادی

دفتر ثبت اسناد و املاک: فقط اموال غیر منقول، سند مالکیت صادر می کند.

سند تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی: مثل بیع نامه (چه منقول و چه غیر منقول)

وکالت نامه

اجاره نامه

سایر مامورین رسمی: رئیس اداره ثبت یک مامور رسمی است، در صادر کردن شناسنامه اگر طبق قانون و در حدود صلاحیت اش سند تنظیم کند سند رسمی می شود.

مثال: رئیس اداره ثبت احوال مامور رسمی دولت در صدور شناسنامه است. طبق قانون اگر این مامور رسمی صالح در صدور شناسنامه در شهر تهران باشد ولی شناسنامه ای برای شهر اصفهان صادر کند چنین سندی رسمی نیست. طبق ماده ۱۲۹۳ ق. م این سند یک سند عادی است.

فواید تشخیص سند عادی از سند رسمی

فایده اول: سند رسمی سندی است که فقط می‌توان نسبت به آن ادعای جعل کرد. مدعی باید ثابت کند. در سند عادی می‌توان نسبت به آنهم ادعای جعل کرد و هم انکار و هم تردید.

فایده دوم: سند رسمی صدور قرار تامین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی

در سند عادی برای تامین خواسته باید خسارت احتمالی پرداخت شود. جز یک استثناء (بند ج ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م در مورد اسناد تجاری وخواست شده می‌توانیم بدون دادن خسارت احتمالی تامین خواسته بگیریم).

فایده سوم: قابلیت اجرای داشتن سند رسمی: اگر سند رسمی باشد لازم الاجرا هم باشد بدون مراجعه به دادگاه از طریق دایره اجرای ثبت، بدون مراجعه به دادگاه می‌توان وجه سند را مطالبه کرد. در قانون موجر و مستاجر از طریق اجرای ثبت ظرف یک هفته موجر می‌تواند دستور تخلیه را از دادگاه بگیرد.

نکته: اگر متعهد پرداخت سند مالی نداشته باشد مراجعه به اداره ثبت به نفع متعهد له سند نیست. چون کلی پول ازت میگیرند.

سند تجاری

قانون تجارت سند تجاری را تعریف نکرده است.

سند تجاری:

- سند تجارت در معنای عام: هر نوشته ای که معرف تعهدات تجاری باشد مثل قبض انبار- اوراق مشارکت- اوراق قرضه - بارنامه- ضمانت نامه‌های بانکی- سهام شرکت‌های سهامی- برات- سفته- چک- حواله‌های بانکیو..
- سند تجار در معنای خاص: اسناد تجاری باید ویژگی‌های خاص داشته باشند و جایگزین پول شوند تا به جای پول استفاده شوند. در این معنا سند تجاری سه عدد می‌شود. برات ۸۴ ماده - چک ۸ ماده - سفته ۳ ماده
- اسناد تجاری در معنای خاص (برات- سفته- چک)، سند عادی هستند. دفاتر تجاری هم همین طور سند عادی هستند.
- فقط چک در حکم اسناد لازم الاجرا است. چون یک سری از این اسناد رسمی بر آن بار می‌شوند.

هر اصلی استثناء دارد (استثنائات اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات به دارنده)

- ۱- ایراد عدم اهلیت: مسئول سند تجاری ایراد می‌گیرد که در زمان امضای سند تجاری اهلیت نداشته (فاقد اهلیت بوده) شخصی می‌گوید من زمان امضا اهلیت نداشتم مثلا مجنون بودم، ورشکسته بودم. در این صورت، ایراد در برابر دارنده با حسن نیت هم پذیرفته شده است.
- ۲- ایراد جعل در سند تجاری: مسئول سند تجاری در مقابل دارنده با حسن نیت ایراد می‌گیرد یعنی بر اینکه این امضا امضای او نیست (ادعای جعل می‌کند) این ایراد در برابر دارنده با حسن نیت پذیرفته شده است.
- ۳- ایراد تزویر در سند پس از امضا
- ۴- سند تجاری صادر شده که در آن تنها ۱۰۰۰، ۳ تا صفر بوده وقتی چک به نفر دیگر منتقل می‌گردد. اونیز ۳ تا صفر دیگر اضافه می‌کند به نفر بعدی نیز ۳ تا صفر دیگر اضافه می‌کند هر مسئولی می‌تواند نسبت به دارنده ایراد بگیرد. چه تنها در مقابل صفرهایی که امضا کرده مسئول است. ضامن هم سه تا صفر را ضامن است.

ایراد امضا توسط نماینده فاقد اختیار

نائب: نماینده است. منوب عنه: کسی که به نایب نمایندگی داده است.

اگر نماینده فاقد اختیار بوده و سند تجاری امضا کند منوب عنه او مسئول نیست.

ایراد در مقابل ید بلا فصل: (ید مستقیم یا بی واسطه)

ید بر دو نوع است:

- ید بلا فصل: ایراد در مقابل ید با فصل پذیرفته شده هست. یعنی در واقع اگر یک سند تجاری در معامله قمار بین طرفین رد و بدل گردد به جهت ماده ۶۵۴ ق.م قمار باطل دعاوی راجع به آن مسموع نیست ولی اگر سند تجاری که بابت قمار صادر شده به شخص ثالثی داده شود (ید با فصل).
 - ید با فصل: دو حالت پیش می‌آید یا زمان تحصیل سندی داشته که سند بابت قمار داده شده است که در این صورت ایراد در برابر مسموع هست یا در زمان تحصیل سند نمی‌دانسته که سند بابت قمار صادر شده که ایراد در برابر او مسموع نیست.
 - زیر نویس ۶ ماده ۶۵۴ از ق. م تست کانون
 - ایراد ارتباط چک و سفته و برات در برابر دارنده که از آن آگاه نبوده مسموع نیست. اگر آگاه بوده مسموع است.
 - استثنای بعدی: ایراد در خصوص شرایط شکلی سند (مندرجات الزامی)
- هر سند تجاری یک سری شرایط شکلی دارد که اگر آن شرایط رعایت نشود چنین سندی دیگر سند تجاری نیست اگر امضا یا مهر داشته باشد بهش می‌گویند سند عادی غیر تجاری اگر امضا یا مهر نداشته باشد دیگر سند نیست.

نکته تستی: یک سند داریم که اگر امضا نداشته باشد باز هم سند هست: دفتر تجاری شرایط شکلی در برات ماده ۲۲۳ آمده، در سفته در ماده ۳۰۸ آمده، در چک در ماده ۳۱۱ آمده است.

یک سری ایرادات پذیرفته شده نیست (ایرادات غیر قابل استناد):

- ۱- ایراد سرقت در سند تجاری: پذیرفته شده نیست. طبق ماده ۱۴ قانون صدور چک ذینفع، صادر کننده چک و قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک سرقت شده می‌تواند کتبا دستور عدم پرداخت بدهد بانک بعد از احراز هویت از پرداخت وجه خودداری می‌کند. دستور دهنده مکلف است ظرف یک هفته در مرجع قانونی اقامه دعوا کند و رونوشت آن را به بانک بدهد والا بانک به تقاضای دارنده وجه سند را می‌پردازد.
- ۲- ایراد فقدان سبب در سند تجاری: زیر نویس ۶ ماده ۶۵۴ مثالش است. ایراد فقدان سبب در مقابل دارنده با حسن نیت پذیرفته نیست مثلاً مانند جایی که چکی بابت معامله نامشروع صادر شده باشد این ایراد در مقابل دارنده با حسن نیت پذیرفته شده نیست.

وصف تنجیزی در اسناد تجاری

سند تجاری نزدیکترین وسیله به پول است طبق نظر دکتر کاتوزیان چک، برات، سفته وسیله پرداخت است نه پرداخت. سند تجاری باید بدون قید و شرط صادر شود. چون تنجیزی (منجز) یعنی باید منجز او بدون قید و شرط صادر شود (ماده ۳ قانون صدور چک). اگر در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شود بانک به آن ترتیب اثر نمی‌دهد ولی دادگاه به آن ترتیب اثر می‌دهد.

اگر در برات قبولی مشروط به شرط نوشته شود چنین براتی نکول شده محسوب می‌شود. ماده ۲۳۳ ق.ت (نباید مشروط نوشته شود چون وصف تنجیزی دارد).

برات	سفته	چک
قانون تجارت برات را تفویض نکرده است	سفته را قانون تجارت تعریف کرده است ۳۰۷	در ماده ۳۱۰ چک را تعریف کرده است در یک قانون صدور چک هم انواع چک را تعریف کرده است.
برات دستور پرداخت (برات کش صادر کننده و برات دهنده دستور دهنده برات گیر دستور مخاطب قبول کننده	سفته تعهد به پرداخت است.	چک هم دستور پرداخت است.

<p>دستور دهنده (صادر کننده چک) مخاطب دستور (محال علیه) ذینفع (دارنده چک) موضوع دستور (پرداخت وجه نقد) محال علیه در چک دو نوع است: طبق قانون تجارت محال علیه، هرکسی می تواند باشد مثل بانک یا حسن. طبق قانون صدور چک محال علیه چک باید بانک باشد (ماده ۲ قانون صدور چک) اعم از اینکه بانک ایرانی باشد یا شعب بانک های ایرانی در خارج</p>	<p>متعهد، متعهد له، موضوع تعهد (صادر کننده) (دارنده سفته) (رداقت وجه نقد) ماده ۳۰۷ ق نکته تستی: در برات معمولاً سه نفر دخالت دارند: صادر کننده، برات گیر، دارنده برات</p>	<p>ذینفع دستور، دارنده برات موضوع دستور پرداخت وجه نقد برات شبیه حواله است ولی با حواله فرق می کند در حواله اگر محال علیه قبول نکند عقد حواله واقع نشده اما در برات اگر محال علیه قبول نکند مهم نیست. سایر مسئولین سند تجاری مسئول پرداخت برات هستند.</p>
---	---	---

در اسناد تجاری موضوع سند پرداخت وجه نقد است. پس اگر موضوع سند تجاری پول نباشد چنین سندی سند تجاری نبوده اگر امضا یا مهر داشته باشد سند عادی غیر تجاری می شود. سند هست ولی سند تجاری نیست.

چک	سفته	برات
صدور چک: امضا	صدور سفته: امضا یا مهر	صدور برات: امضا یا مهر
بحث قبولی چک پیش نمی آید قبولی چک به منزله تایید وجه چک در بانک است.	بحث قبولی سفته پیش نمی آید (چون تعهد پرداخت است)	قبول برات: امضا یا مهر
صدور چک در وجه حامل داریم ۳۱۲	صدور سفته در وجه حامل داریم ۳۰۷	صدور برات در وجه حامل نداریم
صدور چک ذاتا عمل تجاری نیست.	صدور سفته ذاتا عمل تجاری نیست (در قانون تجارت نفی در این زمینه وجود ندارد).	معاملات برواتی ذاتا عمل تجاری است. معاملات برواتی یعنی صدور قبول برات ظهر نویسی برات ضمانت برات

		معاملات برواتی و معاملات شرکت‌های سهامی اگر موضوع، موضوع ماده ۲ نباشد. حکمتجاری است.
--	--	--

ظهر نویس برات: با امضا ضمانت برات: امضا قبولی برات امضا یا مهر ۲۲۸ = ۲۴۶

شرایط شکلی در اسناد تجاری

- شرایطی که اگر سند تجاری فاقد آن شرایط باشد این سند دیگر سند تجاری نیست. اگر امضا یا مهر داشته باشد بهش می‌گویند سند عادی غیر تجاری اگر امضا یا مهر نداشته باشد اصلا سند نیست.

در برات ۲۲۳

در چک ۳۱۱

در سفته ۳۰۷ و ۳۰۸

برات شرایط شکلی در تست: مندرجات الزامی

مندرجات ۲ حالت:

- الزامی (شرایط شکلی) ۲۲۳ - ۳۰۸ - ۳۱۱
- اختیاری علت صدور سند- مکان صدور سند مبلغ با تومان یا ریال مبلغ با حروف یا عدد تاریخ با حروف و عدد مجاز
- اختیاری ممنوع

اختیاری مجاز: در برات قید شود که اگر شخص برات‌گیر برات را قبول نکرد برویم سراغ شخص ثالث.

تبصره: مزایای اینکه علت صدور سند قید شود به قرار ذیل است: ۱- در چک اگر کلمه بابت نوشته شده باشد این چک دیگر مشمول مقررات کیفی نیست (جای بابت شماره چک را در قرار داد بنویسیم) ۲- اگر در سند تجاری علت پرداخت ذکر شود بعدا مسئول سند تجاری می‌تواند در مقابل دارنده ایراد بگیرد که به طور مثال چک بابت معامله نامشروع صادر شده (مثلا نوشته بابت قمار چک دادم).

مندرجات اختیاری ممنوع: شرایط پرداخت در سند تجاری. شرطی برای پرداخت ذکر شود.

ماده ۳ قانون صدور چک

ماده ۱۳ قانون صدور چک

ماده ۲۳۳ قانون تجارت

مشمول مقررات کیفری نیست.

۲۲۳ شرایط شکلی در برات: اولین شرط، امضا یا مهر

- برات علاوه بر امضا با مهر ۸ شرط دیگر باید داشته باشد جمعا می شود ۹ شرط
- این بند در ماده ۲۲۶ ضمانت اجرا ندارد اما آنقدر واضح است که سندی که امضا یا مهر نداشته باشد اصلا سند نیست که قانون گذار بخواهد برای آن ضمانت اجرا بیاورد. سندی که امضا یا مهر ندارد اگر قانون اجازه دهد سند می شود. مواد ۱۲۹۷ ق.م. ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴
- یک سندی هست که امضا یا مهر ندارد اگر قانون اجازه داد که سند محسوب شود دفتر تجاری است.
- یک دفتر تجاری داریم که دو تا امضا دارد (امضای نماینده اداره ثبت- امضای تاجر)
- یک دفتر تجاری داریم که اصلا امضا ندارد (دفتر کپیه)

دومین شرط: قید کلمه برات

- در قانون تجارت ضمانت اجرایی ندارد اما امروزه چون طبق قانون مالیات‌های مستقیم در سند چون عنوان سند به صورت چاپی قید شود قید کلمه برات دیگر ضروری نیست.
- نکته تستی: این بند (قید کلمه برات) فاقد ضمانت اجرا است.

شرط سوم: تاریخ تحریر: روز و ماه و سال

تاریخ تحریر از چند جهت اهمیت دارد:

- ۱- مشخص می کند که آیا در زمان صدور سند تجاری شخص اهلیت داشته یا نداشته است. ۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-
- ۲- در برخی موارد تاریخ تحریر، سررسید سند را مشخص می کند. اگر برات به وعده از تاریخ صدور باشد تاریخ صدور سررسید سند را مشخص می کند. به طور مثال، براتی صادر شده به وعده یک ماهه از تاریخ صدور. اگر تاریخ صدور ۹۵/۱/۱ ذکر شده باشد سررسید ۹۵/۲/۱ می شود.
- ۳- خیلی مهم- مرور زمان سند تجاری را مشخص می کند. گاهی اوقات دارنده سند تجاری باید از زمان صدور سند اقداماتی انجام دهد اگر این اقدامات را انجام ندهد سند تجاری مشمول مرور زمان می شود مواد ۲۷۴ و ۲۸۰ و ۳۱۸ ق.ت.

۴- اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون زمان صدورند. پس تاریخ تحریر به ما کمک می‌کند که قانون حاکم بر سند را مشخص کنیم. ۹۶۹

تبصره) تاریخ صدور با تاریخ تنظیم با هم فرق دارند. تاریخ صدور همان تاریخ تحریر است. ممکن است یک نفر یک براتی را در فروردین ماه تنظیم کرده باشد اما این برات را اردیبهشت ماه صادر کرده باشد. تاریخ تنظی: از مندرجات اختیاری سند است اگر نبود مهم نیست.

شرط چهارم: اسم شخصی که باید وجه برات را تأدیه کند (محال علیه): محال علیه ۲ حالت دارد حالت یک یا به صادر کننده بدهکار است. حالت دوم یا به صادر کننده بدهکار نیست. محال علیه تا زمانی که برات را قبول نکرده مسئولیتی ندارد. حتی اگر به صادر کننده بدهکار باشد اگر محال علیه سند را قبول کند مدیون اصلی سند تجاری می‌شود. اگر محال علیه سند را قبول نکند مدیون اصلی سند تجاری صادر کننده می‌شود.

- اگر محال علیه به صادر کننده بدهکار نباشد و با صادر کننده توافق کند که برات را قبول می‌کنم قبل از وعده وجه سند را به من برسان، به این برات برات سازشی می‌گویند. مثال: من بدهکارم به آقای حکیمی بعد به گودرزی حواله کنم می‌گویم آقا تو قبول کنی من قبل از وعده یک شب قبلش بهت پول را به تو می‌رسونم.
- نکته تستی: برات سازشی با برات رجوعی فرق دارد. برات سازشی در قانون تجارت ذکر نشده اما برات رجوعی در قانون تجارت در ماده ۲۹۸ ذکر شده است.

شرط پنجم: تعیین مبلغ برات

مبلغ برات باید به طور واضح قید شود این مبلغ میتواند با عدد باشد یا حروف. این مبلغ میتواند ارز خارجی باشد یا پول رایج مملکتی ۲۵۲ و ۲۵۳.

نکته مهم: اگر مبلغ برات با عدد و حروف نوشته شود و بین آن‌ها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است ولو اینکه مبلغ با حروف بیشتر باشد. ۲۲۵ قانون صدور چک.

نکته مهم: اگر مبلغ نوشته شود بین مبلغ اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است، اصل عدم زیاده اقل و اثر ارتباطی.

مبلغ با عدد نوشته شده یکی بیشتر یکی کمتر: مبلغ عددی کمتر ملاک است (هر ۲ با عدد بوده)

مبلغ نوشته با حروف یکی بیشتر یکی کمتر: حروف کمتر ملاک است (هر دو حروف بوده)

مبلغ نوشته شده با عدد و حروف: حروف معتبر است ولو اینکه بیشتر باشد (عدد و حروف)

۲۲۵ - ۵ قانون صدور چک (فوق العاده مهم)

نکته مهم: اگر در چک اختلاف مندرجات داشته باشیم یعنی یک مبلغ بیشتر و یک مبلغ کمتر، بانک وجه چک را نمی‌پردازد ولی اگر مبلغی که در بانک وجود دارد کمتر از مبلغ وجه چک باشد بانک مکلف است به تقاضای دارنده وجه چک را به او بپردازد.

نکته تستی: اگر چک، چک قانون تجارت باشد (یعنی محال علیه بانک نباشد) یا محال علیه بانک است اما چک وعده دار نیست.

اگر چک، چک قانون تجارت باشد (نه قانون صدور چک) بین مندرجاتش اختلاف باشد، طبق قانون تجارت مبلغ کمتر معتبر است ولی اگر چکی باشد که مشمول قانون صدور چک باشد بین مندرجاتش اختلاف باشد بانک این چک را پاس نمی‌کند مگر طبق ماده ۵ قانون صدور چک دارنده چک از بانک تقاضای پرداخت چک را نکند.

نکته تستی: چکی که محال علیه آن بانک نباشد: مشمول قانون صدور چک نیست (به این می‌گویند چک قانون تجارتی) (آن چک‌هایی که بیشتر دیده ایم مشمول قانون صدور چک است).

نکته تستی: اگر چکی محال علیه آن بانک باشد ولی چک وعده دار باشد این چک مشمول قانون صدور چک است چون در قانون تجارت حکمی پذیرفته شده که وعده دار نباشد.

چک

- محال علیه: بانک
- ✓ وعده دارد: مشمول قانون تجارت نیست چون قانون تجارت می‌گوید چک سند پرداخت حال است.
- ✓ وعده ندارد: ۳۱۱ ق.ت
- محال علیه بانک نیست.
- ✓ مشمول قانون صدور چک نیست.
- ✓ مشمول قانون تجارت است.

طبق ماده ۲۵۳ قانون تجارت: اگر به طور مثال حسن ۱۰۰۰ دلار به حسین قرض بدهد و حسین بابت قرضی که گرفته یک برات صادر کند و در برات ۴ میلیون تومان به عنوان مبلغ برات قید نماید این برات را در اختیار حسن قرار داده باشد و حسن آن را به رضا بدهد رضا آن را به علی بدهد علی از مسئولین سند تجاری فقط نوع پولی که در برات قید شده را می‌تواند بگیرد. یعنی ۴ میلیون تومان ولی حسن از حسین مخیر است پولی را که قرض داده بگیرد یعنی ۱۰۰۰ دلار یا پولی را که در برات قید شده یعنی ۴ میلیون تومان.

شرط ششم: تاریخ تأدیه وجه برات (اسم دیگرش سررسید برات)

تاریخ تأدیه برات به ۴ شکل

- به رؤیت: تادیدی بپرداز
- به وعده از رؤیت مثلاً ۶ ماه از تاریخ رؤیت بپرداز
- به وعده از تاریخ صدور مثلاً ۴ ماه پس از تاریخ صدور پرداخت گردد.
- به روز معین مثلاً روز مادر پرداخت گردد یا مثلاً ۲۳ بهمن ماه پرداخت گردد.
- اگر تاریخ تأدیه غیر از این ۴ تا باشد چنین سندی دیگر برات نیست سند تجاری هم نیست ولی اگر
- اگر امضا یا مهر داشته باشد: سند عادی غیر تجاری (سند تجاری نیست)
- اگر امضا یا مهر نداشته باشد (اصلاً دیگر سند نیست).

نکته: برات بی وعده در تست یعنی برات به رؤیت

نکته: اگر برات به وعده از رؤیت باشد محال علیه باید تاریخ رؤیت را قید کند. اگر محال علیه تاریخ رؤیت را قید نکند تاریخ صدور برات تاریخ رؤیت حساب می شود.

نکته: دربرات به وعده از رؤیت طبق ماده ۲۷۴ ق.ت ظرف یک سال از تاریخ صدور برات باید قبولی برات از برات گیر گرفته شود. اگر قبولی گرفته نشود در این صورت دارنده حق مراجعه به ظهر نویس ها و حق مراجعه به صادر کننده ای که وجه برات را به محال علیه رسانده ندارد.

نکته: روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است حساب نمی شود ۲۵۵ روز صدور و براتی که به وعده از تاریخ صدور است هم حساب نمی شود.

نکته: برات به وعده طبق ماده ۲۵۴ باید روز آخر وعده پرداخت شود. ۳ مکرر در قانون صدور چک = ۳۱۳ ق.ت

نکته: قید مکان صدور الزامی نیست (مندرجات اختیاری) اگر مکان صدور رابنویسی بعداً واسطه اقامه دعوا و صلاحیت ها به دردت می خورد).

شرط هفتم: مکان تأدیه وجه برات (با مکان صدور اشتباه نکنید) مکان تأدیه الزامی است.

مکان تأدیه

- می تواند محل اقامت محال علیه باشد.
- محل دیگری باشد اگر محل دیگری باشد طبق ماده ۲۳۴ ق.ت تصریح به مکان تأدیه الزامی است.

بند هشتم: اسم شخصی که برات در وجه یا به حواله کرد او پرداخت می شود. صدور برات در وجه حامل نداریم ولی صدور سفته در وجه حامل داریم. صدور چک هم در وجه حامل داریم ۳۱۲

اگر براتی در وجه حامل صادر شده باشد دیگر برات نیست ولی با ظهرنویسی می شود برات را به صورت حامل در آورد.

(مهم) مثال: شخص الف براتی را در وجه شخص ب عهده شخص ج صادر می کند. ب سند تجاری را امضا یا مهر می کند آن را منتقل می کند به د اما نام د در سند نمی نویسد. در این صورت با ظهر نویسی ب برات به صورت حامل در آمده است و شخص د می تواند بدون امضا آن را به دیگری منتقل کند.

سؤال؟ حسن براتی را در وجه حسین عهده شرکت تضامنی الف صادر می کند. حسین بدون ظهر نویسی برات را به شخص دیگری می دهد چنانچه سند موصوف با این وضعیت پس از شخص مذکور ۴ دست دیگر هم بگردد و سند در ید آقای کاظمی باشد در این صورت.....

- ۱- انتقال برات واقع شده و دارنده حق مراجع به ایادی ما قبل غیر از حسین را دارد.
- ۲- انتقال برات واقع شده و دارنده حق مراجعه به ایادی ما بعد صادر کننده را دارد.
- ۳- انتقال برات واقع نشده حسین تنها حق مراجعه به صادر کننده را دارد.
- ۴- هیچکدام

در این سؤال، حسین حق مراجعه به صادر کننده و محال علیه را دارد و انتقال برات از حسین به دیگران صورت نگرفته است چرا که طبق ماده ۲۴۶ ق.ت ظهر نویسی باید به امضای ظهرنویس برسد و در سؤال حاضر حسین اصلا سند را ظهر نویسی نکرده است.

تست: براتی به مبلغ یکصد میلیون تومان به عهده شرکت سهامی الف صادر شده است در صورتیکه دارنده برات به شرکت مراجعه کند

- ۱- مدیر عامل شرکت و شرکت متضامنا مسئول پرداخت وجه برات هستند.
- ۲- مدیر عامل شرکت در صورتیکه سند را به نمایندگی از شرکت قبول کرده باشد و آن را امضا نموده باشد مسئول پرداخت وجه برات است.
- ۳- علاوه بر گزینه ۲ شرکت نیز مسئول می باشد.
- ۴- تنها شرکت مسئول پرداخت وجه برات می باشد.

نکته: در تست حاضر، مدیر عامل به نمایندگی از شرکت برات را قبول کرده در این صورت موکل مسئول است (شرکت) جدول

شرط هشتم تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم الی آخر ... اگر برات در یک نسخه صادر شود این بند دیگر ضروری نیست.

ولی اگر برات در چند نسخه صادر شود و تصریح به اینکه نسخه چندم است ضروری است. فواید اینکه برات در چند نسخه صادر شود دربرات مفقود به درد می خورد. برای جلوگیری از مفقود شدن برات، برات را در چند نسخه صادر می کنند که اگر یکی از نسخ گم شد از روی نسخه های دیگر بشود برات را دریافت کرد. مواد ۲۵۹ تا ۲۶۴

نکته: ماده ۲۶۲ برات را در چند نسخه صادر شده اگر نسخه مفقود نسخه ای باشد که قبولی در آن نوشته شده، دارنده برات بعد از دادن ضامن به موجب امر دادگاه میتواند وجه برات را بگیرد اما در ماده ۲۶۳ به نظر می رسد برات در یک نسخه صادر شده چه این نسخه قبولی نوشته شده باشد چه قبولی نوشته نشده باشد دارنده می تواند برای گرفتن نسخ دیگر ضامن بدهد بعد از امر محکمه از روی نسخه های دیگر وجه سند را بگیرد.

۲۲۶ بند ۲ تا ۸ رعایت نشود این سند دیگر سند تجاری نیست.

نکات ۲۲۴

طبق این ماده، می تواند صادر کننده و دارنده یک نفر شود یعنی صادر کننده برات را به جای اینکه به حواله کرد نفر دیگر صادر کند برات را به حواله کرد خودش صادر می کند. به عبارت دیگر در این ماده برات دهنده و دارنده برات صادر کننده برات و دارنده برات دهنده برات و دارنده برات، یک نفر است.

در این ماده اگر صادر کننده و برات گیر یک نفر شده باشد چنین سندی دیگر برات نیست اگر سایر شرایط صحت را داشته باشد سفته می شود.

یکی از تفاوت های برات و سفته: که دربرات معمولاً سه نفر دخالت دارند استثناء ۲۲۴ در سفته دو نفر صادر کننده و دارنده دخالت دارند.

مهم ۲۲۷ سند تجاری اگر به نمایندگی صادر شود مسئول کیست؟ ۱۹۱ ق صدور چک در ماده ۱۹ ق صدور چک اکثر تست ها اینجوری طرح می شود که مدیر عامل به نمایندگی از شرکت چکی صادر کرده است.

نکته تستی: در تست باید دقت کنیم که اصولاً به چه سندی سؤال شده ثانیاً آیا بحث صدور سند است؟ ظهرنویسی سند است یا ضمانت سند است یا قبول سند است.

نام سند	صدور	ظهر نویسی	ضمانت	قبول
چک	هم مدیر عامل و هم شرکت	فقط شرکت	فقط شرکت	-
برات	فقط شرکت	فقط شرکت	فقط شرکت	فقط شرکت
سفته	فقط شرکت	فقط شرکت	فقط شرکت	-

قبول و نکول

- طبق ۲۸۸ قانون تجارت قبولی برات باید در خود برات به عمل آید (تئوری عمل به ظاهر)
- اگر قبولی در سند دیگری انجام شده باشد چنین قبولی، قبولی قانون تجارت محسوب نشده بلکه از شخص از جهت مدنی مسئول خواهد بود.
- قبولی برات در برات‌های مختلف با هم فرق می‌کند:
 - ۱- برات به رؤیت (بی وعده)
 - ۲- به وعده از رؤیت
 - ۳- به وعده از تاریخ صدور
 - ۴- به روز معین

در برات به رؤیت قبولی اصلاً لازم نیست چون به محض رؤیت باید پرداخت کنی اگر در برات به رؤیت، برات‌گیر برات را پرداخت نکرد ما اعتراض عدم تأدیه انجام می‌دهیم.

طبق ماده ۲۷۴ و ۲۷۷ قانون تجارت در برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت پرداخت برات (به رؤیت) و قبولی برات (به وعده از رؤیت) باید یک سال از تاریخ صدور برات انجام شود.

آثار قبولی

اثر اول: تعهد براتی جهت شخص برات‌گیر

قبول نکول دو حالت دارد:

- یا برات‌گیر به صادر کننده بدهکار است.
 - ✓ یا برات را قبول می‌کند که مسئول اصلی پرداخت می‌شود.
 - ✓ یا برات را قبول نمی‌کند که اصلاً مسئولیت تجاری ندارد.
- یا به صادر کننده بدهکار نیست
 - ✓ یا قبول می‌کند برات سازشی شبیه حواله بری که مسئول اصلی پرداخت است.
 - ✓ یا قبول نمی‌کند.

ولو اینکه برات‌گیر به صادر کننده بدهکار باشد الزامی به قبول برات نداریم.

هر موقع برات‌گیر قبول کند مسئول اصلی پرداخت است چه بدهکار باشد چه بدهکار نباشد.

اگر زمانیکه برات گیر بدهکار نیست هیچ مسئولیتی ندارد (مسئولیت تجاری نه مدنی)

اگر برات گیر بدهکار نبود از جهت تجاری مسئول نیست (از جهت مدنی مسئول)

قبول کننده حق نکول ندارد در تست می گویند قبولی برات یک عمل حقوقی لازم است (قبول کردی نمی تونی بزنی زیرش!) ۲۳۱

اثر دوم: قبول کننده ملزم است وجه برات را سرعده تأدیه کند.

اثر سوم: وقتی برات گیر برات را قبول می کند آماده برای اینکه براتکش از برات گیر طلبکار است (اماره قضایی)

اثر چهارم: قبولی برات ممکن است بر سایر تعهدات قبول کننده برات اثر حقوقی داشته باشد. ۲۳۸

قبولی برات با امضا یا مهر (مانند صدور برات)

هیچی نوشته امضا کرده: قبول

هیچی نوشته مهر کرده: قبول

نوشت دوست دارم امضا کرد: قبول

میگه قبول دارم امضا نکرد: نکول

می نویسد قبول دارم امضا یا مهر نکرد: نکول

هرچیزی که بنویسد و امضا و یا مهر کند: قبول

مگر صراحتاً بنویسد قبول ندارم چه امضا مهر کند چه امضا و مهر نکند: نکول

نوشته بدهکار نیستم امضا و مهر کرده: قبول

نکول بر دو نوع است:

✓ نکول در معنای خاص یعنی محال علیه صراحتاً نوشته که من برات را قبول ندارم (بهبش نکول واقعی نیز می گویند یا اینکه برات به برات گیر ارائه شده ظرف ۲۴ ساعت هنوز قبولی اش را اعلام نکرده است). (نکول)

۲۳۵

✓ نکول در معنای عام علاوه بر موارد فوق قبولی مشروط نکول به قبولی مشروط نکول حکمی هم گفته اند.

✓ امتناع از قبولی یا نکول

✓ قبولی جزئی (نکول است نسبت به بقیه)

دو نوع قبول

✓ ۲۳۲ قبول جزئی: قبول آن قسمتی که قبول شده و نکول آن قسمتی که قبول نشده (اسکینی)

۱- قبول جزئی قبول است.

۲- دقیقترش قبول آن قسمتی که قبول شد نکول آن قسمتی که قبول نشده باشد. در ماده گفته برای بقیه

پس دقیقترش این است.

✓ قبول مشروط مساوی است با نکول

نکته تستی) در قبولی جزئی دارنده برای بقیه اعتراض نکول می کند ولی در قبولی مشروط، دارنده برات کل برات اعتراض نکول می کند.

تست: اگر در تست این عبارت بیاید که براتی به مبلغ ۱۰ میلیون صادر شده برات گیر در برات می نویسد مبلغ ۵۰ میلیون تومان آن را به شرط آنکه صادر کننده به تعهد خویش عمل نماید قبول نمایم مساوی است با نکول و دارنده برات باید نسبت به ۱۰۰ میلیون تومان اعتراض نکول انجام خواهد داد.

- قبولی مشروط = نکول: اگر برات گیر برات را به صورت مشروط قبول کرده باشد از جهت تجاری مسئول نیست ولی در حدود شرطی که نوشته از جهت مدنی مسئول پرداخت است.
- مثال: براتی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به عهده شرکت تضامنی الف صادر میگردد. شرکت برات را با این عبارت که به شرط اینکه در موعد مقرر تحویل گردد برات را قبول می کند اگر صادر کننده عمل به شرط نماید دارنده می تواند از جهت مدنی وجه سند را از قبول کننده به شرط مطالبه کند. سپس، در این فرض شخص مسئول می باشد.
- وقتی برات نکول شد دارنده برات طبق ماده ۲۳۶ باید اعتراض نکول انجام دهد.
- اعتراض (نکول - عدم تأدیه)
- نکول و قبول مخصوص برات است. در سفته که نداریم در چک هم قبول نشانه تأدیه وجه چک نزد بانک است.
- مزایای اعتراض نکول مخصوص برات است.
- اعتراض نکول هم مخصوص برات است.
- هرچی به قبول و نکول بخورد برات است.
- اعتراض نکول: در برات به رؤیت الزامی نیست چون در برات به رؤیت دارنده برات اعتراض عدم تأدیه انجام می دهد چون اصلاً قبول نداریم.

- در اسناد تجاری از هر مزیتی که می‌خواهیم استفاده کنیم باید اعتراض انجام دهیم. (۲۷۰-۲۴۹-۲۳۸-۲۳۹-۲۳۷)

مزایای اعتراض نکول

- کلی در ماده ۲۳۷ قانون تجارت آمده است. یکی در ماده ۲۳۹ قانون تجارت آمده است.
- ۲۳۷ برات موحل اول نکول انجام می‌گیرد. دوم، اعتراض نکول انجام می‌گیرد. سوم، تقاضای دارنده صادر کننده و ظهر نویس ها باید ضامن بدهد اگر ضامن ندارند حال می‌شود.
- ۲۳۹ پس از اعتراض نکول شخص ثالث می‌تواند به نام برات دهنده یا یکی از ظهرنویسان برات را قبول کند.
- در ماده: ۲۳۷ برات دهنده و ظهر نویس ها - ۲۳۹ برات دهنده یا ظهر نویس

- ✓ مهلت اعتراض عدم تأدیه طبق ماده ۲۸۰ ق.ت. ۱۰ روز است ولی مهلت اعتراض نکول در قانون تجارت پیش بینی نشده است.
- ✓ برای اعتراض نکول ۲ نوع مهلت میدهند:
 - مهلت ده روزه اعتراض عدم تأدیه که در ماده ۲۸۰ آمده برای اعتراض نکول هم هست.
 - امتحانی: مهلت اعتراض نکول تا قبل از سررسید دارنده برات مهلت اعتراض نکول دارد. (این نظر در تست یک قوی است).

مداخله شخص ثالث

مداخله شخص ثالث دو نوع است:

مداخله جهت قبولی ۲۳۹	مداخله جهت پرداخت ۲۷۰
۱- نکول (اول باید نکول صورت گیرد)	اول باید تأدیه صورت گیرد
۲- اعتراض نکول در مرحله دوم باید صورت گیرد.	در مرحله دوم اعتراض عدم تأدیه باید صورت گیرد.
۳- این مداخله اعضای ثالث باید به امضای شخص ثالث برسد.	در مرحله سوم امضای ثالث
۴- شخص ثالث از طرف برات دهنده یا یکی از ظهر نویسان دخالت می‌کند.	برات دهنده یا یکی از ظهر نویسان
۵- قبولی شخص ثالث در اعتراض نامه قید می‌شود.	

<p>رجوع به ماقبل مسئولیت به ما بعد: اگر شخص ثالث به نفع ظهر نویس شماره ۳ دخالت کند وجه برات را بپردازد. در این صورت شخص ثالث حق رجوع به ذینفع پرداخت ظهر نویس شماره ۳ و ایادی ماقبل او را دارد ولی حق رجوع به ایادی مابعد او را ندارد (۴ و ۵) صادر کننده ۱- ظهر نویس- رجوع ۲- ظهر نویس- رجوع ۳- ظهر نویس- رجوع ۴- ظهر نویس- مسئولیت ۵- ظهر نویس- مسئولیت</p>	<p>شخص دارنده حق رجوع به ایادی مابعد را دارد. صادر کننده ۱- ظهر نویس ۲- ظهر نویس ۳- ظهر نویس ۴- ظهر نویس ۵- ظهر نویس</p>
--	--

شخص ثالث دو حالت دارد:

- یا در برات مشخص می‌شود که برات‌گیر برات را قبول نکرده دارنده به شخص معین شده در برات مراجعه می‌کند. در این صورت اگر دارنده به شخص ثالث مراجعه نکند مزایای اعتراض نکول را از دست می‌دهد ماده ۲۳۷ (به این می‌گویند ثالث مشخص شده در برات)

- یا ثالث در برات مشخص نشده است. ثالث به ابتکار خودش وارد برات می‌شود. ثالث خود شیرین!

مداخله شخص ثالث جهت قبول اگر گفتند طبق قانون تجارت می‌گوییم دارنده از کلیه حقوقش که از نکول برات برای او بوجود آمده ۲۳۷ برخوردار هست ۲۴۰.

طبق قانون تجارت شخص ثالث هم دخالت کند انقاقی نمی‌افتد و دارنده امتیازش را نسبت به اعتراض نکول دارد.

اگر شخص ثالث به طور مثال به نفع ظهر نویس شماره ۳ مداخله کند در این صورت دارنده به حق مراجعه به ذینفع قبلی (ظهر نویس شماره ۳) و ایادی ماقبل او ندارد ولی حق مراجعه به ایادی مابعد او دارد (۴ و ۵).

قانون تجارت با ۲۳۹ سر ناسازگاری دارد. (تست آزاد ۸۵: ماده ۲۳۷)

صادر کننده

۱- ظهر نویس

۲- ظهر نویس

۳- ظهر نویس

۴- ظهر نویس

۵- ظهر نویس

نکته تستی: در ماده ۲۳۹ اسمی از برات‌گیر نیامده است (چون اصلاً برات‌گیر برات را نکول کرده است). در ماده ۲۷۰ قانون تجارت هم اسمی از برات‌گیر نیامده است.

تفاوت پرداخت در مدنی و اسناد تجاری (۶۵۲-۲۷۷ ق.م- ۲۶۸ و ۲۶۹ ق.ت)

در مدنی شخص ثالث می‌تواند دین مدیون را بدهد اگر دین مدیون رو داد ۲ حالت دارد:

حالت ۱) که در این حالت اگر قصد تبوع نداشته باشد حق رجوع دارد (اصل براین است که اذن نداشته- اصل براین است که قصد تبوع نداشته است).

حالت ۲) بدون اذن پرداخت است: در این حالت چه قصد تبوع داشته چه نداشته حق رجوع ندارد (تعهد طبیعی) ۲۶۶ طلبکار هست ولی حق مطالبه ندارد.

تجارت:

اگر شخص ثالثی دین مدیون را پرداخته باشد حتی اگر بدون اذن باشد حق رجوع دارد مگر اینکه قصد تبوع داشته باشد.

ماده ۲۷ قانون تجارت اسمی از برات‌گیر نیآورده چون برات‌گیر مسئول اصلی پرداخت سند است. شخص ثالثی که دین برات‌گیر را پرداخته اگر با اذن باشد حق رجوع به برات‌گیر را دارد. اگر هم بدون اذن باشد حق رجوع ندارد. در واقع اینجا چون قانون تجارت سکوت کرده به سراغ قانون مدنی می‌رویم.

تفاوت بعدی

در قانون مدنی متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد کند ولی در اسناد تجاری هر قسمتی از سند پرداخت شود مسئولین سند تجاری اعم از صادر کننده، ظهر نویس، ضامن و برات‌گیر از مسئولیت بری می‌شوند.

در قانون مدنی محاکم می‌توانند نظر به وضعیت مدیون مهلت عاقله یا قرار اقساط دهند ولی در اسناد تجاری طبق ماده ۲۶۹ قانون تجارت محاکم نمیتوانند بدون رضایت مهلتی برای پرداخت بدهند. اگر اینگونه تست بدهند: ۶۵۲ و ۲۷۷ ق. م بزنید به ۱۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی کالا از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سؤال می‌آید.

۵- قانون صدور چک

ماده (۱۱) در صورت ثبوت اعسار چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت مدیون و مهلت مناسبی برای پرداخت می‌دهند یا حکم تقسیط بدهی را صادر می‌کنند. در تعیین اقساط باید میزان در آمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

(۲۷۷) متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عاقله یا قرار اقساط قرار دهد.

(۶۵۲) در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای منقرض مهلت یا قرار اقساطی قرار می‌دهند.

برات باید در سررسید آن مطالبه شود. در چند مورد دارنده برات می‌تواند قبل از سررسید به مسئول سند تجاری مراجعه کند: چند استثنا

مورد اول: طبق ماده ۲۳۷ قانون تجارت اگر برات نکول شد و اعتراض نکول به عمل آمد باید به تقاضای دارنده ضامن بدهیم اگر ضامن نداریم برات موجل حال می‌شود.

مورد دوم: ماده ۲۳۸ قانون تجارت: تو یک براتی را قبول کردی سر موعد پرداخت نکردی، اعتراض عدم تایید می‌شود. حالا یک برات دیگر داری که هنوز موعدش نرسیده می‌گم آقا چون تو فرد خوبی بودی اون را پرداخت می‌کردی حالا به من ضامن بده اگر نداد حال می‌شود.

اگر براتی که قبول شده ولی در موعد پرداخت نشده نسبت به آن اعتراض عدم تأدیه صورتگیرد چنانچه برات دیگری توسط همان برات‌گیر قبول شده باشد دارنده برات دوم می‌تواند تقاضای ضامن یا تضمین کند (طبق قانون تجارت) ۲۳۸ طبق این ماده و الا اگر ضامن یا تضمین داده نشود حال می‌شود. طبق نظر اساتید حقوق قانون تجارت ساکت است ولی در ۲۳۷ گفته یا ضامن یا فوراً حال.

مورد سوم ماده ۴۲۱ که تست زیاد می‌دهند، به مجرد آنکه حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل تاجر (نه مطالبات موجل) حال می‌شود.

مورد چهارم ماده ۴۲۲ در این ماده مسئول اصلی پرداخت ورشکست شده است.

۴۲۱ تست خیز است!

مسئولین اصلی پرداخت سند تجاری در ماده ۴۲۲

- صادر کننده سفته
- صادر کننده براتی که قبول نشده
- برات گیر (قبولی نوشته)

این‌ها ورشکسته شدند. اگر این‌ها ورشکست شوند قانون گفته سایرین مسئولین سند تجاری اعم از ظهرنویسان و ضامنین.

سایر آدم‌ها به تقاضای دارنده باید ضامن بدهند. سایر مسئولین تجاری نسبت به مدت با رعایت تخفیفات مقتضی باید وجه سند را بپردازند یا تأدیه وجه سند را در سر وعده تامین نمایند (وثیقه بده)

سؤال؟ حسن براتی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به عهده شرکت سهامی الف صادر می‌کند مدیر عامل این شرکت به نمایندگی از شرکت برات را قبول می‌کند چنانچه صادر کننده ورشکسته گردد -----

- ۱- سایر مسئولین سند تجاری باید وجه برات را نقد بپردازند.
- ۲- سایر مسئولین سند تجاری با رعایت تخفیفات مقتضیه باید وجه سند را بپردازند.
- ۳- در این صورت برات حال شده محسوب نمی‌گردد.
- ۴- برات حال شده محسوب و مدیر عامل و شرکت متضامنا مسئول پرداخت وجه سند می‌باشند.

گزینه ۳) چون صادر کننده ورشکسته شده مهم نیست ولی برات گیر برات را قبول کرده است.

مسئول اصلی این سند، برات‌گیر است که در فرض سؤال ورشکست نشده تا سند نسبت به سایرین حال شده محسوب گردد.

ظهر نویس

- در برات اولین انتقال با امضا صورت می‌گیرد چون صدور برات در وجه حامل نداریم.
 - طبق ماده ۲۴۶ قانون تجارت ظهر نویسی باید به امضای ظهر نویس برسد مثل قبول شخص ثالث.
 - ظهر نویسی یک سری شرایط شکلی دارد:
- ۱- امضای ظهر نویس را می‌خواهد ۲۴۶

۲- قید نام منتقل الیه یا ظهر نویسی سفید امضا (اگر نویسی حامل می شود و با قبض و اقباض منتقل می شود)

۳- تاریخ ظهر نویسی: اختیاری است چون ماده ۲۴۶ گفته ممکن است تاریخ قید شود از شرایط صحت ظهر نویسی نیست قید تاریخ نشان می دهد که آیا ظهر نویسی اهلیت داشته یا نه.

ظهر نویسی کلا ۴ نوع است.

۱- ظهر نویسی به منظور انتقال

۲- ظهر نویسی برای وثیقه

۳- ظهر نویسی به منظور وکالت در وصول

۴- ظهر نویسی برای ضمانت

نکته تستی: طبق قانون تجارت ظهر نویسی ۲ نوع است:

۱- ظهر نویسی به منظور انتقال

۲- ظهر نویسی به منظور وکالت در وصول

نکته تستی: اصل ظهر نویسی به منظور انتقال است و سایر ظهر نویسی ها نیاز به تصریح دارد.

ظهر نویسی به منظور انتقال یعنی: دارنده سند تجاری با امضای سند طلب خود را به دیگری منتقل می کند (بند ۳ ماده ۲۹۲ ق.م)

تبصره: ظهر نویسی جزئی در قانون تجارت ما تصریح نشده ولی ظهر نویسی جزئی در بحث تئوری منفی ندارد ولی در عمل با مشکل مواجهیم.

نکته تستی: در تست ظهر نویسی جزئی پذیرفته شده نیست.

ظهر نویسی برای وکالت در وصول

طبق ماده ۲۴۷ ق. ت در این صورت، دارنده سند فقط وکیل در وصول سند است و انتقال برات واقع نشده پس وکیل در وصول باید تصریح شود. مثلا بانک وکیل در وصول ماست.

تبصره در مورد چک هایی که برای وصول وجه آن به بانک وکالت داده می شود تصریح به نمایندگی در ظهر نویسی ضروری نیست (رای وحدت رویه شماره ۳۱/۱۶ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۶). در سایر اسناد تجاری باید تصریح کنیم.

۲۴۷ بسیار مهم

- عام ناسخ نیست بلکه خاص مخصوص عام است. یعنی ماده ۲۴۷ قانون تجارت لازم الاجرا است به عبارت بهتر وکیل در وصول در اسناد تجاری حق اقامه دعوا در دادگستری را دارد.
 - ظهر نویسی به منظور وثیقه: قانون تجارت این را قبول ندارد. توضیحی نداریم چون اختلاف نظم است. دارنده سند به طور مثال می خواهد برود وام بگیرد اما مالی برای وثیقه دادن ندارد. در این صورت، سند تجاری را که دارد ظهر نویسی می کند به منظور وثیقه آن را در اختیار بانک قرار می دهد.
 - ظهر نویسی به منظور ضمانت (همان ضمانت است که در قانون نیامده است) (خیلی مهم)
- دارنده) اگر دارنده سند تجاری ظهر سند را امضا کند و به قول خود قانون تجارت ظهر نویسی کند یعنی انتقال انجام داده است مگر اینکه وکالت در وصول را تصریح (قید) کند.
- ثالث) اگر شخص ثالثی ظهر سند را امضا کرد ظهور در ضمانت دارد.
- ضامن در مقابل مضمون عنه خودش- ظهر نویس = اصل عدم زیاده: طبق اصل استقلال امضات، ظهر نویس مسئول است ولی ضامن تنها مضمون عنه خودش مسئولیت دارد. مضمون عنه مسئول نباشد ضامن هم نیست.
- مسئولیت ظهر نویس بیشتر از ضامن است. ضامن فقط در برابر مضمون عنه خودش مسئول است حالا اگر ندانیم طرف ظهرنویس بوده یا ضامن به اصل عدم زیاده می گوئیم ضامن. پس ظهر نویس که نسبت به ضامن مسئولیت بیشتری دارد چون اگر ایادی ماقبل او مسئول نباشد ولی طبق اصل استقلال امضات ظهرنویس مسئول است ولی ضامن.

- اگر شخصی بیايد ضمانت کند ولی معلوم نشود از طرف چه کسی ضمانت کرده می گویند ضمانتش برای صادر کننده بوده است چرا؟ چون عده بیشتری را از مسئولیت مبرا می کند خود صادر کننده اگر بپردازد همه ظهر نویس ها بری می شوند.
- ۲۷۲ شخص ثالث ضامن صادر کننده اگر پرداخت کند همه ظهر نویس ها بری می شوند. ضامنین ظهر نویس هم بری می شوند. شخص ثالث به نفع یکی از ظهر نویسان بپردازد ظهرنویس های بعدی و ضامنین آنها بری می شوند.
- اگر دو نفر بخواهند ضامن پرداخت شوند به طور مثال یک نفر ضامن ظهرنویس اول و یک نفر ضامن ظهرنویس دوم، طبق ماده ۲۷۳ قانون تجارت پیشنهاد کسی پذیرفته می شود که عده بیشتری را از مسئولیت مبرا کند (در این فرض ما ظهر نویس اول). اگر خود محال علیه بپردازد همه بری می شوند. پس، اگر شخص ثالث برای پرداخت سند حاضر باشد محال علیه هم حاضر باشد محال علیه مقدم است بر هر شخص ثالثی و بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد چون عده بیشتری را از مسئولیت مبرا می کند.

۲۴۸ در تست) اگر ظهر نویسی در ظهر نویسی تاریخ مقدمی قید کند -----

- ۱- جاعل است
- ۲- کلاهدار است
- ۳- خائن در امانت
- ۴- متصرف غیر قانونی است.

گزینه یک صحیح است.

پس اگر یک گزینه بدهند جاعل و یک گزینه بدهند کلاهدار و یک گزینه بدهند خائن در امانت با اینکه این سؤال غلط است ولی مجبوریم بزنیم!

اگر ظهر نویسی تاریخ مقدم قید کند یعنی چه؟ یعنی اینکه تاریخ جعلی مقدم بر تاریخ واقعی قید می شود.

مثال یک: طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموری که مالی باشد ممنوع است. حالا اگر یک نفر بعد از ورشکستگی اش ظهر نویسی سندی را انجام دهد این ظهر نویسی باطل است (ماده ۴۲۳). اگر شخص ظهر نویسی تاریخی بزند مقدم بر ظهر نویسی یعنی به عنوان مثال تاریخ را طوری می زند که قبل از صدور حکم ورشکستگی بوده است در این صورت چنین ظهر نویسی جاعل شناخته می شود.

مثال ۲ اگر دارنده به وظایف قانونی خودش عمل نکند حق مراجعه به ظهر نویسی را از دست می دهد. ظهر نویسی برای اینکه دارنده حق مراجعه به او را نداشته باشد تاریخ ظهر نویسی را طوری می زند که دارنده به وظایف قانونی خودش عمل نکرده که حق رجوع به او را نداشته باشد.

مسئولیت (مهمترین قسمت اسناد تجاری)

• فردی - انفرادی - منفردا

• جمعی

✓ یک مشترک

➤ نسبی در تست مشترک و نسبی یک معنی می دهد.

➤ بالسویه

✓ تضامنی

➤ عرضی (تضامنی)

➤ طولی (وثیقه ای)

مسئولیت تضامنی یعنی اینکه چند نفر مسئول پرداخت یک دین واحدند.

بررسی مسئولیت تضامنی در قانون تجارت ماده ۲۴۹ شک نکنید از این ماده سؤال می‌دهند.

سه چیز را بررسی میکنیم:

۱- چه کسانی مسئولیت تضامنی دارند؟

- صادر کننده
- ظهر نویس
- محال علیه در چک و برات
- ضامن
- شخص ثالث که برات را قبول کرده

۲- شرط تحقق مسئولیت تضامنی

شرط یک، مسئول اصلی پرداخت سند را نپردازد حالا مسئول اصلی پرداخت سند در برات دو حالت است برات گیر قبول کرده (برات گیر است) قبول نکرده (صادر نکرده صادر کننده مسئول اصلی پرداخت است) مسئولیت تضامنی به وجود می‌آید. در چک اگر محال علیه چک را پرداخت نکند. در سفته اگر صادر کننده سفته را پرداخت نکند.

شرط ۲ دارنده، اعتراض عدم تأدیه کند بسیار مهم قبل از اعتراض عدم تأدیه اصلاً مسئولیت تضامنی نداریم.

نکته) وقتی دارنده می‌تواند رجوع کند به مسئولین سند تجاری که اول به کسی که باید وجه سند را می‌پرداخته است رجوع کرده باشد و دوم بعد از اعتراض عدم تأدیه حق رجوع به همه مسئولین سند تجاری را دارد. به عبارت دیگر مسئولیت اول طولی بعد عرضی می‌شود.

۳- ذی نفع مسئولیت تضامنی چه کسی است؟

ذینفع مسئولیت تضامنی، دارنده سند است. اگر یکی از ظهر نویسان سند را بپردازد می‌تواند از مسئولیت تضامنی نسبت به ایادی ما قبل (رجوع به ما قبل) از مسئولیت تضامنی استفاده کند. تبصره) اگر مسئول اصلی سند تجاری بپردازد دیگر نمیتواند از مسئولیت تضامنی استفاده کند چون وقتی بدهکار اصلی دینش را می‌دهد حق مراجعه به ضامن را ندارد. مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری در اشخاص مختلف

صادر کننده برات ۲ حالت دارد

۱- قبل از سررسید ۲۳۷

بعد از سررسید ۲۴۹

مسئولیت صادر کننده قبل از سررسید: در اسناد تجاری فقط در برات مسئولیت قبل از سررسید وجود دارد (مهم) چون ما فقط در برات قبول و نکول داریم قبل از سررسید صادر کننده برات مسئولیت قبولی دارد حال مسئولند قبولی چه زمانی به وجود می آید؟

۱- برات گیر قبول نکند.

۲- دارنده اعتراض نکول انجام دهد.

صادر کننده می تواند از مسئولیت قبولی را زمان صدور سند از خودش سلب کند (یا دارنده نخواست می تواند نگیرد) مسئولیت صادر کننده (بعد از سررسید). صادر کننده بعد از سررسید مسئولیت پرداخت دارد. اول دارنده برود سراغ مسئول اصلی پرداخت مسئول اصلی پرداخت نپردازد اعتراض عدم تأدیه انجام بشود می تواند برود سراغ صادر کننده. نکته فوق العاده مهم: دارنده سند در خصوص صادر کننده دو عمل می تواند انجام دهد.

حالت اول: صادر کننده محل برات را نزد برات گیر تامین نکرده باشد در این حالت دارنده حتی اگر به وظایف قانونی خودش هم عمل نکرده باشد حق مراجعه به صادر کننده را دارد. حتی اگر دارنده اعتراض عدم تأدیه هم انجام نداده باشد حق مراجعه به صادر کننده را دارد.

اصل براین است که صادر کننده محل برات را نزد برات گیر تامین نکرده باشد (کلا اصل عدم است).

حالت دوم صادر کننده محل را نزد برات گیر تامین کرده است. در این صورت دارنده زمانی حق مراجعه به صادر کننده را دارد که به وظایف قانونی خودش عمل کرده باشد.

وظایف قانونی دارنده: ۱- اعتراض عدم تأدیه ظرف ۱۰ روز از تاریخ سررسید

تبصره مهم تستی؟ اگر در تست گفتند اعتراض عدم تأدیه: گزینه یک ظرف ۱۰ روز از تاریخ سررسید

ظرف ۱۰ روز از فردای سررسید

۲- اقامه دعوا ظرف یک سال یا دو سال حسب مورد از تاریخ اعتراض باید به عمل آید (اگر در تست گفتند یک سال یا دو سال از فردای تاریخ اعتراض این گزینه درست تری است. مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت).

نکته) در برات به رؤیت و برات به وعده از رؤیت اعم از اینکه در ایران باشد یا در خارج، طبق ماده ۲۷۴ قانون تجارت باید ظرف یک سال پرداخت برات یا قبولی برات گرفته شود و الا دارنده، حق مراجعه به صادر کننده ای که برات را به محال علیه رسانده ندارد.

نکته تستی در ماده ۲۷۴ چه برات در ایران صادر شده باشد چه خارج ظرف یک سال باید اقدام شود. در ماده ۲۸۶ که برات باید در ایران پرداخت شود ظرف یک سال باید اقامه دعوا شود. در ماده ۲۸۷ که برات باید در خارجه تأدیه شود ظرف دو سال باید اقامه دعوا شود.

نکته) روز رؤیت در برات به وعده از رؤیت- روز صدور در برات به وعده از تاریخ صدور حساب نمی‌شود.

نکته) صادر کننده یک نفر باشد یا صادر کننده چند نفر باشد (خیلی تست داده اند) می‌خواهیم ببینیم مسئولیتشان تضامنی هست یا نیست ۲۴۹ در ارشد سراسری مسئولیت چند تا صادر کننده تضامنی است.

در امتحان کانون وکلا چند سالی است که مسئولیت مشترک یا نسبی پذیرفته شده است یعنی اگر چند نفر صادر کننده باشند مشترک با نسبی پذیرفته شده است.

تست آزاد (چند نفر صادر کننده براتی هستند مسئولیت آن‌ها -----

۱- مسئولیت آن‌ها انفرادی است.

۲- مسئولیت آن‌ها نسبی است.

۳- مسئولیت آن‌ها مشترک است.

۴- مسئولیت آن‌ها تضامنی است.

گزینه ۴ صحیح است.

استدلال اساتید:

در کانون دسته اول: که می‌گویند مسئولیت مشترک یا نسبی است می‌گویند مسئولیت تضامنی استثناء است و استثناء نیاز به تصریح دارد وقتی سؤال تجارت می‌گوید برات دهنده می‌گوییم برات دهندگان مسئولیتشان مشترک یا نسبی می‌شود. (در قانون ۲۴۹ گفته برات دهنده جمع نبسته است).

در ارشد دسته دوم: قانون تجارت که گفته برات دهنده و نگفته برات دهندگان از بابت این بوده که غالباً یک نفر برات صادر می‌کند نه چند نفر. پس اگر چند نفر برات صادر نکنند باز هم مسئولیتشان تضامنی است.

در اصل عدد مفهوم ندارد پس چند نفر اگر برات صادر کنند باز هم مسئولیتشان تضامنی است.

قانون حکم صریحی در خصوص مسئولیت تضامنی یا مسئولیت مشترک یا نسبی در مورد صادر کنندگان متعدد ندارد.

تست استاد گودرزی

اگر چند نفر براتی صادر کنند-----

- ۱- مسئولیت آنان مطابق قانون تجارت مشترک یا نسبی است.
- ۲- مسئولیت آنان مطابق قانون تجارت تضامنی است.
- ۳- مسئولیت آنان با توجه به نظر دارنده به مسئولیت تضامنی یا مشترک تقسیم می‌شود.
- ۴- تمامی موارد فوق ناصحیح می‌باشد.

گزینه ۴ صحیح است.

نکته: مسئولیت صادر کننده چک

صادر کننده چک در یک دوره مسئول است: بعد از سررسید

چه دارنده به وظایف قانونی خودش عمل کرده باشد چه دارنده به وظایف قانونی خودش عمل نکرده باشد (حتی بدون اعتراض عدم تأدیه) حق مراجعه به صادر کننده چک را دارد.

وظایف قانونی دارنده چک حسب مورد ظرف ۱۵ روز یا ۴ ماه از تاریخ صدور چک باید وجه چک را مطالبه کند (مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت)

مهلت مطالبه سند	محل پرداخت	محل صدور
۱۵ روز	تهران	تهران
۴۵ روز	اصفهان	تهران
۴ ماه	تهران	انگلیس
مهلت مطالبه سند پیشبینی نشده	انگلیس	

- اگر در وجه حسب مورد که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوای دارنده چک علیه صادر کننده دیگر مسموع نیست ماده ۳۱۵ ق.ت
- در چک صادر کننده کلاس سه جور مسئولیت دارد:
 - ۱- مسئولیت حقوقی
 - ۲- مسئولیت کیفری
 - ۳- مسئولیت اجرای ثبت

مسئولیت حقوقی: مسئولیت پرداخت است که در فوق توضیح داده شد.

مسئولیت کیفری: اگر محال علیه بانک باشد این چک می‌شود مشمول قانون صدور چک می‌گوییم ممکن است مسئولیت کیفری داشته باشد.

مسئولیت کیفری (صادر کننده)

اگر محال علیه چک، بانک باشد و چک مشمول ماده ۱۳ ق صدور چک نباشد صادر کننده چک اگر دارنده در موعد مقرر (ماده ۱۱ ق صدور چک) به وظایف خودش عمل کرده باشد دارای مسئولیت کیفری هست.

وظایف قانونی دارنده برای مسئولیت کیفری:

- ۱- ۶ ماه از تاریخ صدور چک باید وجه چک را مطالبه کند (چک باید حال باشد تا مسئولیت کیفری داشته باشد) برای همین می گوئیم صدور چک نه سر رسید.
- ۲- ۶ ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت باید شکایت کند اگر یکی از این دو مورد را انجام ندهد می گوئیم صادر کننده چک دیگر مسئولیت کیفری ندارد. ماده ۱۱ و ۱۳ ق. صدور چک بسیار مهم است.
- اگر چکی پس از صدور گواهی عدم پرداخت، به دیگری منتقل شود در این فرض دارنده چک حق اقامه دعوی کیفری را ندارد مگر آنکه انتقال قهری باشد.
- نکته: اگر گواهی عدم پرداخت به نام وکیل در وصول صادر گردد موکل زمانی حق اقامه دعوی کیفری را دارد که در چک تصریح به وکالت در وصول کرده باشد.
- نکته: طبق ماده ۱۹ صدور چک به وکالت یا نمایندگی صادر شده باشد مثلاً مدیر عامل و شرکت در این صورت مسئولیت کیفری تنها با صادر کننده چک است. البته، طبق قانون مجازات جدید ماده ۲۰ اشخاص حقوقی دارای مسئولیت کیفری هستند.

مسئولیت اجرای ثبت

اجرای ثبت ۳ دایره دارد:

- ۱- دایره اسناد و املاک
- ۲- دایره مهریه
- ۳- دایره اجرای چک

طبق ماده ۲ ق صدور چک: چک سند عادی در حکم اسناد لازم الاجرا است. دارنده چک می تواند بدون مراجعه به دادگاه از طریق اجرای ثبت وجه سند را مطالبه کند.

زمانی اجرای ثبت اجرائیه صادر می کند که اولاً بانک گواهی عدم پرداخت صادر کرده باشد. در بانک مطابقت امضای صادر کننده در چک و نمونه امضای صادر کننده در بانک تایید شده باشد.

تبصره: فقط در یک مورد گواهی عدم پرداخت جانشین اصل چک است (ماده ۵ ق صدور چک)

اصل چک در اجرای ثبت از دارنده گرفته می‌شود.

نکته: در اجرای ثبت رعایت هیچ مهلتی ضروری نیست. چون فقط می‌تواند سراغ صادر کننده برود و برای مراجعه به صادر کننده رعایت مهلت ضروری نیست. حتی اگر چک ما وعده دار باشد میتواند از طریق اجرای ثبت اقدام کند. برای مراجعه به صادر کننده رعایت مهلت ضروری نیست.

- در اجرای ثبت برای صدور اجرائیه (نیم عشر) معادل وجه چک از دارنده اخذ می‌شود. اگر در میانه راه دارنده پشیمان شود نیم عشر اجرائیه به او برنمیگردد.
- در اجرای ثبت علیه ظهر نویس، علیه ضامن حتی علیه ضامن صادر کننده نمی‌شود اقدام کرد و فقط علیه صادر کننده می‌شود اقدام کرد. ولی در مسئولیت تضامنی صدور چک به نمایندگی می‌شود.
- در ماده ۱۹ صدور چک، اجرائیه و حکم ضرر و زیان علیه صادر کننده و صاحب حساب به نحو تضامنی صادر می‌شود.
- در اجرای ثبت فقط معادل مبلغ چک را می‌توانیم از صادر کننده بگیریم. برای مطالبه خسارت و هزینه‌ها باید در دادگاه اقامه دعوا کنیم.
- در اجرای ثبت منظور از دارنده کسی است که چک در وجه او صادر شده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک یا قائم مقام قانونی آنها. در کیفری دارنده چه کسی بود: اولین کسی که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده بود.

صادر کننده سفته

صادر کننده سفته فقط در یک دوره مسئولیت دارد و بعد از سررسید پرداخت دارد. در سفته صادر کننده سفته می‌شود مسئول پرداخت وجه سفته حتی اگر دارنده به وظایف قانونی خودش عمل نکرده باشد. حتی اگر اعتراض عدم تأدیه انجام نداده باشد دارنده حق مراجعه به صادر کننده سفته را دارد مثل چک.

مسئولیت ظهر نویس

مسئولیت ظهر نویس برات: ظهر نویس برات در دو دوره مسئولیت دارد:

- دوره قبل
- دوره بعد از سررسید

دوره قبل از سررسید: مسئولیت قبولی دارد ۲۳۷

ظهر نویس میتواند زمان ظهر نویسی مسئولیت قبولی را از خودش سلب کند (مثل صادر کننده دوره بعد از سررسید مسئولیت پرداخت دارد) ۲۴۹

تبصره) ظهرنویس می تواند مسئولیت پرداخت را هم از خودش سلب کند.

ظهر نویس چک

ظهر نویس چک فقط در یک دوره مسئولیت دارد بعد از سررسید مسئولیت پرداخت دارد. یعنی اگر دارنده به وظایف قانونی خودش عمل کند، وظایف قانونی اش

۱- ظرف ۱۵ روز ۴۵ و ۴ ماه وجه سند را مطالبه کند. (۳۱۷ و ۳۱۵)

۲- اقامه دعوا کند ظرف یک سال یا دو سال حسب مورد.

اگر دارنده به یکی از وظایف قانونی خودش عمل نکند حق مراجعه به ظهر نویس را ندارد. ظهر نویس چک مسئولیت کیفری و اجرای ثبت ندارد فقط مسئولیت حقوقی دارد.

ظهر نویس سفته

ظهر نویس سفته مانند ظهر نویس چک فقط در یک دوره مسئولیت دارد (بعد از سررسید) مسئولیت پرداخت دارد (۲۴۹) یعنی اگر دارنده به وظایف قانونی خودش عمل کند:

۱- طبق ماده ۲۸۰ قانون تجارت ظرف ۱۰ روز اعتراض عدم تأدیه انجام دهد از تاریخ فردای سررسید

۲- اقامه دعوا حسب مورد ظرف یک سال یا دو سال از فردای اعتراض عدم تأدیه (۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت)

ظهر نویس ها در هر سه سند (برات - سفته - چک) فقط یک مسئولیت دارند (مسئولیت حقوقی)

ضامن

طبق ماده ۲۴۹ ق.ت ضامن فقط با مضمون عنه خودش مسئولیت تضامنی دارد یعنی اینکه دارنده حق مراجعه به مضمون عنه اش را نداشته باشد حق مراجعه به ضامنش را هم ندارد.

مثال برای مراجعه به ظهر نویس رعایت موارد الزامی است. ۲۸۰ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۷۴

اگر یک نفر ضامن ظهر نویس باشد و دارنده به وظایف قانونی خودش عمل نکرده باشد دارنده حق مراجعه به ظهر نویس و حق مراجعه به ضامن ظهر نویس را ندارد.

خلاصه: طبق قانون تجارت صدور برات با امضا یا مهر- قبول برات با امضا یا مهر- ظهر نویسی با امضا- مداخله شخص ثالث امضا (قید در اعتراض نامه)- ضمانت با امضا

قید تاریخ ضمانت: شرط صحت ضمانت نیست (ما در یک مورد در اسناد تجاری شخص باید تاریخ می‌زد: در برات به وعده از رؤیت) البته اگر شخص تاریخ نمیزد از زمان صدور تاریخ رؤیت حساب می‌شد.

- اگر معلوم نشود که ضامن در برات از چه کسی ضمانت کرده می‌گوییم ضامن صادر کننده بوده است.
- اگر ضمانت در خود برات نباشد در یک سند دیگری باشد این ضمانت، ضمانت تجارتي محسوب نمی‌شود ضمانت مدنی محسوب می‌شود. (اگر ببریم در قالب قانون مدنی طبق ماده ۶۹۸ ق.م اصل بر نقل ذمه است و مسئول سند تجاری از مسئولیت مبرا شده است دارنده حق مراجعه به فقط ضامن را دارد).
- در ضمانت مدنی اگر ضامن بخواهد پرداخت کند مضمون له نگیرد ضامن زمانی بری می‌شود که طبق ماده ۲۷۳ ق.م به حاکم یا قائم مقام او بدهد اما در قانون تجارت اگر ضامن دین را بدهد در صورت استنکاف مضمون له، ضامن بری می‌شود و نیازی به رجوع به حاکم و قائم مقام او نیست.

نکته تجارت خارج از بحث!

کسبه جز تاجر محسوب می‌شوند ولی الزامات حرفه ای تاجر را ندارند. ماده ۶ آ.د.م. از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود جز کسبه جز

ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

اعسار:

از هزینه دادرسی (از کسبه جز پذیرفته است طبق ۵۱۲ آ.د.م)

از پرداخت محکوم به (از هیچ تاجری پذیرفته نیست حتی کسبه جز)

ضمانت (آخر ماده ۲۴۹)

ضامن کسی است که در دایره مضمون عنه خود مسئول است. به طور مثال، اگر یک نفر ضامن ظهر نویس باشد دارنده به وظایف قانونی خودش عمل نکرده باشد (مواد ۲۸۰ - ۲۸۶ - ۲۸۷ ق.ت) حق مراجعه به ظهر نویس را ندارد و حق مراجعه به ضامن ظهر نویس هم ندارد.

نکته) اگر برات در وجه حامل ظهرنویسی اش دارنده امضا کند باید اثبات کند که ضامن نبوده چون نیازی به امضایش نیست ولی به طور کلی دارنده امضا کند اصل انتقال است و ثالث امضا کند ظهر در ضمانت است.

نکته) اگر شخصی ثالثی ظهر سندی را امضا ساده کند ولی مشخص نشود که هبه می شود ظهور در ضمانت ولی اگر دارنده سند ظهر سندی را امضا کند اصل بر انتقال است ۲۴۷

نکته) اگر دارنده بخواهد به ضامن رجوع کند نیازی نیست که اول به مضمون عنه آن رجوع کند. بلکه اگر اعتراض عدم تأدیه انجام داد همه مسئولین سند در برابر او مسئولیت تضامنی دارند (ضم به ذم - ذم به عرضی).

مثال: اگر یک نفر، ضامن ظهر نویس سند باشد دارنده زمانی می تواند به او رجوع کند که -----

- ۱- ضامن سند را امضا کرده باشد که با صرف امضا مسئولیت تضامنی برعهده او می باشد.
- ۲- ضامن سند را امضا کرده باشد و دارنده به مضمون عنه او رجوع کرده باشد.
- ۳- ضامن سند را امضا کرده باشد و دارنده به وظایف خویش عمل کرده باشد حق مراجعه به ضامن و مضمون عنه را در عرض هم دارد.
- ۴- ضامن سند را امضا کرده، دارنده ابتدا به مضمون عنه رجوع کرده و در صورت عدم پرداخت به وظایف قانونی خویش عمل نموده باشد.

گزینه ۳ صحیح است.

مسئولیت ضامن مشابه با مسئولیت مضمون عنه خودش است سه نتیجه دارد این جمله:

- نتیجه ۱) ضامن در حدود مسئولیت مضمون عنه خودش مسئول است.
- نتیجه ۲) ضامن تنها به جانشینی مضمون عنه حق دارد تمامی ایراداتی که مضمون عنه می توانست در برابر دارنده به آن استفاده کند ضامن هم به آن استناد کند.

نتیجه ۳) اگر دین مضمون عنه به نحوی از انحاء ساقط شود ضامن هم بری می شود. طبق رای وحدت رویه ۵۹۷ حق رجوع به ضامن در هر صورت پذیرفته شده (یعنی این رای وحدت رویه جالب نیست و بر عکس صحبت هایی است که اگر مضمون عنه مسئول نباشد ضامن مسئول نیست) ولی به نظر می رسد منظور رای وحدت رویه شخصی است که ضامن صادر کننده است چون همانطور که گفتیم اگر یک نفر ضامن ظهر نویس باشد و ظهر نویس مسئول نباشد ضامن هم مسئول نیست.

نکته تستی) در امتحان اگر رای وحدت رویه را بخواهند باید به آن اشاره کنند. یعنی بگویند مطابق رای وحدت رویه که جواب ما در تست این است که ضامن در هر صورت مسئول می‌باشد (چه ضامن ظهر نویس چه صادر کننده) اگر در امتحان چیزی نگفتند اگر شخص ضامن صادر کننده بود مسئول هست. اگر ضامن ظهر نویس بود موقعی ضامن مسئول است که دارنده به وظایف قانونی خودش عمل کرده باشد.

در اسناد تجاری همانطور که گفتیم دو نوع اعتراض داریم:

اعتراض نکول که فقط مخصوص برات بود مزایای اعتراض نکول در ماده ۲۳۷ آمده بود.

اعتراض عدم تأدیه طبق ماده ۲۸۲ قانون تجارت نه فوت محال علیه نه ورشکستگی محال علیه و نه اعتراض نکول دارند. از اعتراض عدم تأدیه بی نیاز نمی‌کند طبق ماده ۲۹۵ قانون تجارت هیچ نوشته ای از طرف دارنده نمی‌تواند جایگزین اعتراض عدم تأدیه شود مگر در خصوص برات مفقود (مواد ۲۶۱، ۲۶۲ ف ۲۶۳ ق.ت) پس هیچ چیزی جایگزین اعتراض عدم تأدیه نیست.

طبق رای وحدت رویه ۵۳۶ دیوان عالی در خصوص چک، گواهی عدم پرداخت جایگزین اعتراض عدم تأدیه شده است.

نکته تستی) چک دو حالت دارد:

- چک قانون تجارت است (سندش حال است بی وعده و محال علیه هم هرکسی می‌تواند باشد)
- چک قانون صدور چک (سندی که محال علیه آن بانک است اعم از اینکه حال باشد یا وعده دار)
- چک ما اگر چک قانون تجارت باشد البته جایی که محال علیه آن بانک نیست دارنده باید اعتراض عدم تأدیه انجام دهد (چون گواهی عدم پرداخت فقط در قانون صدور چک است)
- ۲۸۲ - ۲۹۵ - ۲۹۳ - ۲۹۴ در اعتراض در چه مواردی باید باشد مهم است.

برات رجوعی ۲۹۸

برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی، پس از اعتراض برای دریافت وجه سند و مخارج آن و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهرنویس ها صادر می‌کند.

دارنده برات برای اینکه وجه سند را مطالبه کند دو کار می‌تواند انجام دهد:

۱- برود اقامه دعوا کند از طریق محاکم دادگستری وجه سندش را بگیرد.

۲- یک براتی صادر کند به عهده برات دهنده یا یکی از ظهرنویس ها به این می گویند برات رجوعی نام دیگرش برات متقابل اسم دیگرش برات مجدد است.

نکته تستی) ماده ۲۳۷ برای استفاده از مزایای اعتراض نکول گفته ظهرنویس ها و برات دهنده

ماده ۲۳۹ در مداخله شخص ثالث جهت قبول برات گفته ظهر نویس ها یا برات دهنده

ماده ۲۷۰ مداخله شخص ثالث جهت پرداخت گفته یکی از ظهر نویس ها یا برات دهنده

ماده ۲۹۸ در برات رجوعی گفته برات دهنده یا یکی از ظهر نویس

تفاوت نرخ منظور از تفاوت نرخ در برات رجوعی تفاوت نرخ برات در تاریخ سررسید آن است (برات اول) و تاریخ صدور برات رجوعی (تست ۷۷ ماده ۲۹۹)

ماده ۲۹۹ اگر برات رجوعی به عهده برات دهنده صادر شود و تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و نرخ مکان صدور برات رجوعی به عهده صادر کننده است. اگر برات به عهده ظهر نویس صادر شود تفاوت نرخ مکان برات اصلی و نرخ مکان صدور برات رجوعی به عهده ظهرنویس است.

نکته) دربرات رجوعی باید صورت حسابی ضمیمه شود مواردی که در صورت حساب باید قید شود در ماده ۳۰۰ ق.ت آمده و این صورت حساب باید به امضای ۲ نفر تاجر تصدیق شود ماده ۳۰۱

ماده ۳۰۴ ق.ت در امتحان به صورت جا خالی می آید:

خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی که اعتراض عدم تأدیه شده از ----- و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی از ----- حساب می شود.

۱- روز اعتراض- روز اقامه دعوا

۲- روز اقامه دعوا- روز اعتراض

۳- روزاعتراض- روز اعتراض

۴- روز اقامه دعوا- روز اقامه دعوا

گزینه یک صحیح است.

ماده ۳۱۷ و ۳۱۹ متن مادهها فوق العاده مهم است.

به ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ در تست می گویند مرور زمان اسناد تجاری

سه چیز در این دو ماده مهم:

- ۱- دعاوی راجع به برات، فته طلب و چک که از طرف تجاری یا برای صور تجاری صادر شده باشد.
 - ۲- اگر وجه سند تجاری را نتوانیم به واسطه مرور زمان تجاری که ۵ سال است مطالبه کنیم باز هم فرصت دریافت وجه سند را داریم.
 - ۳- اگر وجه سند را به واسطه مرور زمان تجاری (۵ سال) مطالبه نکردیم تا مرور زمان اموال منقول (یعنی ۱۰ سال) باز هم می‌توانیم وجه سند را فقط از کسی که به ضرر ما استفاده بلاجهت کرده دریافت کنیم.
- تبصره: امروزه مرور زمان خلاف شرع شناخته شده اما در تست مرور زمان هنوز هم پابرجاست. چه مرور زمان در بحث متصدی حمل و نقل چه مرور زمان در بحث شرکت‌های سهامی چه مرور زمان اسناد تجاری.
- نکته (در مرور زمان هایی که قانون تجارت به طور خاص برای اقامه دعوا مقرر کرده به آن می‌گویند مرور زمان اسناد تجاری مثل ماده ۲۷۴ ق. ت مثل ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ ق. ت این مرور زمان‌ها از مرور زمان‌های مذکور در قانون آیین دادرسی سابق معمولاً کوتاه‌تر هستند.
- مرور زمان ۵ سال را دو چیز قطع می‌کند:

یکی اقرار به دین

دیگری اقامه دعوا

- یعنی اگر در ظرف ۵ سال اقرار به دین صورت گیرد استارت مرور زمان ۵ ساله از زمان اقرار است ماده ۳۱۹ ق. ت.
- نکته تستی) اگر وجه سند تجاری را به واسطه مرور زمان ۵ سال نتوانیم مطالبه کنیم بعد از انقضای ۵ سال تا ۱۰ سال فقط از کسی که بر ضرر ما استفاده بلاجهت کرده می‌توانیم وجه سند را مطالبه کنیم.
- یکی از مثال‌های بارز استفاده بلاجهت در ماده ۳۳ ق. م آمده جایی که یک نفر صاحب بذر است یک نفر صاحب زمین است. محصولات طبیعی در زمین (محصول) مال صاحب بذر است. ولی صاحب زمین می‌تواند از باب استفاده بلاجهت از صاحب بذر اجرت المثل بگیرد (اگر مریض را پیدا نکرد). استفاده بلاجهت آخرین راه است یعنی در تست اگر راه‌های دیگری وجود داشت جواب ما استفاده بلاجهت نیست. قانون تجارت ما براساس ماده ۳۱۸ وجود یکی از دو شرط زیر را مرور زمان اقامه دعوا علیه صادر کننده سند تجاری می‌داند (یعنی علیه ظهر نویس نیست).
- شرط اول صادر کننده تاجر باشد شرط دوم یا منشاء صدور سند تجاری باشد.
- اگر این شرایط وجود نداشته باشد مرور زمان علیه صادر کننده پذیرفته نیست و دارنده می‌تواند هرزمانی که بخواهد علیه صادر کننده اقامه دعوا کند.

مبدا مرور زمان اقامه دعوا علیه صادر کننده چک

- اگر محال علیه بانک باشد تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت (۱۵ روز - ۴۵ روز - ۴ ماه)
- اگر محال علیه شخصی تراز بانک باشد مبدا مرور زمان تاریخ ثبت و اخذ است عدم تأدیه است و یا تاریخ انقضای مهلت قانونی ثبت اعتراض عدم تأدیه (۱۰ روز) ماده ۲۸۰

تست) مرور زمان دعوی راجع به چک از طرف تجاری یا برای امور تجاری صادر شده باشد -----

- ۱- پس از انقضای ۵ سال از تاریخ صدور چک است.
- ۲- پس از انقضای ۱۰ سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت است.
- ۳- پس از انقضای ۱۰ سال از تاریخ آخرین تعقیب قضایی است.
- ۴- پس از انقضای ۵ سال از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت است مگر آنکه در این مدت رسماً انقدر به دین واقع شده باشد.

گزینه ۴ صحیح است.

تست) در خصوص مرور زمان تجاری کدام عبارت ذیل ناصحیح نمی باشد؟

- ۱- دارنده حق مطالبه وجه سند را به هیچ عنوان نخواهد داشت.
- ۲- دارنده فقط صرفاً حق مراجعه به صادر کننده سند را دارد.
- ۳- دارنده حق مراجعه به تمام مسئولین سند تجاری را از بابت اصل استقلال امضاءات و مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری خواهد داشت.
- ۴- دارنده حق مراجعه به کسانی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده اند را خواهد داشت.

گزینه ۴ صحیح است.

تست) کدام گزینه صحیح می باشد؟

- ۱- مرور زمان اسناد تجاری جهت اقامه دعوا همان مرور زمان اموال منقوله است.
- ۲- مرور زمان تجاری در اسناد تجاری مرور زمان اموال غیر منقوله است.
- ۳- مرور زمان تجاری ۵ سال است و دارنده می تواند در صورتی که مشمول مرور زمان شود تنها از صادر کننده وجه سند را مطالبه نماید.
- ۴- همه موارد فوق غیر صحیح می باشد.

گزینه ۴ صحیح است.

سفته

سفته تعهد پرداخت است، سفته سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می کند مبلغی وجه نقد در موعد معین یا عند المطالبه (به رؤیت) (به وعده) در وجه شخص معین یا به حواله کرد او یا به صورت حامل پرداخت شود.

وجوه اشتراک بین سفته و برات

طبق ماده ۳۰۹ ق.ت تمام مقررات راجع به برات از مبحث چهارم تا آخر فصل اول در مورد سفته رعایت می شود (تمام مقررات به صورت مطلق در سفته نیست).

- ۱- وعده برات که ۴ حالت داشت (به رؤیت، به وعده رؤیت.....)
- ۲- ظهر نویسی برات
- ۳- مسئولیت (طبق ماده ۲۴۹ ق.ت) در اسناد تجاری مسئولیت تضامنی حاکم است.
- ۴- در پرداخت سند تجاری (مواد ۲۵۲ تا ۲۶۹)
- ۵- تأدیه وجه به وسیله ثالث (۲۷۰ تا ۲۷۳) فقط تأدیه نه قبولی (قبولی فقط مختص برات گیر)
- ۶- حقوق و ظایف دارنده برات (مثل مهلت اعتراض - مهلت اقامه دعوا)
- ۷- خود اعتراض و قوانین خارجی

یک نکته راجع به اسناد تجاری بحث قانون خارجی طبق ماده ۹۶۹ ق.م اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم اند. طبق ماده ۳۰۵ ق. م در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط یک سال برات تابع قانون مملکت صدور است یعنی تعهدات ناشی از ظهر نویسی ضمانت قبولی مداخله شخص ثالث جهت پرداخت و ... الگو در خارج از ایران بعمل آمده باشد تابع قانونی است که تعهد در آنجا بعمل آمده است. ولی اگر تعهد در خارج صورت گرفته باشد طبق قانون ایران، شرایط اساسی برات وجود داشته باشد شخصی که در ایران متعهد سند تجاری شده است نمی تواند به این بهانه که شرایط اساسی که مقدم بر تعهد براتی آنها بوده و طبق قانون خارجی درست نیست عمل کند.

۳۰۵ شرایط اساسی برات تابع قانون محال صدور (اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات)

موارد افتراق سفته و برات

در برات معمولاً سه نفر دخالت دارند ولی در سفته دو نفر دخالت دارند.

در برات قبولی برات بعضا شرط شده است ولی در سفته هیچگاه قبولی شرط نیست. در برات مقررات قبول و نکول رعایت می شود ولی در سفته رعایت نمی شود چون اصلا وجود ندارد.

برات را نمی توانیم در وجه حامل صادر کنیم ولی سفته را می توانیم در وجه حامل صادر کنیم مواد ۲۲۳ و ۳۰۷ ق.ت.

معاملات برواتی طبق بند ۸ ماده ۲ ق.م معامله ذاتا تجاری است ولی سفته ذاتا تجاری نیست ولی اگر سفته بابت یک معامله تجاری توسط تاجر صادر شود به آن می گویند تجاری تبعی.

تست) صدور برات و صدور سفته و صدور چک به ترتیب ----- می باشد.

- ۱- ذاتا تجاری- مطلقا تجاری نیست - مطلقا تجاری نیست.
- ۲- ذاتا تجاری- مطلقا تجاری نیست - مطلقا تجاری نیست.
- ۳- ذاتا تجاری- ممکن است تجاری باشد - ممکن است تجاری باشد.
- ۴- ذاتا تجاری- مطلقا تجاری نیست - ممکن است تجاری نباشد.

گزینہ سوم صحیح است.

تفاوت سفته و چک

۱- در سفته صادر کننده متعهد به پرداخت است (سفته تعهد پرداخت است) ولی در چک صادر کننده دستور پرداخت می دهد (مانند برات)

۲- در چک اگر چک مشمول قانون صدور چک باشد از سه طریق می توان اقدام کرد:

- ۱- اقامه دعوی حقوقی
- ۲- اجرای ثبت
- ۳- اقامه دعوی کیفری

ولی در سفته فقط اقامه دعوی حقوقی وجود دارد.

چک

ماده ۳۱۰ ق.ت چک را تعریف کرده از ماده ۳۰۷ سفته را تعریف کرده ولی برات در قانون تجارت تعریف نشده است.

- در چک محال علیه دو جور است یا محال علیه بانک است یا محال علیه بانک نیست. اگر محال علیه بانک باشد طبق قانون صدور چک چه در بانک‌های ایرانی چه در شعب این بانک‌های خارج کشور، این چک مشمول قانون صدور چک می‌شود و در حکم اسناد لازم الاجرا است.
- طبق قانون تجارت، چک سند پرداخت حال است ولی طبق قانون صدور چک، چک وعده دار هم پذیرفته شده است ماده ۳۱۱ ق.ت.
- چک فقط در تاریخ مندرج در آن قابل وصول است. سپس، اگر کسی قبل از تاریخ سررسید وجه چک را بپردازد در مقابل دارنده مسئول است. مسئول سند تجاری اگر بخواهند قبل از وعده (سررسید) وجه سند را بپردازد باید هویت دارنده را احراز کند ولی در زمان سررسید نیازی به بررسی دقیق اینکه شخص دارنده هست یا خیر نمی‌باشد.

ماده سه مکرر ق صدور چک

در چک از چند طریق می‌توان وجه سند را مطالبه کرد:

اقامه دعوای تجاری

از طریق اقامه دعوای تجاری یعنی جایی که دارنده سند می‌خواهد از مزایای سند تجاری استفاده می‌کند. دارنده باید به وظایف قانونی خودش عمل کند یعنی حسب مورد ۱۵ روز یا ۴۵ روز یا ۴ ماه از تاریخ صدور چک وجه چک را مطالبه کند مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت.

ظرف یک سال یا دو سال حسب مورد اقامه دعوا کند ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت.

اقامه دعوای حقوقی: دارنده نمی‌خواهد از مزایای سند تجاری استفاده می‌کند در این صورت اگر به وظایف قانونی خودش عمل نکند حق مراجعه به صادر کننده را دارد.

اقدام از طریق اجرای ثبت: چنانچه محال علیه چک، بانک باشد. دارنده چک می‌تواند علیه صادر کننده اقدام به اجرای ثبت انجام دهد. استثنا ماده ۱۹ ق صدور چک

اقدام از طریق کیفری: علی‌الاصول در مورد چک‌هایی که وعده نداشته باشد و مشمول ماده ۱۳ قانون صدور چک نشود می‌توانیم با رعایت ماده ۱۱ ق صدور چک علیه صادر کننده اقامه دعوا کنیم. استثناء ماده ۱۹ صدور چک

اگر صاحب حساب شخصی حقوقی باشد طبق ماده ۲۰ ق. مجازات اسلامی می‌تواند تحت تعقیب کیفری قرار گیرد و همچنین طبق ماده ۲۹ ق. صدور چک اگر صادر کننده چک اثبات کند که عدم پرداخت متوجه نماینده بعدی یا

مستند به فعل صاحب حساب بوده از مسئولیت کیفری مبرا و کسی که دستور عدم پرداخت داده مسئول است. مجازات کسی که دستور عدم پرداخت داده مجازات صدور چک بلامحل است.

مثلا آقای گودرزی مدیر عامل شرکت است یک چک صادر می کند. در آن زمان هم در حساب شرکت پول بوده و به نگین می دهد. حالا آقای گودرزی ما اخراج می شود و آقای زکایی جانشین می آید. بعدا می گوید فلانی بی خود چک صادر کرده (گوینده) و دستور عدم پرداخت صادر می کند. حالا نگین می رود شکایت کیفری می کند و دادگاه گودرزی را می خواهد و وقتی می بیند زمانی که گودرزی چک صادر می کرده چون در حساب شرکت بوده دیگر فرد کاری ندارد که دستور عدم پرداخت داده باید علیه او اقامه دعوی شد و مجازاتش (با اینکه چکی صادر نکرده بوده مجازات او مجازات صادر کننده چک بلامحل است).

نام چک	صادر کننده	محال علیه	تضمین جهت پرداخت
عادی	اشخاص	بانک	ندارد (به جز اعتبار صادر کننده)
تایید شده	اشخاص	بانک	ندارد
تضمین شده (تست مهم)	بانک	بانک	دارد بانک پرداخت آن را تضمین می کند
مسافرتی	بانک	بانک	ندارد

- چکی که در ماده ۳۱۰ ق. ت آمده اگر محال علیه آن بانک باشد به آن می گویند چک عادی
- این ۴ نوع چک در قانون صدور چک آمده بود (ماده یک صدور چک)
- چک تضمین شده شبیه سفته است بانک صادر می کند خودش هم قرار است بپردازد.

انواع چک

چک ها بر دو دسته اند:

- چک عادی
- چک های خاص

چک عادی: چکی که اشخاص عهده بانک به حساب جاری خودشان صادر می کنند. تضمینی هم به جز اعتبار صادر کننده وجود ندارد. چک ماده ۳۱۰ ق. ت. چک عادی

چک‌های خاص: یک چک تایید شده بند دو ماده یک ق صدور چک

نکات چک تایید شده: این چک مانند چک عادی است با این تفاوت که موجودی حساب جاری صادر کننده پس از تایید چک توسط بانک به میزان مبلغ چک در حساب مسدود می‌شود.

سؤال) در صورت ورشکستگی بانک آیا صادر کننده مسئول پرداخت چک می‌باشد؟

پاسخ در این سؤال منفی است چون پس از تایید، بانک صادر کننده مسئولیتی در قبال دارنده چک ندارد. دارنده فقط می‌تواند داخل غرمای بانک شود (البته طبق نظر دکتر ستوده در اسناد تجاری مسئولیت تضامنی حاکم است و صادر کننده چک دلیلی بر سقوط تعهد خودش ندارد پس صادر کننده چک حتی اگر محال علیه ورشکسته شده باشد مسئول پرداخت چک تضمین شده است. (قانون چک‌های تضمینی را پرینت بگیرید و بخونید).

چک تضمین شده بر دو نوع است:

چک تضمینی شده بانک ملی

چک تضمین شده قانون صدور چک

چک تضمین شده بانک ملی: این قسم چک در قانون چک‌های تضمین شده مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲ مشتمل بر ۵ ماده پیش بینی شده است. طبق ماده یک این قانون، به بانک ملی ایران اجازه داده شده به تقاضای مشتری چک هایی به نام چک‌های تضمین شده صادر و پرداخت وجه آن از طرف بانک تعهد شود.

- اولاً فقط بانک ملی ایران مجاز به انتشار این چک هست (ماده یک و چهار قانون چک‌های تضمینی).
- ثانياً صادر کننده این چک مشتری بانک است نه خود بانک (برخلاف آنچه در عمل وجود دارد).
- ثالثاً پرداخت وجه این چک از طرف بانک ملی تضمین شده است.

تبصره: طبق ماده ۲ قانون چک‌های تضمینی شده، صادر کننده و پشت نویسان حق ندارند پرداخت وجه چک تضمین شده را منع کند یا تقاضای مسدود کردن آن را بنمایند.

تبصره: طبق ماده ۳ قانون چک‌های تضمین شده، فوت، حجر ورشکستگی (از این ماده هم می‌فهمیم که حجر با ورشکستگی با هم فرق دارند) صادر کننده چک تضمینی شده به حقوق دارنده چک خللی وارد نمی‌آورد.

تبصره: طبق ماده ۳ قانون چک‌های تضمین شده، طلبکاران صادر کننده نیز حق توصیف وجه این نوع چک را اگر به نفع دیگر صادر شده باشد یا به نفع دیگری پشت نویسی شده باشد نخواهند داشت (این امر حاکی از انتقال محل چک به دارنده دارد).

طبق رای وحدت رویه شماره ۷۴ مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۲۷ جعل چک‌های تضمین شده بانک ملی، جعل اسکناس تلقی شده و جاعل مشمول مقررات جاعل اسکناس است (زیرا که این چک‌ها حامل است در حالیکه اسکناس را بانک مرکزی چاپ می‌کند)!

چک تضمین شده در قانون صدور چک: این چک در بند ۳ ماده یک قانون صدور چک تعریف شده، تعریف مذکور در ماده یک قانون صدور چک قابل انتقاد است. چون وقتی بانک چک صادر می‌کند ضامن پرداخت است.

تبصره ۳ ماده یک ق صدور چک: می‌گوید پرداخت چک‌های تضمین شده را نمی‌توانیم متوقف کنیم مگر صادر کننده نسبت به آن ادعای جعل کند. فقط ادعای جعل بانک صادر کننده نه مشتری

چک مسافرتی:

چک مسافرتی در بند ۴ ماده یک ق صدور چک تعریف شده است.

نکات:

۱- اولاً صادر کننده این چک بانک است و محال علیه آن هم بانک است یا شعب بانک یا کارگزاران بانک. ارقام این چک‌ها بدون اعشار نوشته می‌شود مثل این ۱۰۰۰۰۰۰۰ باید رند باشد با اعشار نمی‌شود که بگویند ۱۳۴۰۰۰۲۰۰

۲- در قسمت بالا و پایین این چک‌ها، نمونه امضای کسی که به نام او چک صادر شده گذاشته می‌شود. در موقع پرداخت، دارنده چک امضای دیگری در چک انجام می‌دهد. امضا دارنده یعنی وجه چک به دارنده پرداخت شده است. در واقع یعنی رسید وجه چک. در تست آمده بود، امضای دارنده در چک یعنی رسید وجه چک. چک مسافرتی معمولاً دارای شرط حواله کرده است و از طریق ظهر نویسی قابل انتقال است.

نکته تستی) اگر در سند تجاری حواله کرد خط بخورد و دارنده سند، سند را به دیگری منتقل کند به این می‌گویند انتقال طلب مدنی. رابطه مسئولین سند تجاری در این فرض قطع شود. من گودرزی چک صادر کردم فرد پشتش را امضا کرد داد به بعدی حالا خانوم آخری دارنده است. همه ما در برابر این خانوم مسئولیت تضامنی داریم (خانم دارنده آخر). اگر حواله کرد خط خورده باشد سند تجاری نیست، طلب مدنی است و مسئولیت کیفری ندارد چون تجاری نیست.

چک صورت حسابی: به این قبیل چک‌ها سند هزینه الصاق می‌شود و روی چک قید می‌شود که دریافت کننده سپس از امضا ظهر چک به منظور حصول مبلغ مندرج در آن در واقع صورت یا اسناد ضمیمه را هم مورد تایید قرار می‌دهد که این خودش یک رسید مناسب است برای صادر کننده چک (مناسب آنهایی است که مجتمع‌های بزرگ می‌سازند)

چک رسیده و چک نقل به حساب (چک نقل به حساب تهاتر)

چک رسیده: در این قسم چک، بانک اوراقی با مبلغ کمتر معین و معافیت مالیاتی در اختیار مشتری قرار می‌دهد و به موجب آن بانک تایید می‌کند مبلغ مندرج در هریک از اوراق موصوف را دریافت داشته است. به این ترتیب دارنده می‌تواند برای رفع نیازهای شخصی خود تدریجاً از این اوراق استفاده کند.

چک نقل به حساب (تهاتر): در این قبیل چک‌ها صادر کننده معمولاً روی چک کلمه پرداخت در حساب را می‌نویسد تا فقط از طریق نقل به حساب پرداخت گردد.

فقط چک‌هایی که در جدول بود مهم بود اینها ۹۹٪ در امتحان نمی‌آیند (تست ماده ۱۴ آزاد ۸۶)

ماده ۲۵۱

دارنده سند

صادر کننده برات

ظهر نویس اول

ظهر نویس دوم

ظهر نویس سوم

۱۰۰ میلیون

بدون بحث ورشکستگی اگر دارنده برود سراغ ظهر نویس سوم. ظهر نویس سوم می‌شد دارنده و حق رجوع به ایادی ماقبل را دارد.

با بحث ورشکستگی: توضیح ماده ۲۵۱ فرض مسئله این است که به طور مثال، صادر کننده ظهر نویس شماره ۱ و ۲ و ۳ ورشکست شده اند. دارنده سند ۱۰۰ میلیون تومان طلبکار است اگر دارنده سند وارد غرمای صادر کننده شود مشکلی پیش نمی‌آید اما مشکل جایی پیش می‌آید که دارنده سند وارد غرمای همه‌ی مسئولین می‌شود.

همانطور که قبلاً گفته بودیم قاعده در اسناد تجاری آن است که رجوع به ماقبل می‌شود یعنی اگر ظهر نویس شماره ۳ پرداخت نماید حق مراجعه به ایادی ماقبل را دارد اما در ماده ۲۵۱ ق.ت هرکسی که به دارنده سند تجاری مبلغی پرداخت کرده باشد مدیر تصفیه او حق ندارد به ایادی ماقبل رجوع نماید. به عنوان مثال: اگر دارنده برات ۱۰۰ میلیون تومانی در غرمای صادر کننده ظهر نویس اول ظهر نویس دوم و ظهر نویس سوم وارد شود و از هرکدام آنها ۳۰ میلیون تومان دریافت نماید ظهر نویس‌ها حق مراجعه به ایادی ماقبل را ندارند چون اینجا استثنا است و حالت ورشکستگی است.

علت: علت وضع این قاعده که حق رجوع به ماقبل را ندارند چیست؟ این است که اگر قرار باشد ورشکستگانی که در صورت عدم ورشکستگی بتوانند وجه برات و متفرعات آن را از مسئول قبلی برات وصول کنند در این مورد هم بتوانند به

ایادی ما قبل رجوع کنند. یک بدهی ۲ مرتبه محاسبه نمی‌شود: یک مرتبه از طرف دارنده برات - مرتبه دیگر از ناحیه مدیر تصفیه فرد ورشکسته.

بابت یک سند دوبار پرداخت نمی‌توان کرد. دارنده سند وارد غرما شده و بابت یک سند یک بار سهامی گرفته باشد ظهر نویس سوم نمی‌تواند بابت همان طلب (سند تجاری) به ایادی ما قبل رجوع کند چون ایادی ما قبل تنها توان پرداخت یک سهمی را داشته اند که آن را به دارنده سند پرداخته اند.

فرض دوم ماده ۲۵۱ دارنده سند که سند او ۱۰۰ میلیون تومان است وارد غرمای صادر کننده ظهر نویس اول - ظهر نویس دوم و ظهر نویس سوم می‌شود و از آن‌ها ۳۰ میلیون سهمی می‌گیرد. مشار الیه (دارنده) ۲۰ میلیون اضافه گرفته ۲۰ میلیون اضافی را باید به کسی بدهد که در حالت عادی حق رجوع به ایادی ما قبل را دارد. در مثال ما یعنی ظهر نویس شماره ۳ (تست آزاد ۸۸).

ورشکستگی

۴۱۲ + ۵۷۵ ق.ت

این قانون فوق العاده مهم است = قانون تصفیه و آیین نامه اش ۶۶ ماده

ورشکستگی و اعسار

ورشکستگی مخصوص تاجر و شرکت تجاری است. از تجار دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. تنها تاجری که ازش دادخواست اعسار پذیرفته می‌شود کسبه جزء است. ماده ۵۱۲ آ.د.م آن هم اعسار از هزینه دادرسی (طبق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب تیر ۱۳۹۴) از تاجر و اشخاص حقوقی اعسار پذیرفته نمی‌شود منظور از اعسار در اینجا اعسار از پرداخت محکوم به است.

تفاوت اعسار و ورشکستگی

۱- حکم ورشکستگی مطلق است و در برابر همه قابل استناد می‌باشد. مثلاً اگر یک نفر ورشکست شود و علیه او اقامه دعوا شود این شخص حکم ورشکستگی بگیرد این حکم در برابر همه قابل استفاده هست. سپس، اگر یک نفر دیگر علیه آن بخواهد اقامه دعوا کند شخص به حکم ورشکستگی اش استناد می‌کند. حکم اعسار نسبی است در برابر همه قابل استناد نیست. پس اگر حسن علیه حسین اقامه دعوا کند حسین حکم اعسار بگیرد این حکم فقط در برابر حسن قابل استناد است و اگر مجدداً رضا علیه حسین اقامه دعوا کند حسین باید دوباره برود اعسار بدهد (چون ممکنه بهو یارو ملی شود). حکم اعسار همیشه نسبت به خواهان حضوری است ولی حکم ورشکستگی می‌تواند حضوری یا غیابی باشد.

۲- از غیر تاجر دادخواست ورشکستگی پذیرفته نمی‌شود ولی از کسبه جزو طبق ماده ۵۱۲ آ.د.م دادخواست اعسار از هزینه دادرسی پذیرفته می‌شود.

۳- این تفاوت خیلی مهم است: حکم اعسار باعث از بین رفتن اختیار مُعسر نسبت به سؤالش نمی‌شود اما حکم ورشکستگی طبق ماده ۴۱۸ ق.ت موجب می‌شود تاجر از مداخله در امور مالی خود ممنوع شود.

۴- حکم اعسار در حال حیات اجرا می‌شود یعنی اگر شخص مُعسر بمیرد ورثه او نمی‌تواند به اعسار مورث استناد کنند و پرداخت بدهی را با خلل مواجه کند مگر اینکه خود ورثه مدعی اعسار باشند و اعسارشان را هم ثابت کنند.

ولی حکم ورشکستگی طبق ماده ۴۱۲ ق.ت در خصوص تاجری که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز صادر می‌شود.

نکته) دعوای ورشکستگی قابل ارجاع به داوری نیست. دعوای ورشکستگی قابلیت طرح در شورای حل اختلاف را ندارد.

۴۹۶ آ.د.م

ماده ۱۰ شوراهای حل اختلاف بند پ

تاجر: فعالیت عادی تاجر حرکت کرده به سوی توقف، متوقف می‌شود. بعد از درخواست صدور حکم ورشکستگی، رسیدگی به درخواست صدور حکم ورشکستگی و صدور حکم ورشکستگی قرار دارد. ارفاقی اگر نشد می‌رویم سراغ فروش و تقسیم اموال (قرارداد ارفاقی و فروش و تقسیم اموال در طول همنند) و اعاده اعتبار صورت پذیرد. ورشکستگی در این مرحله تمام می‌شود.

توقف: تاریخ توقف

تاریخ توقف یعنی سررسید نخستین دین پرداخت نشده اعم از اینکه این دین تجاری باشد یا مدنی. توقف به امر مادی است ولی ورشکستگی به امر حقوقی است. وقتی تاجر متوقف می‌شود ظرف سه روز از تاریخ وقفه باید توقف خودش را به محکمه اعلام کند کلیه دفاتر تجاری اش (حتی دفتر کپی) را به محکمه تحویل دهند. اگر این کار را انجام ندهند طبق بند ماده ۵۴۲ ق.ت ممکن است ورشکستگی به تقصیر اعلام شود.

• بعد از تاریخ توقف طبق ماده ۴۲۳ ق.ت یکسری از معاملات تاجر باطل است (چون اصل صحت معاملات است) پس معامله باطل باید تصریح شود.

- طبق رای وحدت رویه شماره ۱۵۵ دیوان عالی کشور از تاریخ توقف به بدهی‌های تاجر، خسارت تأخیر تأدیه تعلق نمی‌گیرد علت آن که در پاسخ یک تست بوده است "به جهت هم سطح شدن طلب طلبکاران". اگر طلب یکی از طلبکاران ۲۰۰ میلیون باشد دیگری دو میلیون، اگر قرار باشد که همه به فردی که ۲۰۰ میلیون طلبکار بوده خسارت تأخیر تأدیه صورت گیرد به بقیه اساساً چیزی نمی‌رسد.
- اگر تاریخ توقف جا به جا شود ممکن است این جا به جایی به نفع بعضی طلبکاران باشد یا به ضرر بعضی طلبکاران. مثال حسن خانه ای از تاجر به صورت صلح بلا عیوض گرفته است. اگر تاریخ توقف تاجر قبل از عقد صلح باشد معامله باطل است اگر تاریخ توقف بعد از عقد صلح باشد معامله صحیح است.
- تاریخ توقف شرط لازم برای ورشکستگی است نه شرط کافی. در تعریف ورشکستگی می‌گوییم ورشکست کسی است که از پرداخت دیونش عاجز باشد.
- تاریخ توقف استثنائی برقاعده فراغ دادرسی است (تست بوده تست) وقتی دادگاهی به پرونده ای رسیدگی می‌کند و حکم صادر می‌کند آن دادگاه عدداً دیگر نمی‌تواند رسیدگی کند. پس، اگر کسی دعوی تجدید نظر اقامه کند رسیدگی به این دعوا با دادگاه تجدید نظر است (ماده ۷ آ.د.م) اما طبق ماده ۵۳۶ ق.ت حکم توقف و ورشکستگی قابل اعتراض است. اگر اعتراضی رخ دهد همان دادگاه بدوی رسیدگی می‌کند و اسه همین می‌گویند استثناء برقاعده فراغ دادرسی است. اگر من علیه آن اقامه دعوا کنم و دادگاه بدوی حکم صادر کند و ایشان بگویند من نسبت به این حکم اعتراض دارم و می‌روم تجدید نظر. ولی در اینجا استثناء است.

درخواست صدور ورشکستگی

اول) طبق ۴۱۵ ق.ت حکم ورشکستگی به درخواست چند نفر اعلام می‌شود اولیش خود تاجر است اگر تاجر به این وظیفه اش عمل نکند طبق بند دو ۵۴۲ ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلام شود. یعنی برود بگوید من متوقفم در خواست صدور حکم ورشکستگی دارم.

دوم) نفر بعدی که در خواست صدور حکم ورشکستگی می‌کند یک و یا چند نفر از طلبکاران آقا. یک نفر هم می‌تواند در خواست ورشکستگی کند.

سوم) نفر بعدی که می‌تواند درخواست ورشکستگی کند مدعی العموم است.

چهارم) که قانون تجارت نگفته ولی اساتید گفته اند که ذی نفع کسی است که هنوز طلبکار نشده باشد. یعنی موعد سررسید او نرسیده ولی اگر تاجر به همین روند ادامه دهد طلبکار می‌شود.

من با توجه قرارداد پیمانکاری بستم نه من کار کردم نه تو پول دادی. حالا من می‌گویم اگر دارد ورشکسته می‌شود من بعداً بدبخت می‌شوم من ذی نفع هستم.

- دادگاه صالح دادگاه بدوی محل اقامت تاجر ورشکسته است.
- دعوی ورشکستگی قابلیت طرح در شورای حل اختلاف ندارد.
- دعوی ورشکستگی قابل ارجاع به داوری نیست ۴۹۶ آ.د.م
- مدیر تصفیه می تواند دعاوی ورشکسته را به صلح خاتمه دهد ۴۵۸ و ۴۵۹ ق.ت مدیر تصفیه با اجازه عقد تاجر و اگر اداره تصفیه بود دیگر اجازه عقد تاجر لازم نیست چون با اداره تصفیه دیگر عضو ناظر تعیین نمی شود.
- صلح راجع به عقد منقول دو نکته دارد.
 - ✓ یکی تصدیق محکمه نیاز است.
 - ✓ اگر ورشکسته اعتراض کند به صلح، صلح دیگر لازم الاجرا نیست تا محکمه تعیین تکلیف کند.

نکات صدور حکم ورشکستگی

دو تاریخ داریم

- ✓ تاریخ توقف
 - ✓ تاریخ ورشکستگی
 - ۱- وقتی حکم ورشکستگی صادر می شود باید در حکم خودش تاریخ توقف را معین کند. اگر تاریخ توقف را معین نکرد تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاریخ توقف می شود.
 - ۲- محکمه در حکم ورشکستگی خودش، باید یک نفر به عنوان عضو ناظر تعیین کند. اگر در محل، اداره تصفیه داشته باشیم دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه محل ارجاع می دهد و دیگر عضو ناظر تعیین نمی شود. ماده یک قانون اداره تصفیه
 - ۳- دادگاه ضمن حکم یا منتهی در ظرف ۵ روز پس از صدور حکم، باید یک مدیر تصفیه تعیین کند (پس تعیین مدیر تصفیه در حکم ورشکستگی الزامی نیست).
- توجیه) چون عضو ناظر باید همان هنگام صدور حکم بیاید مهر وموم کند ولی بعد از ۵ روز مدیر تصفیه وقتی همه کارها انجام شده می آید.

نظارت عضو ناظر در بحث ورشکستگی بعضی مواقع

- ✓ اطلاعی
- ✓ اصراری
- ۴- طبق آیین نامه راجع به ورشکستگی طلبکاران، تاجران نمی توانند به عنوان مدیر تصفیه تعیین شوند.

تبصره) در شرکت‌های سهامی اگر شرکت منحل شود (غیر از مورد ورشکستگی) امر تصفیه باید با مدیران باشد ولی اگر شرکت ورشکسته شود تابع مقررات ورشکستگی است. (هرشرکتی که منحل است یا ورشکسته یا مدت منقضی یا.....)

نکته تستی) اگر دادگاه مدیر تصفیه تعیین کند ولی مدیر تصفیه حاضر به قبول سمت نباشد باید امر تصفیه را به اداره‌ی تصفیه‌ی محل واگذار کند.

ماده ۲۷۵ لایحه اصلاحی

۵- مرجع شکایت از تصمیمات عضو ناظر، دادگاهی است که عضو ناظر را به این سمت انتخاب کرده است
مرجع شکایت از تصمیمات مدیر تصفیه عضو ناظر است.

مرجع شکایت از تصمیمات اداره تصفیه دادگاه است. (دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی) ماده ۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی.

۶- طبق ماده ۴۱۷ ق. حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود. یعنی قبل از قطعیت قابل اجرا است (تست بوده) یعنی روند دادرسی به نوعی است که که حکمی صادر می‌شود که ممکن است قابل تجدید نظر باشد یا قابل واخواهی یا هردو. وقتی مهلت تجدید نظر گذشت یا از حکم تجدید نظر خواهی شد حکم قطعیت پیدا می‌کند. در این صورت از طریق اجرای احکام دادگستری قابلیت اجرا دارد.

دو استثنا است که قبل از قطعیت حکم به اجرا در می‌آید. حکم ورشکستگی ۴۱۷ تجارت - تصرف عدوانی ۱۵۸.د.م

۷- طبق قانون تجارت، حکم ورشکستگی تاجری که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او می‌توانیم صادر کنیم.

طبق ماده ۲۷۴ ق امور حسبی، تصفیه امور متوفی بازرگان تابع قانون تجارت به عمل می‌آید (در مبحث ورشکستگی) ۴۱۲ ق.ت ۲۷۴ امور حسبی

چه من تاجر ورشکسته ای باشم چه تاجری باشم که بمیرم فرقی ندارد (هر دو در زمره قانون ورشکستگی قرار می‌گیرد).

انواع ورشکستگی

۴ نوع است:

۱- ورشکستگی عادی: تاجری است که متوقف از تأدیه دین شده ۴۱۲ و مرتکب هیچ یک از موارد ۵۴۹ و ۵۴۱ نشده است. این ماده را باید حفظ باشید عین متن ماده سؤال می دهند.

ورشکسته عادی مجرم محسوب نمی شود.

۲- ورشکسته به تقصیر امکانی اسم دیگریش اختیاری:

تاجری که متوقف از تأدیه دین شده ۴۱۲ و مرتکب یکی از بندهای ماده ۵۴۲ ق.ت شده باشد. محکمه ممکن است چنین تاجری را ورشکسته به تقصیر اعلام کند، اگر محکمه آن ورشکسته به تقصیر اعلام کند مجرم محسوب می شود و مجازاتش ۶ ماه تا ۲ سال حبس است. (۶۷۱ ق.م.ا). (اگر به قاضی ثابت نشد که ورشکسته به تقصیر نیستم اینکه دیگر مجرم هستم بنا به تشخیص قاضی است).

۵۴۲-۵۴۹-۵۴۱

تست: کدام عبارت صحیح است؟

- ۱- من تاجریم که ورشکسته نیستم فقط دفاترم را گم کرده ام.
 - ۲- تاجری دفاتر خود را ناقص تنظیم کرده باشد به تقصیر الزامی است.
 - ۳- تاجری دفاتر خود را مفقود کرده باشد ورشکسته به تقصیر اعلام می شود.
 - ۴- تاجری که دفاتر خود را ناقص و بی ترتیب تنظیم کرده باشد ورشکسته به تقصیر اعلام می شود. (باید می گفت تاجر ورشکسته نه تاجر چون در این گزینه ها ورشکسته نیست و متن ماده گفته تاجر ورشکسته)
- نکته تست: داشتن یا نداشتن دفتر تجاری، مفقود کردن دفتر تجاری، ناقص و بی ترتیب تنظیم کردن دفتر تجاری، دلیل ورشکستگی نیست. گزینه ۴ صحیح است.
- دلیل ورشکستگی طبق ماده ۴۱۲ ق.ت توقف از پرداخت دیون است.
- ولی موارد پیشتر گفته شده، نوع ورشکستگی را مشخص می کند. (من اگر ورشکسته شوم دفاترم را گم کنم ورشکسته به تقصیرم).

نکته تستی ریز: دفتر تجاری هیچ ربطی به ورشکسته به تقصیر الزامی ندارد.

دفتر

- ورشکسته به تقصیر امکانی
- تقلب

۳- ورشکسته به تقصیر الزامی اسم دیگریش اجباری:

تاجری که متوقف از تأدیه دین شده و مرتکب یکی از بندهای ماده ۵۴۱ ق.ت شده محکمه مکلف است. چنین تاجری را ورشکسته به تقصیر اعلام کند. چنین ورشکسته ای مجرم است و مجازاتش ۶ ماه تا ۲ سال حبس است.

۴- ورشکسته به تقلب

تاجری که متوقف از تأدیه دین شده و مرتکب ماده ۵۴۹ ق.ت. شده چنین تاجری مجرم است طبق ماده ۶۷۰ ق.م.ا و مجازاتش ۱ تا ۵ سال حبس است (درجه ۵).

نکته: اگر تاجری به وظایف قانونی خودش عمل نکند موارد (۱۳ و ۱۴ ق.ت.) محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را هم صادر می کند (ماده ۴۳۵ ق.ت.).

نکته: قرار توقیف تاجر در سه مورد صادر می شود:

۱- ماده ۴۳۵ ق.ت

۲- ماده ۲۱ ق.اداره تصفیه

۳- ماده ۴۳۶ ق.ت تاجر متوقف از عملیات تصفیه جلوگیری کند (مثلا می خواهند مهر و موم کنند و ممانعت می کند).

نکته تستی: تست بوده قرار توقیف تاجر چه موقعی صادر می شود؟

۱- محکمه صلاح بداند

۲- اداره تصفیه تقاضا کند

۴۳۵ تجارت ۲۱ ق.اداره تصفیه

نکته ماده ۲۱ قانون اداره تصفیه

اداره تصفیه رأسا می تواند اقدام به جلب کند ولی رأسا نمی تواند تاجر را توقیف کند ولی اگر اداره تصفیه بخواهد تاجر توقیف شود این امر باید از دادگاه تقاضا نماید. تست های ص ۵۲۵ کتاب فرحناکیان رأسا اقدام به جلب در خواست توقیف تاجر از دادگاه مهم است.

نکته: حکم ورشکستگی نیاز به صدور اجرائیه ندارد (قبل از قطعیت به اجرا در می آید) که در تست بوده است.

نکته: در حکم ورشکستگی دیگری باید بیاد؟ امر به مهر و موم اموال تاجر ورشکسته در حکم می تواند قید شود.

نکته: حکم ورشکستگی قابل اعتراض است ۵۳۶ ق.ت (مثل تاریخ توقیف که آن هم قابل اعتراض بود).

نکته: از تاریخ صدور حکم ورشکستگی (نه از تاریخ ابلاغ حکم، نه از تاریخ قطعیت) تاجر ورشکسته از مداخله در تمام امور مالی اش ممنوع است. حتی چیزهایی که ممکن است در مدت ورشکستگی عایدش شود (مثلا یک مالی بهش ارث برسد یا در یک مسابقه برنده شود مثلا جایزه بانک را ببرد).

تبصره: تاجر ورشکسته محجور نیست ۱۲۰۷ ق.م

طبق ماده ۴۱۸ ق.ت تاجر از مداخله در امور مالی اش ممنوع است. در بحث حقوق تجارت می‌گویند حجر تاجر سوظنی است یعنی تاجر اهلیت دارد ولی به خاطر حمایت از طلبکاران اختیار تصرف در اموالش را ندارد.

نکته: از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، هر کس هر دعوایی اعم از منقول و غیر منقول داشته باشد باید به طرفیت مدیر تصفیه اقامه کند یا به طرفیت مدیر تصفیه ادامه دهند. موارد اجرایی اعم از اجرای ثبت و اجرای احکام نیز باید از طریق مدیر تصفیه ادامه پیدا کند. ۴۱۸-۴۱۹

نکته: از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، قروض موجب تاجر (نه مطالبات موجب) بارعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت به قروض حال تبدیل می‌شود. این امر در تست بوده است.

نکته: مدیر تصفیه طبق ماده ۴۱۹ قائم مقام قانونی تاجر ورشکسته است و حق دارد به جای تاجر ورشکسته از حقوق و اختیارات تاجر استفاده کند. (بعضی مواقع خود تاجر ورشکسته حقی ندارد اما به جهت حفظ حقوق طلبکاران مدیر تصفیه ذیحق شناخته می‌شود)

قرار داد ارفاقی (فوق العاده مهم)

قرار داد ارفاقی یک عقد معین است (در قانون مدنی هم نیامده مثل عقد بیمه که در قانون بیمه آمده است).

قرار داد ارفاقی یک عقد جمعی است (عقد جمعی در مدنی ۱- قرار داد ارفاقی ۲- قراردادهای جمعی کار)

قرارداد ارفاقی استثناء بر اصل نسبی بودن قرار داد هاست.

طرفین قرارداد ارفاقی

- یکی تاجر ورشکسته
- یکی طلبکارها

(مدیر تصفیه، اداره تصفیه، عضو ناظر) طرفین قرار داد ارفاقی نیستند. فقط عضو ناظر برای تصدیق قرارداد ارفاقی باید به محکمه راپورت یا گزارش بدهد. جایی که عضو ناظر نیست اداره تصفیه است.

با هر تاجری ورشکسته قرار داد ارفاقی نمی‌شود منعقد کرد.

با هر طلبکاری هم قرارداد ارفاقی نمی‌شود منعقد کرد.

تاجر ورشکسته گفتیم بر چهار نوع است:

- ۱- ورشکسته عادی
- ۲- ورشکسته به تقصیر امکانی
- ۳- ورشکسته به تقصیر الزامی
- ۴- ورشکسته به تقلب

با ورشکسته عادی و ورشکسته به تقصیر (الزامی - امکانی) قرار داد ارفاقی می‌توانیم منعقد کنیم ولی با ورشکسته به تقلب انعقاد قرارداد ارفاقی ممنوع است.

تبصره) اگر تاجری تحت تعقیب باشد به ورشکسته به تقصیر یا تقلب. طلبکارها دو کار می‌توانند انجام دهند:

- ۱- انعقاد قرار داد را به تأخیر بیندازند تا تعیین تکلیف شود یا
- ۲- دو قرار داد ارفاقی را منعقد کنند. اگر منعقد بکنند تاجر محکوم شود به ورشکستگی به تقصیر. قرارداد ارفاقی کماکان صحیح است ولی اگر به ورشکستگی به تقلب محکوم شود قرارداد ارفاقی باطل است (بند یک ماده ۴۹۲ ق.ت).

در تست اگر گفت ورشکسته به تقصیر محکوم شده می‌گوییم اشکال ندارد و می‌توانیم باه وی قرار داد ارفاقی ببندیم. اگر گفت ورشکسته به تقلب محکوم شده، می‌گوییم نمی‌توانیم با وی قرارداد ارفاقی ببندیم.

تبصره) با هر طلبکاری هم قرارداد ارفاقی نمی‌توان بست. با طلبکاری می‌شود قرارداد ارفاقی بست که طلبش تشخیص و تصدیق شده یا طلبش موقتا قبول شده است.

نکته تبصره بالایی) تشخیصی طلب با مدیر تصفیه است تصدیق طلب با عضو ناظر است ۴۶۷.

اگر بین مدیر تصفیه و عضو ناظر اختلاف شود حل این اختلاف با دادگاه است ۴۶۸.

نکته) طلبکار موقت طلبکاری است که دادگاه او را به آن سمت بشناسد (نه مدیر تصفیه) (نه اداره تصفیه) (نه عضو ناظر) ۴۷۰ ق.ت با همه نکاتش را بخوانید.

اگر طلبی تحت تعقیب جزایی قرار گیرد محکمه دو کار می‌تواند انجام دهد:

- ۱- قرارداد ارفاقی را به تأخیر بیندازد
 - ۲- قرارداد ارفاقی را به تأخیر نیندازد
- ولی اگر محکمه قرارداد ارفاقی را به تأخیر نینداخت نمی‌توان صاحب چنین طلبی را به عنوان طلبکار موقت بشناسد ۴۷۱.

اگر طلبی مورد اختلاف واقع نشود محکمه ۱۵ روز فرصت دارد بررسی کند که آیا شخص طلبکار است یا طلبکار نیست و می‌تواند قرارداد ارفاقی را به تأخیر بیندازد یا به تأخیر نیندازد ماده ۶۹ ق. ت.

بعد از اینکه طرفین قرارداد ارفاقی به توافق رسیدند عضو ناظر باید گزارشی به محکمه بدهد و محکمه بعد از گزارش عضو ناظر قرار داد ارفاقی را تصدیق کند.

در انعقاد قرار داد ارفاقی دو اکثری ناظر است:

- اکثریت نصف + یک طلبکارها
- با داشتن لااقل سه ربع از مطالبات ۳/۴ (ماده ۴۸۰) (۳/۴ مطالبات تشخیص و تصدیق شده یا موقتا قبول شده)

تبصره) اگر یکی از این اکثریت‌ها حاضر نباشد وجود نداشته باشد. یعنی طلبکارها آمده اند اکثریت‌ها نیامده اند. نتیجه، حاصل از قرارداد ارفاقی معلق می‌ماند. قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می‌شود (طلبکارانی که خودشان یا وکیلشان در مجلس اول حضور داشتند نیازی نیست در مجلس دوم حضور پیدا کنند مگر اینکه بخواهند در تصمیمشان تغییری دهند).

قرار داد ارفاقی نسبت به سه دسته اثر دارد:

نفر اول، خود تاجر ورشکسته است. تاجر ورشکسته از حِجر مالی خارج می‌شود و تمام دفاتر تجاری که قبلاً تحویل داده بود (۴۱۳) و صورت حساب اموالش را و خود اموالش را بهش برمی‌گرداند و تاجر ورشکسته مکلف است به اجرای قرار داد ارفاقی)

نفر دوم، نسبت به طلبکاران در انعقاد قرار داد ارفاقی، طلبکاران تاجر می‌شوند سه دسته اند:

دسته اول) موافقین قرارداد ارفاقی (اکثریت) در تست می‌گویند اکثریت از سهم غرما چیزی دریافت نمی‌کند اما وقتی تاجر شروع به کار کردن کرد اول باید با طلبکاران موافق تصفیه شود.

دسته دوم) مخالفین قرار داد ارفاقی (یا اقلیت در تست) اثر قرارداد ارفاقی نسبت به اینها وقتی قرار داد ارفاقی منعقد می‌شود اقلیت سهم غرمایی می‌گیرند. اثر دیگرش این است که وقتی تاجر شروع به کار کرده اول باید با اکثریت تصفیه حساب شود بعد بیاید سراغ بقیه.

دسته سوم) طلبکاران ممتنع یا دودل به این طلبکاران ۱۰ روز فرصت داده می‌شود که بروند که داخل اکثریت یا بیایند داخل اقلیت. اگر ۱۰ روز گذشته و هیچی نگفت می‌رود در اقلیت.

نفر سوم، ارگان تصفیه، همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی قطعی شده مدیر تصفیه با حضور عضو ناظر و تاجر ورشکسته صورت حسابی را تنظیم می‌کند. اگر اختلافی نباشد مدیر تصفیه کلیه دفاتر تجاری را اسناد و نوشته جات و دارایی تاجر را به استثناء سهمی که به اقلیت دهد به تاجر ورشکسته تقدیم می‌کند و از وی رسید می‌گیرد. وقتی مدیر تصفیه سهم اقلیت را داد ماموریتش خاتمه پیدا می‌کند. عضو ناظر از کارهایی که مدیر تصفیه انجام داده صورت مجلسی تهیه می‌کند و ماموریت عضو ناظر هم خاتمه پیدا می‌کند.

وقتی قرارداد ارفاقی منعقد شود دعوا (در مدنی بطلان نداریم) بطلانی نیست. قرارداد ارفاقی پذیرفته شده نیست مگر در دو مورد:

۱- تاجر محکوم به ورشکسته به تقلب شود ۴۹۲ ق.ت

بعد از تصدیق قرارداد ارفاقی معلوم می‌شود در میزان دارایی و قروض حيله ای به کار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده ۴۹۲ بند ۲ و ۴۹۰

من روزی گفتم از حافظ ۴۰۰ میلیارد طلبکارم. آقا گل دروغ گفت من ۱۰۰ میلیون طلبکارم همه دروغ گفتند قرارداد ارفاقی هم منعقد شده است. چون طلب حافظ ۴ میلیون بوده اون آقا گل هم یک میلیون. بعدا می‌فهمند که قدر حقیقی قلمداد نشده. نصف+ یک وجود داشته ولی ۳/۴ مطالبات نبوده پس قرار داد ارفاقی باطل است.

اثر بطلان قرارداد ارفاقی

- ۱- مدیر تصفیه و عضو ناظر تعیین می‌شوند (مدیر تصفیه و عضو ناظر ماموریتشان خاتمه پیدا کرده دوباره تعیین می‌شود).
- ۲- اگر قرارداد ارفاقی ضامنی داشته باشد ضمانت ضامن‌ها خود به خود ملغی می‌شود.
- ۳- تاجر مجدداً جبر مالی پیدا می‌کند.
- ۴- اگر معاملاتی انجام داده باشد از زمان تصدیق قرارداد ارفاقی تا زمان بطلان قرار داد ارفاقی اصل بر صحت معاملاتش است مگر اینکه ثابت شود معامله صوری بوده است.
- ۵- اگر طلبکاران قرار داد ارفاقی چیزی گرفته باشد (باز مبلغی دریافت کرده باشد از سهم غرمایشان کسر می‌شد).

فسخ قرارداد ارفاقی

یک عقد لازم است اگر تاجر به مفاد قرارداد ارفاقی عمل نکند قرارداد ارفاقی ممکن است فسخ شود ۴۹۴ (نمی‌گوییم فسخ می‌شود می‌گوییم ممکن است فسخ شود).

نکات فسخ قرارداد ارفاقی

- ۱- اگر قرارداد ارفاقی دارای ضامن باشد طلبکاران مخیر بین دو چیز اند
قرارداد ارفاقی را فسخ کنند یا به ضامن‌ها رجوع کنند.
پس اگر قرار داد ارفاقی ضامن نداشته باشد فقط یک راه وجود دارد فسخ است.
وقتی قرارداد ارفاقی فسخ می‌شود مجدداً مدیر تصفیه و عضو ناظر تعیین می‌شوند (همانند بطلان) ماده ۴۹۷ ق.ت.
 - ۲- در شرکت‌های تضامنی و نسبی و همچنین در شرکت‌های مختلط (در خصوص شرکای ضامن) قرارداد ارفاقی را می‌توانیم با خود شرکت منعقد کنیم یا با شرکای ضامن (بارها تست بوده است) ۵۰۶ البته زمانی قرار داد ارفاقی را با شرکا ببندیم که شرکا خودشان تاجر باشند.
 - در شرکت‌های تضامنی، نسبی، مختلط (شرکای ضامن) اگر دارایی شرکت کفاف ندهد طلبکاران حق مراجعه به شرکا را دارند. مسئولیت شرکا در برابر طلبکاران مسئولیت تضامنی است ولی استثناً اگر با شریکی قرارداد مخصوصی منعقد شود از مسئولیت ضمانتی مبرا است ۵۰۶. مثلاً من رفتم به این شرکت و شرکت نداشت که بدهی را بدهد. من حق مراجعه به شرکا را داشتم که مسئولیت آن تضامنی است. می‌روم سراغ شرکا می‌فروشم و طلبم می‌گیرم ولی اگر با یک شریک قرارداد ارفاقی منعقد شود نمیتوانم اموالش را بفروشم. اگر با من قرارداد ارفاقی بستی حق نداری بروی اموالم را بفروشی ۱۲۴ ق.ت - ۵۰۶
 - ✓ بیا قرار داد ارفاقی ببند
 - ✓ یا اموالم را بیا بفروش
- نکته تستی) در شرکت‌های سرمایه ای قرارداد ارفاقی را فقط با شرکت می‌توانیم منعقد کنیم اما در شرکت‌های شخصی با شرکای ضامن هم می‌توان قرارداد ارفاقی منعقد کرد (نکته قبلی)
- طبق ماده ۲۰۸ لایحه‌ی اصلاحی تا پایان ختم علیات تصفیه شخصیت حقوقی شرکت پابرجاست. وقتی با شرکتی قرارداد ارفاقی منعقد می‌شود یعنی شرکت هنوز شخصیت حقوقی دارد چون هنوز تصفیه نشده است.
- نکته: طلبکاران می‌توانند تجارت تاجر را خودشان انجام دهند. اگر بخواهند این کار را انجام دهند می‌توانند وکیل بگیرند یا عامل مخصوص بگیرند یا به خود مدیر تصفیه این اختیار را دهند.
- نکته تستی) طبق قانون تجارت تصمیم‌گیری برای ادامه کار تاجر با خود طلبکاران است ۵۰۷ ق.ت ولی طبق ماده ۲۷ قانون اداره تصفیه پیشنهادش با طلبکاران است و تصمیم‌گیری با اداره‌ی تصفیه است که دقیقاً تست بوده است.

اعتراض به قرارداد ارفاقی ۴۸۵

طلبکارانی که حق شرکت در قرارداد ارفاقی را داشتند حق اعتراض به قرارداد ارفاقی را هم دارند. اعتراض باید موجه باشد ظرف یک هفته از تاریخ انعقاد قرارداد ارفاقی باید به دو نفر ابلاغ شود. به مدیر تصفیه و به خود تاجر ورشکسته و الا از درجه اعتبار ساقط است.

محکمه ای که راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی می‌خواهد تصمیم‌گیری کند می‌تواند قبل از انقضای مهلت یک هفته ای برای اعتراض هم به اعتراض رسیدگی کند. هم تصدیق قرارداد ارفاقی اگر اعتراض وارد باشد قرارداد ارفاقی نسبت به تمام اشخاص ذینفع بلا اثر است.

فروش و تقسیم اموال

طبق ماده ۴۰ قانون اداره تصفیه، اصل بر این است که اموال تاجر ورشکسته از طریق مزایده به فروش برسد (تست بوده است).

ماده ۴۰ قانون اداره تصفیه استثنائات وارد بر این اصل را گفته است (متن ماده تست بوده است).

طبق ماده ۵۰ قانون اداره تصفیه از تاریخ وصول حکم به اداره، اداره تصفیه حداکثر ظرف ۸ ماه باید عملیات را خاتمه دهد ولی این مهلت قابل تمدید است (مهلت قانونی) آن ۸ ماه ولی اگر تمدید شود قانون راجع به مهلت چیزی نگفته سپس مهلت می‌شود مهلت قضایی. ۱۵۰ اداره تصفیه، ۲۱۴ لایحه اصلاحی. ماده ۲۱۴ لایحه اصلاحیه می‌گوید، عملیات تصفیه باید حداکثر ظرف مدت دو سال خاتمه پیدا کند. ماده ۲۱۴ لایحه اصلاح با ماده ۵۰ قانون اداره تصفیه در تعارض نیست. چرا؟ چون ماده ۲۱۴ لایحه اصلاح در خصوص انحلال غیر از مورد ورشکستگی است چون طبق ماده ۲۰۰ همان قانون در صورت ورشکستگی، شرکت تابع مقررات ورشکستگی قانون تجارت است.

طبق ماده ۲۲ قانون اداره تصفیه: اگر ورشکست اموالی به جز مستثنیات دین نداشته باشد، عملیات تصفیه خاتمه پیدا می‌کند مگر بستانکاران درخواست اجرای اصول ورشکستگی را کنند و هزینه آن را هم بپردازند. مگر بستانکاران ظرف ۱۰ روز درخواست اجرای اصول ورشکستگی را کنند (طلبکاران می‌گویند طرف مالش را مخفی کرده است به مدیر تصفیه پول می‌گویند بگرد چون این فرد مال دارد اگر پیدا شد که هیچی اگر نشد پول از جیبشان رفته است).

طبق ماده ۲۳ اداره تصفیه: (ماده ۱۶ اداره تصفیه). اگر اموال تاجر ورشکسته کافی برای پرداخت هزینه‌های ورشکستگی نباشد اداره تصفیه، تصفیه اختصاری انجام می‌دهد مگر طلبکاران تقاضای تصفیه عادی کنند.

مستثنیات: در اختیار تاجر ورشکسته قرار می‌گیرد ولی جزء صورت اموال ورشکسته قید می‌شود، علت چون اگر ورشکسته فوت شود و مستثنیات دین، دیگر مستثنیات دین محسوب نمی‌شود. به فروش می‌رسد بین طلبکاران تقسیم می‌شود.

نکته تستی) اگر نسبت به مستثنیات دین حق عینی تبعی باشد، این مال بدون توجه به مستثنیات دین بودنش به فروش می‌رسد (من نمی‌توانم بگویم این مستثنیات دین بودش. در نتیجه یارو میتونه بیره دادگاه بفروشه چون وثیقه دین بوده است).

نکته تستی) مستثنیات دین را نمی‌توان فروخت اما یک راه است به نام توقیف احتیاطی: آهنگری یک تاکسی دارد که جز مستثنیات دینش است. من نمیتوانم بگیرم. حالا من میرم این تاکسی را توقیف احتیاطی می‌کنم که وقتی آهنگر مرد من نسبت به بقیه طلبکاران حق تقدم دارم (بعد از ورشکستگی).

توقیف احتیاطی) طلبکاران شخص غیر تاجر می‌توانند اموال بدهکار را توقیف احتیاطی کنند یعنی می‌توانند مستثنیات دین را در زمان حیات توقیف کنند ولی حق فروش آن را در زمان حیات ندارند. وقتی که شخص فوت شد نسبت به توقیفی که انجام دادند حق تقدم نسبت به سایر طلبکاران دارند.

نفقه تاجر ورشکسته و خانواده اش ۴۴۷ ق.ت ۵۰۵ قانون اداره تصفیه

طبق ماده ۴۴۷ ق.ت: نفقه تاجر و خانواده اش از اموال تاجر توسط عضو ناظر تعیین و به تصویب محکمه می‌رسد. در ماده ۴۴۷ عضو ناظر داریم و محکمه

در ماده ۵۰۵ قانون تجارت: سه نفر باید شرکت کنند که نفقه تاجر پرداخت شود:

- ۱- اکثریت نصف + یک طلبکارها با داشتن لا اقل ۳ ربع از مطالبات رضایت می‌دهند.
- ۲- بعد عضو ناظر میزان نفقه را معین می‌کند.
- ۳- محکمه آن را تصویب می‌کند.

نکته تستی) اگر در تست راجع به نفقه گزینه بگوید

عضو ناظر - محکمه این گزینه درست است.

اگر گزینه بگوید

عضو ناظر

محکمه

طلبکاران

این گزینه درست تر است (تست‌های زیر ماده ۴۴۷).

طبق ماده ۲۱ (تصفیه) نفقه ورشکسته را اداره تصفیه تعیین می‌کند و بهش پرداخت می‌کند (وقتی اداره تصفیه داریم طبق ماده یک اداره تصفیه دیگر عضو ناظر نداریم. در تست اگر گفته باشند مطابق قانون اداره تصفیه گزینه عضو ناظر غلط است) (در تست اگر اسم اداره تصفیه آمد عضو ناظر را انتخاب نمی‌کنیم).

ختم عملیات تصفیه ختم محرومیت‌های اجتماعی و اعاده اعتبار

همانطور گفتیم طبق ماده ۵۰ اداره تصفیه، ورشکستگی و عملیات تصفیه باید ظرف مدت ۸ ماه خاتمه پیدا کند. نکته ای که امسال حتما سؤال است) وقتی تاجر ورشکسته می‌شود از یک سری امور ممنوع و محروم است. به طور مثال، طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در امور مالی اش ممنوع است.

- و طبق بند ۳ ماده ۱۲۳۱ ق. م کسی که حکم ورشکستگی اش صادر شده نمی‌تواند تا زمانی که عملیات تصفیه اش خاتمه نیافته به عنوان قیم انتخاب شود.
- طبق ماده ۱۱۱ لایحه اصلاحیه، نمی‌تواند به مدیریت شرکت انتخاب شود.
- طبق ماده ۱۴۷ لایحه اصلاحیه، نمی‌تواند به عنوان بازرس شرکت انتخاب شود.

طبق ماده ۱۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب تیر ۹۴

کسی که به معامله به قصد فرار از دین محکوم می‌شود نمی‌تواند به عنوان هیئت مدیره شرکت انتخاب شود. نمی‌تواند به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب شود ولی این قانون در مورد بازرس منعی ندارد. پس می‌تواند به عنوان بازرس انتخاب شود. ماده ۱۷ محکومیت‌های مالی را بخوانید.

- ماده ۱۱۱ و ۱۴۷ لایحه اصلاحیه می‌گوید باید حکم ورشکستگی صادر شود و نگفته باید قطعی شود. در آن‌ها نگفته حکم صادر شد. نمی‌تواند به عنوان مدیر عامل انتخاب شود یعنی با صدور حکم ورشکستگی نمی‌تواند.

اعاده اعتبار

اعاده اعتبار وضعیتی است که تاجر از محرومیت‌های اجتماعی خارج شده و به دنبال این است که اعتبار از دست رفته را مجدداً برگرداند.

اعاده اعتبار ۲ نوع است (هر دو اعاده اعتبار به حکم دادگاه است):

- اعاده اعتبار حقیقی (اسم دیگرش حقی یا واقعی) ۵۶۱
- یا اعاده اعتبار قانونی است (اسم دیگرش حکمی)

نکته تستی) اگر در تست کلمه ۵ سال دیدی اعاده اعتبار ما عمرا حقیقی نیست و قطعاً قانونی است.

در اعاده اعتبار حقیقی کسی به تاجر لطف نکرده یعنی نه قرارداد ارفاقی باهاش منعقد شده نه کلیه طلبکارها ذمه اش را بری کرده اند. تاجر کلیه دیون خود را پرداخته است.

اعاده اعتبار قانونی: طلبکارها به تاجر لطف کرده اند قرارداد ارفاقی منعقد کرده اند. تاجر به مفاد قرارداد ارفاقی عمل کرده است یا اینکه کلیه طلبکاران ذمه تاجر را بری کرده اند یا به اعاده اعتبارش رضایت دادند. در این صورت، تاجر ظرف مدت ۵ سال از تاریخ اعلام ورشکستگی باید صحت عملش را به اثبات برساند ۵۶۱ - ۵۶۵

در تست آمده بود اعاده اعتبار از طرف طلبکاران قابل اعتراض است: طبق ماده ۵۶۱ و ۵۶۲ طلبکاری می تواند به اعاده اعتبار اعتراض کند که طلبش را کاملاً دریافت نکرده باشد.

اعتراض به وسیله اظهار نامه به عمل می آید.

طبق ماده ۵۷۳ اگر دادخواست اعاده اعتبار رد شود تجدید آن ممکن نیست مگر پس از انقضای ۶ ماه

نکته تستی ۹ اگر کسی به ورشکستگی به تقلب محکوم شود طبق ماده ۵۷۵ زمانی می تواند اعاده اعتبار تجاری کند که از جنبه جزایی اعاده اعتبار کرده باشد.

این ماده اسمی از ورشکسته به تقصیر نمی آورد فقط می گوید ورشکسته به تقلب (تست آزاد ۷۸) ذیل ماده ۵۷۵ را بخوان.

تست استاد) کدام گزینه صحیح است؟

۱- چنانچه تاجر ظرف ۳ روز از تاریخ توقف، توقف خودش را به محکمه اعلام نکرده باشد ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلام شود.

۲- در صورتیکه تاجر اقدام به صدور برات سازشی کند ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلام شود.

۳- اگر تاجر بعد از تاریخ توقف یکی از طلبکاران را به دیگران ترجیح داده ولی طلب او را نپرداخته باشد ورشکسته به تقصیر اعلام می شود.

۴- موارد ۱ و ۲ (در تست های ورشکسته به تقصیر و تقلب حواس به ممکن است الزامی باشد قرار گیرد).

• برات سازشی اگر صادر شود توسط تاجر متوقف تاجر در صورت ورشکستگی حتماً ورشکسته به تقصیر اعلام می شود چون برات سازشی مشمول بند ۳ ماده ۵۴۱ می شود. (۵۴۱-۵۴۲-۵۴۹ احتمال سؤال دادن خیلی

زیاد است حفظ کنید) (۵۴۱-۵۴۲-۵۴۹-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۵۸ قانون اداره تصفیه مهم ترین ماده‌های ورشکستگی حفظ شوند).

۵۲۸ تا ۵۳۵ (دعاوی استرداد) (فوق العاده مهم)

استرداد راجع به ۲ چیز است:

یا استرداد سند

یا استرداد کالا

استرداد سند: عین سند اگر موجود و وصول نشده باشد از طرف صاحب سند، استرداد است البته (بعضی مواقع عین سند موجود هست ولی وصول نشده است) در این صورت نیز استرداد سند متصور نیست.

دارنده سند - سند - تاجر وکیل در وصول - سند - محال علیه

دارند سند در این شکل وارد غرما می‌شود.

دارنده سند - سند - تاجر وکیل در وصول - سند - محال علیه

بعد این ورشکسته دارنده سند سراغ بانک محال علیه می‌رود. چون پول را به تاجر نداده وجه سندش را می‌گیرد. دارنده سند - تاجر وکیل در وصول است (سند را نداده به محال علیه ورشکسته می‌شود).

دارنده سند، سند را داده به تاجر که برایش وصول کند. عین سند نزد تاجر وصول نشده موجود است. دارنده سند می‌رود سندش را پس می‌گیرد چون عین سند وصول هم نشده موجود است.

شکل چهارم ماده ندارد: دارنده سند، سند را به تاجر داد. تاجر عین سند دستش موجود است ولی پولی نگرفته چک وصول شده سندی قابل استرداد است که وصول نشده باشد ۵۲۸

دارنده سند - تاجر وکیل در وصول - محال علیه

بعضی مواقع عین سند موجود هست. ولی وصول شده مثل جایی که سند فکس شده یا ایمیل شده یا تلگرام شده ولی وجه آن وصول شده (چک لاشه شده یعنی فرد پول را گرفته در این صورت دارنده سند باید دخل غرما شود).

(وقتی وجه سند وصول گردد در این صورت دارنده سند طلبکار می‌شود. چون تاجر ورشکسته است دارنده سند باید داخل غرما شود).

قاعده کلی: عین سند موجود باشد عین سند را پس می‌گیریم. وقتی سند وصول شد در زمره غرما می‌رویم.

یادت باشد صاحب حق عینی وارد غرما نمی‌شود صاحب حق دینی وارد غرما می‌شود.

۵۴۹ در این ماده، تاجر ورشکسته، حق العمل کار برای فروش است یعنی یک کالایی به او داده شده تا آن را به فروش برساند اگر عین کالا نزد تاجر موجود باشد یا نزد شخص ثالثی از طرف تاجر به امانت گذاشته شده باشد. اگر عین کالا موجود باشد صاحب عین می‌تواند برود کالایش را پس بگیرد وارد غرما هم نمی‌شود.

ماده ۵۳۰ تاجر ورشکسته حق العمل کار است برای خرید یعنی آمر یک پولی بهش داده (ثمن معامله) گفته برو برای من یک کالا بخر، قبل از اینکه کالا را بخرد حق العمل کار ورشکسته شده، آمر می‌رود داخل غرما چون حق دینی است.

قاعده عمومی استرداد کالا: عین هر مال متعلق به دیگری که موجود باشد قابل استرداد است (از متن ماده ۵۳۱ استخراج شده است).

آمر - پول - تاجر حق العمل - پول - کالا - فروشنده

عین مال متعلق به دیگری که در حین ورشکستگی موجود باشد قابل استرداد از طرف مالک آن است که در این مثال یعنی آمر.

آمر - پول تاجر حق العمل - کالا - فروشنده

آمر پول را داد به تاجر پول دست تاجر باقی مانده، فروشنده بدون اینکه پولی دریافت کند کالا را به تاجر می‌دهد، تاجر ورشکسته می‌شود آمر و داخل غرما می‌رود. فروشنده هم می‌آید عین کالایش را پس می‌گیرد.

آمر - پول - تاجر حق العمل کار - پول - فروشنده

در این شکل آمر می‌رود سراغ فروشنده کالایش را پس می‌گیرد.

داستان: آمر پول می‌دهد به تاجر گفت برو صندلی بخر. تاجر پول داد به فروشنده کالا (صندلی) که تحویل نداد. آمر می‌رود سراغ فروشنده کالایش را پس می‌گیرد.

آمر - تاجر حق العمل کار - پول - فروشنده

آمر پولی به تاجر نداده و تاجر از جیب خودش پول داده به فروشنده و کالا را تحویل گرفته است. طبق قانون تجارت، حق العمل کار در برابر آمر حق حبس دارد. در اینجا نیز تاجر به استناد حق حبس می‌تواند کالا را تحویل ندهد تا آمر وجه آن را بپردازد. اگر آمر وجه آن را نپرداخت نهاد تصفیه، مال را به فروش رسانده و وجه آن را بر می‌دارد (این ماده ندارد) انگار مال خود تاجر بوده اگر پول را ندهد م مال خود تاجر می‌شود.

۵۳۲ ق.ت راجع به اعتبار بارنامه است، بارنامه سند مثبت انتقال مالکیت است شخص می‌تواند عین کالا را از روی بارنامه به دیگری بفروشد به طور مثال:

مثال: کشتی که کالا در آن وجود دارد از چین حرکت می‌کند. تاجر ایرانی از روی بارنامه کالا را به افغانی می‌فروشد (تاجر افغانی)

عین کالا موجود است ولی بارنامه منتقل شده به تاجر افغانی. در این صورت مالک کالا نیز عوض شده است. به طور مثال تاجر با فروشنده تماس می‌گیرد. می‌گوید فلان کالا را برای من بفرست. طرف هم کالا را می‌فرستد ولی پولش را دریافت نمی‌کند، تاجر که پول کالا را پرداخت نکرده از روی بارنامه مال را فروخته بعد ورشکسته شده است. در اینجا فروشنده با اینکه عین کالا روی کشتی موجود است ولی باید داخل غرما شود.

طبق ماده ۵۳۵ مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد کالا را قبول کند (نظارت عضو ناظر می‌تواند اطلاعی باشد یا -----)

در ماده ۵۳۵ نظارت عضو ناظر، استصوابی است.

عضو ناظر، استرداد کالا را به جهت جلوگیری از سوء استفاده مدیر تصفیه، تصویب می‌کند (تست)

معاملات تاجر ورشکسته ۴۲۳ تا ۴۲۶ (فوق العاده مهم) ماده‌ها را حفظ نمایید.

معاملاتی که تاجر قبل از تاریخ توقف انجام داده طبق ماده ۲۲۳ ق.م.محمول بر صحت است.

طبق ماده ۴۱۸ ق.ت.وقتی حکم ورشکستگی تاجر صادر شد از مداخله در تمام امور مالی اش ممنوع است و هیچ دخالتی در امور مالی اش نمی‌تواند انجام دهد.

استثنا قبل از تاریخ توقف، اگر تاجر معامله ای کند که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده اون معامله قابل فسخ است (نه باطل نه منفسخ نه غیر نافذ نه فسخ شده).

برای اینکه معامله قابل فسخ باقی بماند ۳ شرط می‌خواهیم:

۱- معامله قبل از تاریخ توقف، متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله باشد مثلاً اگر یک کالایی ۱۰۰۰ تومان بیارزد ربع کالا ۲۵۰ تومان اگر تاجر کالا را ۷۴۹ تومان فروخته باشد این معامله قابل فسخ است از طرف مدیر تصفیه.

۲- این معامله باید به قصد فرار از دین یا برای اضرار به طلبکارها باشد.

۳- بیش از ۲ سال از تاریخ وقوع معامله نگذشته باشد (اگر دو سال بیشتر گذشته باشد این معامله صحیح است و غیر قابل فسخ است).

نکته تستی) در قانون مدنی، فسخ ایقاع است و اعلام فسخ نیاز به اقامه دعوا دارد.

خریدار زرنگ، مفت خریده هم صاحب عین شده هم صاحب منفعت. چون معامله صحیح بوده اگر خریدار قبل از فسخ معامله تفاوت قیمت را بدهد یعنی در مثال ما ۲۵۱ تومان را بدهد در این صورت معامله قابل فسخ نیست.

طبق ماده ۴۷۸ ق.م.مبنای ضرر از بین برود. خیار هم از بین می‌رود و استاد می‌گویند فکر نکنید که در اینجا استثناء بر آن ماده قانون مدنی وارد شده است ولی اشتباه نکنید در قانون مدنی یارو عالم نیست به عین اما در اینجا فرد به قصد فرار از دین و اضرار به طلبکاران راضی به معامله با ضرر شد پس خیارش عین نیست.

اگر معامله فسخ شود خریدار عین مال را باید برگرداند.

منفعت متصل هم به تبع مال بر می‌گرداند ولی منفعت منفصل، مال خریدار است (عین قانون مدنی)

خریدار چه طور می‌گیرد وقتی معامله فسخ شد؟ ثمن المسمی یعنی ۷۴۹ تومان ماده ۴۲۴-۴۲۵

ماده ۴۲۶ وقتی معامله صوری باشد معامله باطل است پس خریدار برعکس موارد ۴۲۴ و ۴۲۵ نه مالک عین شده نه مالک منفعت شده است. عین کالا را ارزش پس می‌گیرند اگر طلبکار هم شود بر عکس ۴۲۴ و ۴۲۵ باید برود داخل غرما. در ماده ۴۲۶ هم عین مال را ارزش می‌گیرند هم اجرت المثل منفعت را ارزش می‌گیرند چون معامله باطل است. اگر طلبکار هم شود می‌رود داخل غرما (تا تو باشی معامله صوری نکنی)! تست آزاد ۸۵

تفاوت ۴۲۴-۴۲۵ با ۴۲۶

۱- در ۴۲۴ و ۴۲۵ معامله صحیح و قابل فسخ است در ۴۲۶ معامله باطل است (نه قابل ابطال)

۲- در ۴۲۴ و ۴۲۵ عین مال باید مسترد شود نه منفعت آن ولی در ۴۲۶ عین و منفعت باید مسترد شود.

۳- در ۴۲۴ و ۴۲۵ دعوی فسخ ظرف ۲ سال از وقوع معامله باید اقامه شود ولی در ۴۲۶ مهلت ندارد.

۴- در ۴۲۴ و ۴۲۵ شخص قبل از اینکه دارایی به غرما تقسیم شود ثمن المسمی خود را می‌گیرد ولی در ۴۲۶ خریدار (صوری) می‌رود داخل غرما.

۴۲۳ (این ماده را حفظ کنید) ماده ۴۲۳ معاملاتی است که تاجر بعد از تاریخ توقف انجام داده تا قبل از صدور ورشکستگی. به این ماده می‌گویند دوران مشکوک. در این دوران چون هنوز حکم ورشکستگی صادر نشده تاجر اختیار دخالت در اموالش را دارد.

در این دوران هم اصل بر صحت معاملات است ولی اگر معاملات مذکور در ۴۲۳ را انجام بدهد معامله باطل است. منظور از باطل در این معامله بطلان مطلق است.

اگر مالی به صورت هیجانی از دارایی تاجر خارج شود باطل است.

صلح محاباتی صلحی است که معوض آن ناچیز است. خانه ام را به تو صلح کردم در مقابل یک شاخه نبات. تاجر در ماده ۴۲۳ واهب است نه متهب.

ولی اقاله بلاعوض نیست معوض است پس می توان اقاله کرد چون اقاله هیجانی نیست.

تاجر متوقف به هر طریق قرض خود را بپردازد ولو از طریق حکم دادگاه ولو از طریق اجرای ثبت، پرداخت باطل است. طبق رای وحدت رویه شماره ۵۶۱ دیوان عالی کشور، کلیه عملیات اجرایی باطل و طلبکار باید وجوه مزبور را مسترد دارد و داخل غرما شود بدون اینکه نسبت به دیگران حق تقدمی داشته باشد.

رفای به عهد در اینجا سبب سقوط تعهد نمی شود. سبب اجرای تعهد هم نمی شود.

اجراء در اینجا باطل است.

تهاتر در اینجا باطل است (فرد باید داخل غرما شود).

تبدیل تعهد در اینجا باطل است.

ماده ۴۷۴ در مدت ورشکستگی اگر حق فسخی وجود داشته باشد مدت این حق فسخ محدود می شود. اگر ذوالخیار از حق فسخش صرفنظر نمی کند باید آنرا اثبات کند تا قبل از ختم عملیات تصفیه حق فسخش را عمل کند. در ماده ۴۷۴ ذوالخیار طرف معامله با تاجر است. در ماده ۴۷۵ ذوالخیار خود تاجر است اگر تاجر ذوالخیار باشد زمانی معامله فسخ می شود که به ضرر طلبکاران تمام نشود.

در مدت ورشکستگی خیار از بین نمی رود.

تست های ماده ۴۷۴ و ماده ۴۷۵

ماده ۵۸ ق. اداره تصفیه (خیلی مهم)

دز این ماده از ۲ سیستم تبعیت شده است.

- سیستم طولی (طبقه اول مقدم به طبقه دوم و طبقه دوم مقدم بر طبقه سوم)
- سیستم عرضی (در طبقه طلبکاران آن طبقه بر هم مقدم نیستند بلکه در عرض همند)

۱- سهم خود تاجر از اموال

- تاجر زنده است نفقه خود و خانواده اش را به او می دهند ۴۴۷- ۵۰۵- ۲۱ اداره تصفیه
- تاجر فوت شده طبق ماده ۸۶۹ ق.ت قیمت کفن و دفن به او می دهند.

۲- طلب های دارای وثیقه سه حالت است:

- مال وثیقه را می‌فروشد. علی‌الاصول از طریق مزایده و دقیقا به اندازه طلب است (گفت دستت درد نکنه)!
- مال وثیقه را می‌فروشد مازاد بر طلبش است (میگه دستت درد کنه و مازاد را بر می‌گرداند به نهاد تصفیه) حتی اگر خود طلبکار یک طلب دیگری داشته باشد بدون وثیقه داخل غرما می‌رود.
- مال وثیقه را می‌فروشد کمتر در می‌آید بدون اینکه حق تقدمی داشته باشد نسبت به مابقی آن داخل غرما می‌رود.

۳- طبق مواد ۵۲۲ قانون تجارت ۴۶ قانون تصفیه: اداره تصفیه هزینه‌ها تصفیه را قبل از پرداخت بدهی به طلبکاران کسر می‌کند.

طبقه اول تا چهار ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه مهم است.

طلبکاران عادی

طلبکار در مدت ورشکستگی سه نوع است:

۱- طلبکار دارای وثیقه بر همه‌ی طلبکارها مقدم است

۲- طلبکار ممتاز دارای وثیقه نیست اما نسبت به طلب‌های عادی مقدم است (طبقه یک تا چهار ماده ۵۸).

۳- طلب‌های عادی غرمای معمولی طبقه ۵ ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه

طبق رأی وحدت رویه ۳۲۷۱ دیوان عالی کشور اینکه چه طلبکاری مقدم بر چه طلبکار دیگری باشد تنها طبق ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه مشخص می‌گردد. (تا یک سال جزء طبقه اول است مازاد به یک سال می‌رود در طبقه پنجم).

نکته: مربوط به طبقه اول ماده ۵۸

طبق ماده ۱۲: قانون اداره تصفیه هر جا قانون اداره تصفیه سکوت کند تابع مقررات قانون تجارت هستیم.

[→ برای عضویت در کانال تلگرام اختبار اینجا کلیک کنید ←](#)

[→ برای عضویت در خبرسان تلگرام اختبار اینجا کلیک کنید ←](#)

[→ برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اختبار اینجا کلیک کنید ←](#)

[→ برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اختبار عضو شوید ←](#)